



Stano Marček

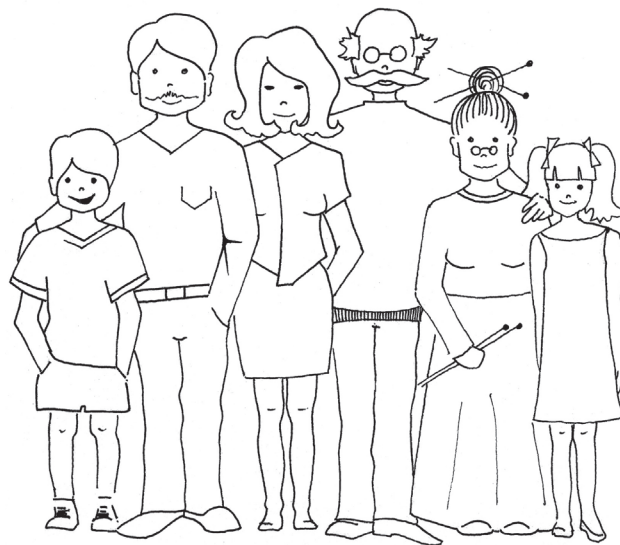
استانو مارچک

# Esperanto

اسپرانتو با روش مستقیم

تصویرگری از: لیندا کوروس-مارچک (Linda Kuruc-Marček)

ترجمه فارسی: سعید بلوچی





استانو مارچک (Stano Marček)

## اسپرانتو با روش مستقیم

ناشر: استانو مارچک

نویسنده: استانو مارچک

تصویرگری: لیندا کوروس-مارچک

ترجمه فارسی توسط: سعید بلوچی

ISBN 978-622-6592-61-1

Tiu ĉi lernolibro jam aperis, krom en la persa, en 42 lingvoj: la angla, franca, rusa, japana, ĉina, korea, portugala, pola, slovaka, Esperanta, greka, nederlanda, irlanda, itala, rumana, germana, dana, litova, serba, vjetnama, luksemburga, hungara, kroata, finna, ĉeĥa, ukraina, hispana, sveda, tajvana, armena, taja, norvega, islanda, indonezia, hinda, turka, bulgara, latina, araba, latva, kurda kaj taĝika.

این کتاب آموزشی تا کنون علاوه بر فارسی به ۴۲ زبان دیگر نیز منتشر شده است: انگلیسی، فرانسه، روسی، ژاپنی، چینی، کره‌ای، پرتغالی، لهستانی، اسلواکیایی، اسپرانتو، یونانی، هلندی، ایرلندی، ایتالیایی، رومانیایی، آلمانی، دانمارکی، لیتوانیایی، صربی، ویتنامی، لوکزامبورگی، مجاری، کروآتی، فنلاندی، چکی، اکراینی، اسپانیایی، سوئدی، تایوانی، ارمنی، تایلندی، نروژی، ایسلندی، اندونزیایی، هندی، ترکی، بلغاری، لاتین، عربی، لتونیایی، کردی و تاجیکی

La lernolibron akompanas didaktika materialo: KD kun la lernolibro en pdf-formato kaj "Modela elparolo" (voĉlegitaj ĉiuj E-tekstoj de la libro) kaj 500 "Instruaj Bildoj" por kursgvidantoj (sur kartonoj A5, resp. sur KD, projekciebla komputile). Mendeblaj ĉe la eldoninto aŭ ĉe bonaj libroservoj.

همراه این کتاب شما میتوانید مواد آموزشی دیگر شامل CD محتوی متن کتاب در فرمت PDF و تلفظ مدل (که همه متن اسپرانتو در آن قرائت شده است) و پانصد عکس آموزشی برای مربیان دوره (روی مقوای A5 و متناظر با آن روی CD و قابل نمایش با کامپیوتر و پروژکتور/بیمبر) را به ناشر این کتاب یا ناشر خودتان، اگر داشته باشند، سفارش دهید.



## دوستان عزیز،

آیا تاکنون به این اندیشیده‌اید که چگونه باید با افرادی که زبان دیگری دارند صحبت کنیم؟

آیا شما باید زبان آنان را بیاموزید یا آنان زبان شما را؟ ولی زبان‌های بسیار زیادی در جهان وجود دارد و نمی‌توان همه را آموخت. لیکن اگر همه انسان‌ها در سراسر گیتی، یک زبان مشترک و بی‌طرف را، علاوه بر زبان مادری خود، می‌آموختند، همه می‌توانستند به آسانی یکدیگر را بفهمند.

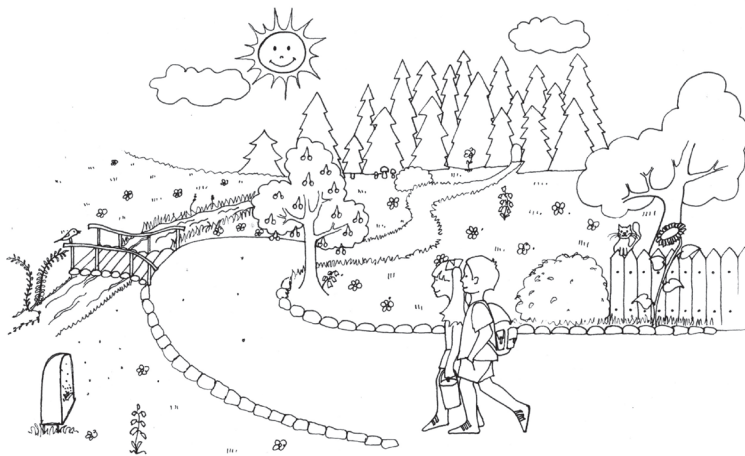
و آیا می‌دانید که چنین زبانی وجود دارد؟ زبان بین‌المللی اسپرانتو! زبانی که یک چشم‌پزشک لهستانی به نام لودویک زامنهوف آن را در قرن ۱۹ ابداع کرد و اکنون در سراسر جهان شناخته شده است. اسپرانتو زبانی فراساخته است یعنی یک آفرینش هنری و منطقی است و به همین دلیل مشکلات سایر زبان‌ها را برای یادگیری ندارد و در نتیجه، فراگیری آن بسیار آسان‌تر و سریع‌تر است. شما هم می‌توانید به آسانی و توسط همین کتاب آموزشی، فراگیری اسپرانتو را شروع کنید.

این کتاب زبان‌آموز به گونه‌ای طراحی شده است که برای افراد ده‌ساله نیز قابل استفاده باشد. هدف کتاب حاضر این است که با روشی جذاب و بدون توضیحات زیاد گرامری، اسپرانتو را در زمانی کوتاه بیاموزید و قادر شوید تا به آن فکر کنید و حرف بزنید. این کتاب به خاطر توضیحات کافی و عکس‌های مناسب می‌تواند خودآموز خوبی هم باشد و شما می‌توانید به‌تنهایی نیز توسط آن شروع به یادگیری اسپرانتو نمایید. البته هیچ چیزی جای توضیحات معلم واقعی را نمی‌گیرد!

در طول فراگیری، هرگز فراموش نکنید، که به طور مرتب و منظم یادگیری‌تان را ادامه دهید و ترجیحاً هر روز قدری پیش بروید. سعی نکنید ترجمه کنید بلکه جمله‌ها را مستقیماً به اسپرانتو بسازید. تا می‌توانید جملات آموخته‌شده را به کار ببرید. با دوستان‌تان به اسپرانتو حرف بزنید و هرچه زودتر با اسپرانتیست‌های دیگر نقاط دنیا در سایت‌های اسپرانتوزبان آشنا شوید و گفتگو کنید، کتاب‌ها و مجلات اسپرانتو را مطالعه کنید و به موسیقی و رادیوهای اسپرانتو گوش کنید.

برای شما در یادگیری این زبان آرزوی موفقیت دارم، ولی قبل از آن امیدوارم آن شادی معنوی که در کشف کردن اسپرانتو نهفته است نصیب شما هم شده باشد. چرا که اسپرانتو چیزی بیشتر از یک زبان است: اسپرانتو راه‌حل عادلانه و آسان مشکل ناهم‌زبانی در جهان است. اسپرانتو در عین حال راهی است برای کشف خودهای دیگرگان در سراسر گیتی، آنانی که چون خود شما می‌اندیشند. به خانواده‌ی بزرگ و جهانی اسپرانتیست‌ها خوش آمدید.

مؤلف



paço 6



Estas



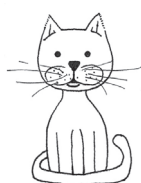
Mi<sup>1</sup> estas<sup>2</sup> Maria.



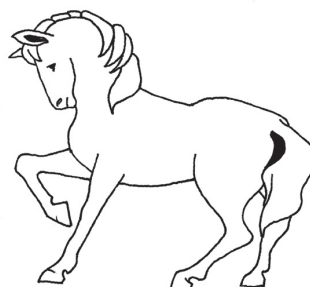
Mi estas Peter.



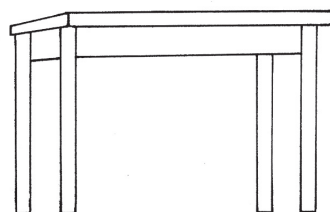
Vi<sup>3</sup> estas Maria.



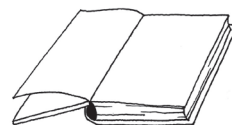
Kato<sup>4</sup> estas besto<sup>5</sup>



Ĉevalo<sup>6</sup> estas besto.



Tablo<sup>7</sup> estas objekto<sup>8</sup>.



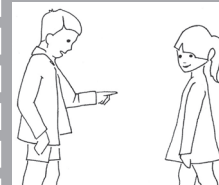
Libro<sup>9</sup> estas objekto.



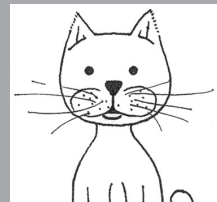
estas



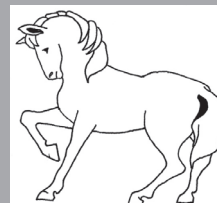
mi



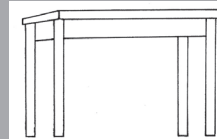
vi



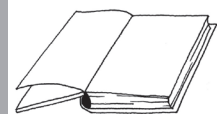
kato



ĉevalo



tablo



libro



rozo



pomo

+

kaj

1

unu

2

du

≠

ne

3

tri



homo



kio?



tio



Rozo<sup>10</sup> estas floro<sup>11</sup>.



Pomo<sup>12</sup> estas frukto<sup>13</sup>.

### Kaj

$$1 + 1 = 2$$

Unu<sup>14</sup> kaj<sup>15</sup> unu estas du<sup>16</sup>.



Maria kaj Peter.



Pomo kaj libro. Kato estas besto kaj rozo estas floro. Mi estas Maria kaj vi estas Peter. Tablo estas objekto kaj ĉevalo estas besto.

### Ne

$$1 + 1 \neq 3$$

Unu kaj unu ne<sup>17</sup> estas tri<sup>18</sup>.



Mi ne estas Peter,  
mi estas Maria.



Mi ne estas Maria,  
mi estas Peter.



Libro ne estas floro. Ĉevalo ne estas frukto. Du kaj du ne estas tri. Mi ne estas floro, mi estas homo<sup>19</sup>. Kato ne estas homo, kato estas besto.

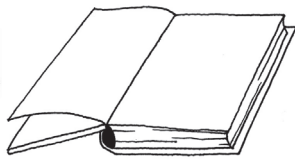




## Kio?

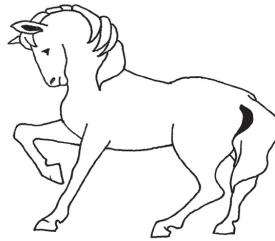
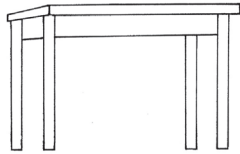
Kio<sup>20</sup> estas ĉevalo? – Ĉevalo estas besto.  
 Kio estas tablo? – Tablo estas objekto.  
 Kio estas libro? – rozo? – pomo? – Peter?

## Tio



Kio estas tio<sup>21</sup>?  
 Tio estas libro.

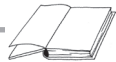
Kio estas tio?  
 Tio estas pomo..



Kio estas tio?

Kio estas tio?

Kio estas tio?

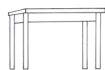


estas frukto. Kio estas

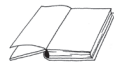


estas besto.

Tio estas



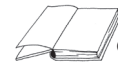
. Kio estas



? Kio estas



?



estas

objekto kaj



estas floro.



estas



kaj



estas besto.

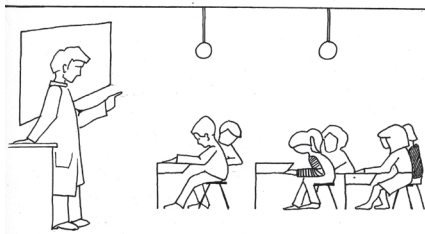


جمله بنویسید:



مثلاً: Pomo estas frukto. Libro ne estas besto.

Pomo	estas	homo.
Rozo		besto.
Libro		floro.
Tablo		frukto.
Ĉevalo	ne estas	objekto.
Kato		
Peter		



آیا همدیگر را در کلاس می‌شناسید؟  
هر کسی خود را به اسپرانتو معرفی کند.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### الفبای اسپرانتو

الفبای زبان اسپرانتو از ۲۸ حرف تشکیل شده است. هر حرف فقط یک صدا دارد، و هر صدا تنها توسط یک حرف نوشته می‌شود. به عبارت دیگر، هر چه نوشته شده عیناً همانطور خوانده می‌شود و هر چه شنیده شود عیناً همان‌گونه نوشته می‌شود. در چند ساعت اولیه‌ی آموزش الفبای اسپرانتو مشکل املا یا دیکته، و تلفظ یا خواندن برای همیشه حل می‌شود. در الفبای اسپرانتو هیچ استثنایی وجود ندارد. الفبای اسپرانتو بقرار زیر است:

A	B	C	Ĉ	D	E	F
G	Ĝ	H	Ĥ	I	J	Ĵ
K	L	M	N	O	P	R
S	Ŝ	T	U	Ŭ	V	Z

همانطور که ملاحظه می‌کنید الفبای اسپرانتو از خطوط اروپایی گرفته شده که بیشترین کاربرد را دارند و برای زبان‌های هندواروپایی کاملاً مناسب است. اینک به توضیح حروف مذکور می‌پردازیم:

A - اولین حرف اسپرانتو است. صدای آن کاملاً با آ در زبان فارسی مطابق است و اسم این حرف نیز آ است. برای مثال آ یا الف در کلمات فارسی آبادان **abādan**، باد **bad**، دارا **dara**، اسپرانتو **Esperanto**.

B- دومین حرف اسپرانتو است. صدای آن کاملاً با ب در زبان فارسی مطابق است و اسم این حرف نیز ب (bo) است (توضیح اینکه چون در زبان اسپرانتو تمامی اسامی به ا (o) ختم می‌شوند، برای نامیدن حروف بی‌صدا نیز در این زبان کافی است یک **o** به آخر آن‌ها اضافه کنیم، مثل **bo, do, zo**). مثال: باد **bad** - عابر **aber** - آب **ab** - بابا **baba**

C- سومین حرف در خط اسپرانتو است. با اینکه این حرف کم و بیش در تمام زبانهای اسلاو (روسی - صرب و کروات





- چک - لهستانی - بلغاری و ... و همچنین در زبان‌های آلمانی و ایتالیایی و چندین زبان دیگر معادل دارد اما تنها حرفی است که برای فارسی‌زبان‌ها در ابتدا شاید کمی تلفظ آن مشکل به نظر برسد. این حرف ترکیبی است از ت و س- حدوداً "۳۰٪ ت و ۷۰٪ س- بصورت(تس). مثلاً" واژه تسونامی conami یا لتسیونو legiono یا تسار car یا تسنت cent. اسم این حرف تسُ **co** است.

Ĉ - چهارمین حرف اسپرانتو، اسم آن چُ و صدایش کاملاً" منطبق است بر صدای چ در زبان فارسی. مثال: چوب **ĉub** - پوچ **puĉ** - چین **Ĉin**

D - پنجمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر د در زبان فارسی و اسم آن دُ **do** است. دارا **dara** - باد **bad** - بیداد **bidad**

E - ششمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر (کسره) در زبان فارسی و اسم آن ا(الف مکسور) **e** است. مثل "ا" در اول و بعد از پ در کلمه اسپرانتو **Esperanto** - صدای کسره بعد از ک در حرف ربط (که) **ke** - که در فارسی و اسپرانتو به یک شکل و یک معنی است.

F - هفتمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ف در زبان فارسی و اسم آن فُ **fo** است. کافی **kafi** - فابریک **fabrik** - فاکتور **faktor** - فامیل **famil**

G - هشتمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر گ در زبان فارسی و اسم آن گُ **go** است. گرگ **gorg** - گام **gam** - دیگ **dig**

Ĝ - نهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ج در زبان فارسی و اسم آن جُ **ĝo** است. جام **ĝam** - کاج **kaĝ** - بیجار **biĝar** - جورج **ĝorg**

H - دهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ح یا ه در زبان فارسی و اسم آن حُ **ho** است. حامد **Hamed** - هرمز **hormoz** - ماه **mah** - تهران **Tehran**

Ĥ - یازدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر خ در زبان فارسی و اسم آن خُ **ĥo** است. خرما - **ĥorma** - کاخ **kaĥ** - خواسته **ĥaste**

I - دوازدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر ی مصوت در زبان فارسی و اسم آن ئی **I** است. ایران **Iran** شیراز **Ŝiraz** - گیتی **Giti** - گیلان **Gilan**

J - سیزدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر ی نیمه مصوت در زبان فارسی و اسم آن یُ **Jo** است. هی **hej** - یار **jar** - یاسمین **Jasmin** - پایان **pajan**

Ĵ - چهاردهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ژ در زبان فارسی و اسم آن ژُ **Ĵo** است. ژاله **ĵale** - ژولیا **Ĵulia** - روژان **Ruĵan** - ژرژ **Ĵorĵ** - ژاژ **ĵaĵ**

K - پانزدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ک در زبان فارسی و اسم آن کُ **ko** است. کرد **kord** - کلاس **kelas** - ساک **sak** - بیکار **bikar**

L - شانزدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ل در زبان فارسی و اسم آن لُ **lo** است. لرد **lord** - بلبل **bolbol** - لاله **lale**

M - هفدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر م در زبان فارسی و اسم آن مُ **mo** است. نام **nam** - هاشم **Haŝem** - هیمالیا **Himalija**

N - هیجدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ن در زبان فارسی و اسم آن نُ **no** است. نام **nam** - نادر **Nader** - آبان **aban**

O - نوزدهمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر **ضمه** در زبان فارسی و اسم آن اُ **o** است. اکالیپتوس **okaliptus** - بزرگ **bozorg** - زاگرس **Zagros** - عریان **orjan**

P - بیستمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر پ در زبان فارسی و اسم آن پُ **po** است. پاسپورت **pasport** - پیر **pir** - سپید **sepid** - پندار **pendar**

R - بیست و یکمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً" برابر ر در زبان فارسی و اسم آن رُ **ro** است. روز **ruz** - بهروز



Behruz - kar - بیدار bidar

S- بیست و دومین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر س - ص - ث در زبان فارسی و اسم آن سُ so است. سیروس Sirus- سیستم sistem - کورس kuros- صدا seda- آثار asar

Ŝ- بیست و سومین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً برابر ش در زبان فارسی و اسم آن شُ ŝo است. شمال ŝomal- شور ŝur- آش aš- آشوری Ašuri- پاشا paša

T- بیست و چهارمین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر ت - ط در زبان فارسی و اسم آن تُ to است. تند tond - تومان Tuman- طهران Tehran- مات mat

U- بیست و پنجمین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر و (مصوت بلند) در زبان فارسی و اسم آن او u است. او (ضمیر سوم شخص مفرد در زبان فارسی) u- مو mu- بو bu- کوه kuh- شکوه ŝokuh

Ū- بیست و ششمین حرف اسپرانتو. صدای آن کاملاً برابر واجی است که در کلمه فردوسی بعد از دُ و حوض بعد از حُ، و کوثر بعد از کُ در زبان فارسی شنیده می‌شود. البته این نکته را باید در نظر داشت که این واج نیمه‌مصوت است و به کمک واج مصوت کوتاه (o) در این کلمات به تلفظ در می‌آید. اسم این حرف در اسپرانتو ūo است. برای تلفظ بهتر این واج بد نیست بدانید که می‌توانید آن را - مخصوصاً وقتی که در ابتدای واژه قرار می‌گیرد - با W انگلیسی برابر بدانید (مثل کلمه well). فردوسی Ferdoūsi - حوض hoūz- کوثر koūsar - صوت soūt.

V- بیست و هفتمین حرف اسپرانتو. صدای آن برابر (واو صامت) در زبان فارسی و اسم آن وُ vo است. واری varesi - مروارید morvarid- گاو gav- داوود Davud

Z- بیست و هشتمین و آخرین حرف از الفبای زبان اسپرانتو است. صدای آن با ذ - ز - ض - ظ در زبان فارسی یکی است. نام این حرف در اسپرانتو زُ zo است. زیبا ziba - ذکر zekr - ظالم zalem - اضطراب ezterab .

یکبار دیگر اسامی حروف را با هم می‌خوانیم :

A	a	B	bo	C	co	Ĉ	ĉo	D	do	E	e	F	fo
G	go	Ĝ	ĝo	H	ho	Ĥ	ĥo	I	i	J	jo	Ĵ	ĵo
K	ko	L	lo	M	mo	N	no	O	o	P	po	R	ro
S	so	Ŝ	ŝo	T	to	U	u	Ŭ	ŭo	V	vo	Z	zo

همانطور که ملاحظه فرمودید پنج حرف A-E-I-O-U را حروف باصدا (آوادار - صدادار - مصوت - خودآوا - آلمانی vokal - انگلیسی vowel - فرانسه voyelle)، دو حرف J و Ŭ را حروف نیمه صدادار و مابقی حروف را حروف بی‌صدا (بی‌آوا - صامت - ناخودآوا - آلمانی konsonant - انگلیسی consonant - فرانسه consonne) می‌گویند. می‌دانیم که حروف بی‌صدا و نیمه صدادار فقط به کمک حروف صدادار به تلفظ در می‌آیند. بنابر این هر هجا (سیلاب) تشکیل شده است از دست کم یک حرف صدادار و احیاناً یک یا چند حرف بی‌صدا یا نیمه صدادار.

توجه: با توجه به مشکل حروف سرکش‌دار (Ŭ-Ŝ-Ĵ-Ĥ-Ĝ-Ĉ) و نبود امکانات چاپ این حروف در بسیاری از چاپخانه‌ها، ماشین‌های تحریر و تایپ‌های کامپیوتری، حسب پیش‌بینی شخص زامنهوف و اجازه خود وی، می‌توانید بجای هشتک و هفتک (کلاهک‌های بالای حروف فوق‌الذکر) از یک حرف h بعد از این حروف استفاده نمائید. پس به جای حروف فوق‌الذکر، می‌توانیم بنویسیم: (Ch- Gh- Hh- Jh- Sh- Uh). اما با توجه به اینکه در برنامه‌های جدیدتر این مشکل با درج حروف اسپرانتو در صفحه کلیدها حل گشته، لازم است حتی‌الامکان از دستکاری در حروف اصلی اسپرانتو خودداری شود تا شکل املای اسپرانتو که متون با قدمت بیش از یک قرن را شامل می‌شود حفظ گردد. بدیهی است هر چه شکل املای یک خط در یک زبان ثابت و بدون استثنا و متحدالشکل باشد دریافت معنی از ظاهر واژه آسان‌تر و سریع‌تر می‌شود و تداعی معانی فقط با نگاه کردن سریع به خط ممکن می‌گردد. امکان دیگر، استفاده از حرف X بجای H است که بعضی از اسپرانتیست‌ها استفاده می‌کنند. در این صورت حروف مذکور چنین‌اند: cx - gx- hx - jx - sx- ux

\* نکته برای زبان‌آموزانی که به خط و تلفظ انگلیسی عادت کرده‌اند: در قرائت خط اسپرانتو، تلفظ انگلیسی حروف را فراموش کنید و از نو بیاموزید که حروف اسپرانتو هر یک خود نماد کدام واج هستند. مثلاً در الفبای اسپرانتو چهار



حرف انگلیسی Q-W-X-Y وجود ندارند (مگر در متون ریاضی و علمی در بعضی فرمولها) و تلفظ حروف اسپرانتو به خط آوانگار بین‌المللی - که در مقدمه بعضی از لغتنامه‌ها درج است - نزدیک‌تر است تا به خط و تلفظ انگلیسی. امروزه به مدد وسایل انتقال صوت، مشکل تفهیم نحوه تلفظ بکلی حل شده است. شما می‌توانید تلفظ حروف اسپرانتو را در سایت‌های مختلف بشنوید.

### تلفظ و آکسان (آوافشاره):

در کلمات اسپرانتو هر چه نوشته شود عیناً همان‌طور خوانده می‌شود و هر چه شنیده شود عیناً همان‌گونه نوشته می‌شود. در خط اسپرانتو هیچ استثنایی وجود ندارد. هیچ علامتی هم برای آوافشاره یا آکسان/اکسنت نیست زیرا در زبان اسپرانتو محل آکسان در تمامی کلمات نیز قانون‌مند است و در کلمات چندهجایی همیشه فشار روی سیلاب یا هجای ماقبل آخر است. مثلاً در کلمه‌ی سه سیلابی کاترینو (کاتری‌نو) فشار روی ری است: *Katrina*. یا در کلمه‌ی چهارسیلابی اسپرانتو (اس‌پ‌ران‌تو) *Esperanto* آکسان روی هجای ماقبل آخر (ران) است: *Esperanto*.

### تمرین خواندن و نوشتن:

۱- کلمات فارسی زیر را به الفبای اسپرانتو بنویسید (به معنی کلمات و این که این کلمات فارسی هستند یا اسپرانتو و اگر فارسی هستند معادل اسپرانتوی آنها چه می‌شود فعلاً کاری نداشته باشید. فقط آنچه را می‌خوانید - به تلفظ فارسی - عیناً به خط اسپرانتو بنویسید. یعنی فرض کنید کلماتی را می‌شنوید و می‌خواهید آنها را به خطی لاتین - اسپرانتو - بنویسید):

ایران - تهران - آسیا - دارا - سارا - شام - ناهار - خرما - خاش - خرم آباد - گیلان - شیراز - سیستان - راه - کوه - چادر - حجاب - خوب - زیبا - ماشین - آسفالت - بیجار - پژو - جیب - آمریکا - چین - روس - ایتالیا - هلند - برلین - مادها - پارسها - ژاله - ژیلدا - فردوسی.

۲- کلمات زیر را به خط فارسی بنویسید :

*Irano - Esperanto - patro - patrino - frato - fratino - ĉin - ŝus - ĵale - baĝhahi - ŝomal - ĝonub - sandviĉo - Ameriko - Ĵak Ŝirak - Ĝorĝ Buŝ - jes - ne*

### قاعده تلفظ:

همان‌طور که می‌دانیم اختلاف در نحوه تلفظ، لهجه‌ها را به وجود می‌آورد و لهجه‌ها بعدتر موجب جدایی گویندگان یک زبان از یکدیگر می‌شوند در اسپرانتو یک قاعده برای تلفظ داریم و با رعایت آن برای همیشه مشکل قرائت و تلفظ حل می‌شود: آکسان (یا اکسنت یا آوافشاره یا گرانیگاه آوائی یا نقطه ثقل صوتی) همیشه بر روی سیلاب (هجای) ماقبل آخر است. مثلاً کلمه *Esperanto* چهار بخش (سیلاب - هجا) دارد *Es pe ran to*. بنابر این سیلاب ماقبل آخر آن *ran* است و در تلفظ این کلمه تکیه صوتی یا آکسان یا سنگینی و فشار و کشش صوتی باید روی سیلاب *ran* باشد. زیر سیلاب ماقبل آخر کلمات زیر خط کشیده شده است. شما آن سیلاب را هنگام تلفظ کمی کشیده‌تر و کمی بلندتر بخوانید یعنی به اصطلاح سنگینی و فشار بیشتری روی آن سیلاب وارد نمائید :

*Es pe ran to ( espeRANto). Irano - Amerikano- Italianino - lokomotivo - kunordigantino*

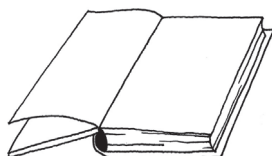
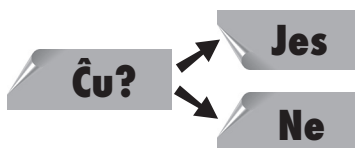
### واژه نامه:

- ۱- من، ۲- هست/هستم/هستی...، ۳- تو، ۴- گربه، ۵- جانور / حیوان، ۶- اسب، ۷- میز، ۸- چیز / شی، ۹- کتاب، ۱۰- گل سرخ / رز، ۱۱- گل، ۱۲- سیب، ۱۳- میوه، ۱۴- یک، ۱۵- و (حرف ربط)، ۱۶- دو/ عدد دو، ۱۷- نه / نخیر، ۱۸- سه، ۱۹- آدم/ انسان/ بشر، ۲۰- چه چیزی؟ / چیزی که، ۲۱- آن چیز.



## 2 DUA LECIONO

۲ درس دوم



Ĉu<sup>1</sup> tio estas tablo?  
Ne, tio ne estas tablo.  
Ĉu tio estas libro?  
Jes<sup>2</sup>, tio estas libro.

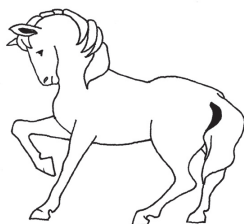


Ĉu tio estas rozo?  
Jes, tio estas rozo.



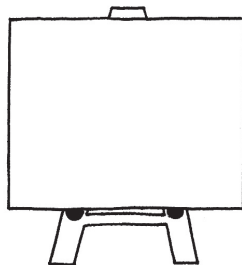
Ĉu rozo estas floro? Jes, rozo estas floro.  
Ĉu ĉevalo estas besto? Jes, ĉevalo estas besto.  
Ĉu libro estas besto? Ne, libro ne estas besto,  
libro estas objekto. Ĉu vi estas Maria? Jes.

### Sed



Ĉu ĉevalo estas frukto?  
Ne, ĉevalo ne estas frukto,  
ĉevalo estas besto.

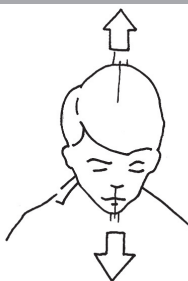
Pomo estas frukto,  
sed<sup>3</sup> ĉevalo estas besto.



Ĉu tio estas tablo?  
Ne, tio ne estas tablo,  
sed – tablo<sup>4</sup>.  
Ĉu tabulo estas besto?  
Ne, tabulo ne estas besto,  
sed objekto.



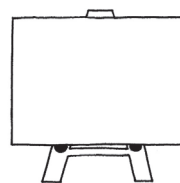
ĉu?



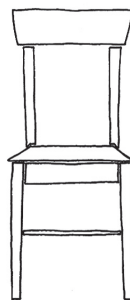
jes



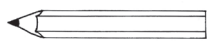
ne



tabulo



seĝo



krajono



plumo



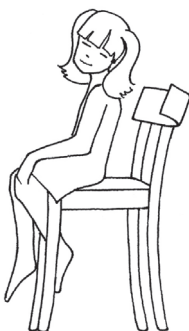
hundo



sur



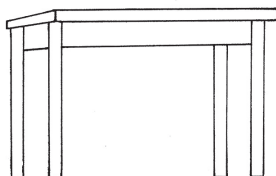
kie?



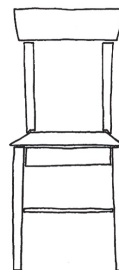
sidas

## Ankaŭ

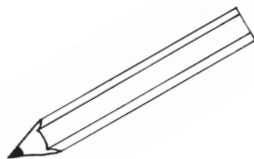
Kato estas besto. Ankaŭ<sup>5</sup> ĉevalo estas besto.  
Tabulo estas objekto.  
Ankaŭ libro estas objekto.



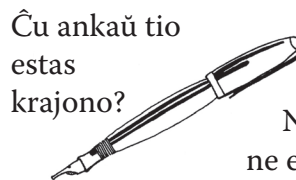
Tio estas tablo.



Ĉu ankaŭ tio estas tablo?  
Ne, tio estas seĝo<sup>6</sup>.



Tio estas krajono<sup>7</sup>.



Ĉu ankaŭ tio estas krajono?  
Ne, tio ne estas krajono, sed plumo<sup>8</sup>.



Rozo estas floro. Ĉu ankaŭ libro estas floro?  
Ne, libro ne estas floro, sed objekto.  
Mi estas homo. Ankaŭ vi estas homo.

## La



Kio estas tio?  
Tio estas plumo.  
La<sup>9</sup> plumo estas objekto.



Tio estas hundo<sup>10</sup>.  
La hundo estas besto.

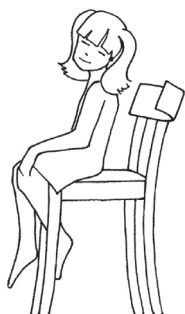
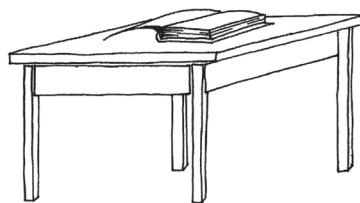




**Kie?**

**- Sur**

Tablo kaj libro.  
La libro estas  
sur<sup>11</sup> la tablo.  
Kie<sup>12</sup> estas la libro?  
- Sur la tablo.



Maria sidas<sup>13</sup>.  
Kie sidas Maria?  
Maria sidas sur la seĝo.



Peter staras<sup>14</sup>.  
Kie staras Peter?  
Sur la planko<sup>15</sup>.

**Li**



Peter staras.  
Li<sup>16</sup> staras sur la planko.

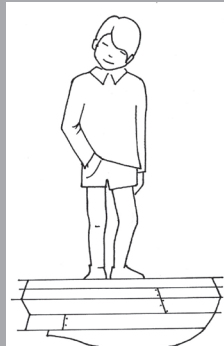
**Ŝi**



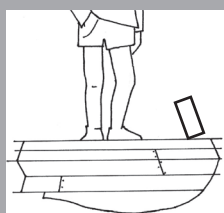
Maria sidas. Kie ŝi<sup>17</sup> sidas?  
Ŝi sidas sur la seĝo.

**Konversacio:**

- Maria, ĉu vi sidas?
- Kie vi sidas?
- Ĉu ankaŭ mi sidas?
- Maria, kie estas la libro?
- Ĉu ankaŭ la kraĵono estas sur la tablo?
- Jes, Peter, mi sidas.
- Mi sidas sur la seĝo.
- Ne, vi ne sidas, vi staras.
- La libro estas sur la tablo.
- Ne, la kraĵono ne estas sur la tablo, sed sur la planko.



staras



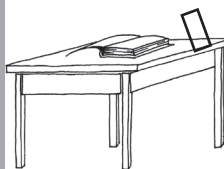
sur



li



ŝi



sur la tablo





### Respondu (پاسخ دهید):

– Ĉu rozo estas floro? Ĉu ĉevalo estas besto? Ĉu ankaŭ kraĵono estas besto? Kie sidas Maria? Ĉu ankaŭ Peter sidas? Kie estas la libro? Kio estas sur la planko? Ĉu ankaŭ vi estas Peter?

### Kompletigu (تکمیل کنید):

..... estas besto. Kio ..... tio? ..... estas pomo. ....  
la tablo estas floro? Ne, la tablo ..... estas floro, ..... objekto.  
La libro estas ..... la tablo. Peter staras ..... la planko. Maria  
sidas sur la ..... . Ŝi ne staras, ..... sidas. Hundo estas .....  
kaj ..... kato estas besto. Tio ne estas pomo, ..... seĝo.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### Ĉu

Ĉu tio estas pomo? آیا آن سیب است؟ Ĉu vi estas Maria? آیا تو ماریا هستی؟  
Ĉu vi sidas? آیا شما نشستہ اید؟

برای سؤال کردن از واژه **ĉu** استفاده می کنیم که درست معادل فارسی آیا است.

### La

Tio estas hundo. آن سگ است. La hundo estas besto. سگ حیوان است.  
Tio estas plumo. آن قلم است.  
La plumo estas sur la planko. قلم روی کف (اتاق/سطح میز/...) قرار دارد.

\* *kiu* برای پرسش از اشخاص و *kio* برای پرسش از اشیا بکار می رود. *Ĉu* به معنی آیا ادات پرسش است.  
*Kiu estas li? Li estas instruisto.* او کیست؟ او معلم است.  
*Kio estas ĝi? Ĝi estas kato.* آن چیست؟ آن گربه است.  
*La kato estas besto.* گربه حیوان است.

واژک (*La* - حرف تعریف) قبل از کلمه نشان می دهد که آن کلمه برای شما شناخته شده است، مثلا قبلا راجع به آن صحبت شده یا آن را دیده ایم یا واضح است که راجع به چیز مشخصی صحبت می کنیم. *la* در اسپرانتو مثل (ال) حرف تعریف در عربی است. در زبان فارسی ما حرف تعریف نداریم و بجای آن حرف تنکیر (یک / ی) داریم. کلمه "کتاب" معرفه است و کلمه "کتابی" نکره.



حرف تعریف را جلوی اسم اشخاص می‌آوریم ولی می‌توانیم جلوی بقیه کلماتی که معرفی هستند بیاوریم. حرف تعریف را جلوی کلمات نکره می‌آوریم.

*la* \* تنها حرف تعریف (*artikolo*) در زبان اسپرانتو است. برای کلمات نکره هیچ حرف تعریفی نداریم و اگر کلمه را بدون حرف تعریف بکار ببریم معلوم می‌شود که آن کلمه نکره است. اما برای کلمه معرفی حرف تعریف *la* را قبل از کلمه بکار می‌بریم:

من کتابی خریدم *Mi aĉetis libron*

هم در جمله فارسی و هم در جمله اسپرانتو کتاب نکره است. در فارسی علامت نکره بودن *ی* نکره است که به آخر کلمه اضافه می‌شود. اگر راجع به همان کتابی که خریدم بحث کنیم و بگوییم:

*La libro estas pri la historio de Esperanto.* کتاب راجع به تاریخ اسپرانتو است.

کتاب در هر دو جمله فارسی و اسپرانتو معرفی است.



به خاطر داشته باشید:

Ĉu rozo estas floro? – آیا رز گل است؟

Ĉu la rozo estas sur la tablo? – آیا رز روی میز است؟

#### واژه‌نامه:

- ۱- آیا، ۲- بله، آره، ۳- اما، ولی، ۴- تخته، تخته‌سیاه / سفید / وایت برد ۵- هم، همچنین، ۶- صندلی، ۷- مداد، ۸- قلم، خودکار، ۹- آن، همه، ۱۰- سگ، ۱۱- روی، ۱۲- کجا / جایی که، ۱۳- نشسته است، ۱۴- ایستاده است، ۱۵- کف اتاق، ۱۶- او (مرد)، ۱۷- او (زن)،

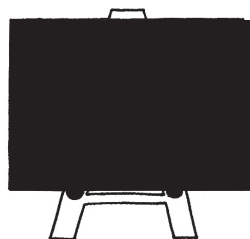




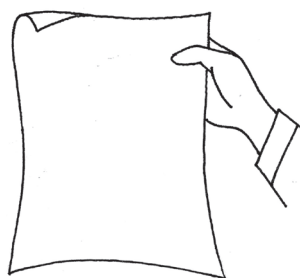
# 3 TRIA LECIONO

۳ درس سوم

## Kia?

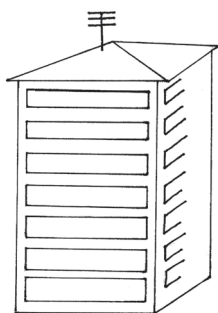


La tabulo estas nigra<sup>1</sup>.  
Kia<sup>2</sup> estas la tabulo? – Nigra.



Kia estas la papero<sup>3</sup>?  
La papero estas blanka<sup>4</sup>.

## Mal-



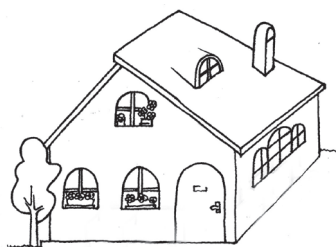
Granda<sup>5</sup> domo<sup>6</sup>.



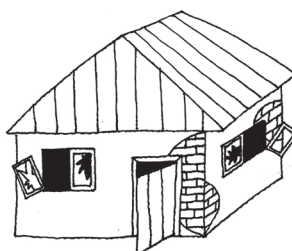
Malgranda<sup>7</sup> domo.



Ŝi estas bela<sup>8</sup>. Ŝi estas **malbela**<sup>9</sup>. Ankaŭ Maria estas bela.



Bela domo.



Malbela domo.



kia?

nigra

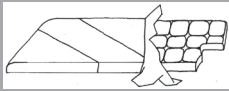
blanka

papero

granda

malgranda

bela, malbela



ĉokolado



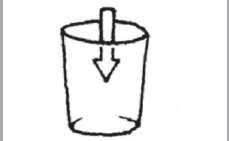
bona



malbona



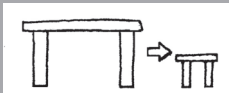
glaso



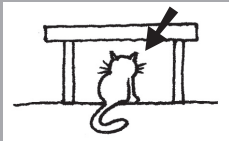
en



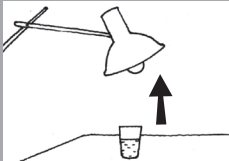
akvo



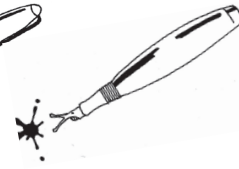
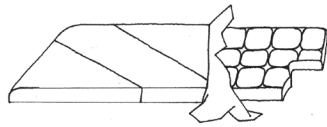
apud



sub



super



Ĉokolado<sup>10</sup> estas bona<sup>11</sup>. Bona plumo. Malbona plumo.



Ĉevalo estas granda besto. Ĉu ankaŭ kato estas granda besto? Ne, kato ne estas granda besto. Sur granda tablo estas malgranda objekto. Tio estas bona hundo.

**Kie?**

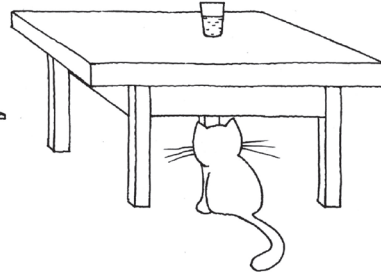
**Sur**

**En**

**Apud**

**Sub**

**Super**



La tablo staras sur la planko. Sur la tablo estas glas<sup>12</sup>. En<sup>13</sup> la glas<sup>14</sup> estas akvo<sup>14</sup>. Apud<sup>15</sup> la tablo estas seĝo. Sub<sup>16</sup> la tablo estas kato. Super<sup>17</sup> la tablo estas lampo<sup>18</sup>.



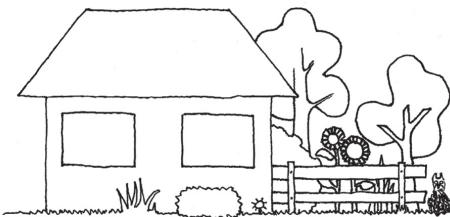
Kie estas la glas<sup>12</sup>? – La glas<sup>12</sup> estas sur la tablo.

Kie estas la akvo<sup>14</sup>? – La akvo<sup>14</sup> estas en la glas<sup>14</sup>.

Kie estas la seĝo<sup>15</sup>? – La seĝo<sup>15</sup> estas apud la tablo.

Kie estas la kato<sup>16</sup>? – La kato<sup>16</sup> estas sub la tablo.

Kie estas la lampo<sup>18</sup>? – Super la tablo.



Bela domo, ĉu ne?

Apud la domo estas malgranda ĝardeno<sup>19</sup>.

En la ĝardeno estas arbo<sup>20</sup> kaj sub la arbo sidas granda hundo. La hundo estas nigra.



**Kiu?**

**Mi**

**Vi**

**Li**

**Ŝi**

**Ĝi**

**Ni**

**Vi**

**Ili**



Kiu<sup>21</sup> estas mi?  
Mi estas Maria.



Kiu estas mi?  
Mi estas Peter.



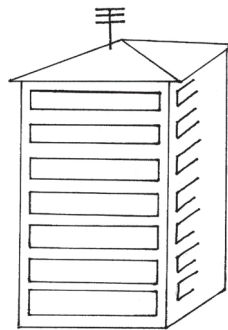
Ni<sup>22</sup> estas  
Maria kaj Peter.



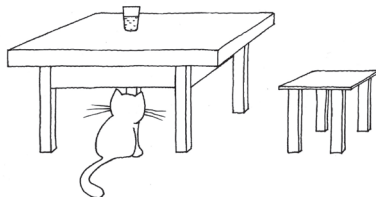
Ŝi estas Maria kaj li estas Peter.  
Ili<sup>23</sup> estas Maria kaj Peter.



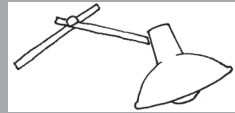
Tio estas hundo.  
~~Ki~~ ~~Ŝi~~ Ĝi<sup>24</sup> estas nigra.



Tio  
estas  
domo.  
Ĝi  
estas  
granda.



Kie estas la tablo?  
Ĝi estas sur la planko.  
Kie estas la seĝo?  
Ĝi estas sur la planko,  
apud la tablo.  
Kie estas la kato?  
Ĝi estas sub la tablo.



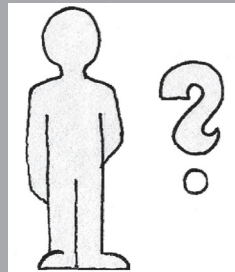
lampo



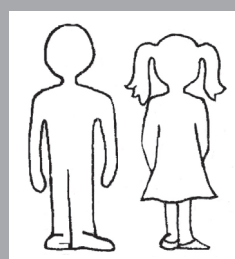
ĝardeno



arbo



kiu?



li ŝi



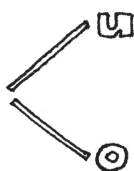
ĝi ĝi



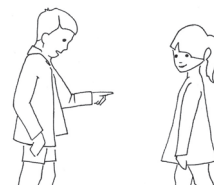
ni

paĝo 21

Ki



mi



vi



li



ŝi



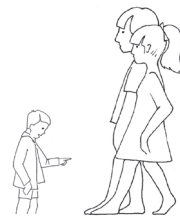
ĝi



ĝi



ni



vi



ili

mi + mi = ni

vi + vi = vi

li + ŝi = ili

li + li = ili

ŝi + ŝi = ili

ĝi + ĝi = ili

## Konversacio



- Kiu vi estas?
- Kie vi estas?
- Kio estas apud la domo?
- Kio estas en la ĝardeno?
- Kia floro?
- Ĉu ankaŭ mi estas bela?
- Ĉu ankaŭ kato estas en la ĝardeno?
- Ĉu ankaŭ vi estas sub la tablo?



- Mi estas Peter.
- Mi estas en la domo.
- Apud la domo estas malgranda ĝardeno.
- En la ĝardeno estas granda arbo kaj sub ĝi estas bela floro.
- Malgranda, bela rozo.
- Jes Maria, ankaŭ vi estas bela.
- Ne, ĝi estas en la domo, sub la tablo.
- Ne. Mi staras apud vi.



سؤال طرح کنید و پاسخ دهید!

مثلاً: تابلو چگونه است؟ - تابلو، سیاه است.

Kia estas la tabulo? – La tabulo estas nigra.

Kia estas la .....

La ..... estas .....

ĝardeno

ĉevalo

papero

malgranda

bona

nigra

tabulo

domo

kato

ĉokolado

plumo

bela

granda

blanka

malbona

malbela



**Respondu** (پاسخ دهید):

Kie estas la ĝardeno? Kia estas la tabulo? Kie estas la lampo? Kiu estas en la domo? Kie estas la seĝo? Kia estas la ĉokolado? Ĉu ĉevalo estas malgranda besto? Kio estas sur la tablo? Kie estas la akvo? Ĉu la lampo estas sub la tablo? Ĉu Maria estas bela?



**Legu** (بخوانید):

Tio estas malbona plumo. Maria sidas sur la seĝo, apud la tablo. Sur la tablo estas granda libro. Rozo estas bela floro. Peter sidas sur blanka ĉevalo. Ĉu ankaŭ vi sidas sur ĉevalo?

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**- o**

Libro, domo, ĉevalo, tablo, rozo, kato.

تمام "اسم‌ها" در اسپرانتو به **o** ختم می‌شوند.

**- a**

Bela, granda, blanka, nigra, bona.

تمام "صفت‌ها" در اسپرانتو به **a** ختم می‌شوند.

\* هر کلمه ای که به **o** ختم شود اسم است و هر کلمه ای که به **a** ختم شود صفت. این قاعده چنان بی‌استثنا است که بجای واژه اسم (substantivo) شما می‌توانید بگویید (o-vorto) یعنی واژه‌ای که به **o** ختم می‌شود و بجای کلمه صفت (adjektivo) می‌توانید بگویید (a-vorto)!

**mal-**

Bela, malbela. Granda, malgranda. بزرگ، کوچک.

با پیشوند "mal" کلمه‌ای ساخته می‌شود که معنی آن ضد معنی اصل کلمه است.

**ĝi**

Tio estas domo. Ĝi estas granda. آن (ضمیر خنثی) بزرگ است.

Tio estas kato. Ĝi sidas. آن گربه است. او نشسته است.

برای اشیا، گیاهان و جانوران در اسپرانتو از ضمیر خنثی (فاقد جنسیت) **ĝi** استفاده می‌کنیم.

### واژه‌نامه:

۱- سیاه، ۲- چگونه/چطور، ۳- کاغذ، ۴- سفید، ۵- بزرگ، ۶- خانه، ۷- کوچک، ۸- زیبا، ۹- زشت، ۱۰- شکلات، ۱۱- خوب، ۱۲- لیوان/گیلاس، ۱۳- در/داخل، ۱۴- آب، ۱۵- کنار/پهلوی، ۱۶- زیر، ۱۷- بالای، ۱۸- لامپ، ۱۹- باغ، ۲۰- درخت، ۲۱- کی/چه کسی/اکدامیک، ۲۲- ما، ۲۳- آنها/ایشان، ۲۴- آن/ او (اشیا).

# 4 KVARA LECIONO

۴ درس چهارم

**Mia**

**Via**

**Lia**

**Ŝia**

**Nia**

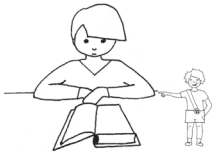
**Ilia**



mia



via



lia



ŝia



nia



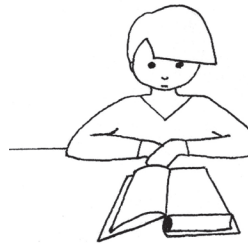
ilia



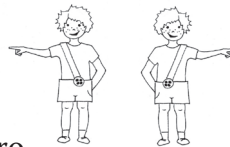
Mi kaj mia<sup>1</sup> libro.  
Tio estas mia libro.



Vi kaj via<sup>2</sup> libro.  
Tio estas via libro.



Li kaj lia<sup>3</sup> libro.  
La libro estas lia.



Ŝia<sup>4</sup> libro.

La libro estas ŝia.



Nia<sup>5</sup> libro.



Via libro.



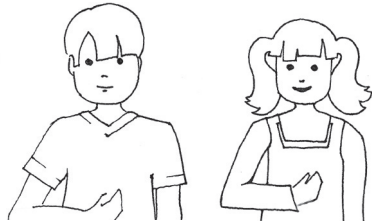
Ilia<sup>6</sup> libro.



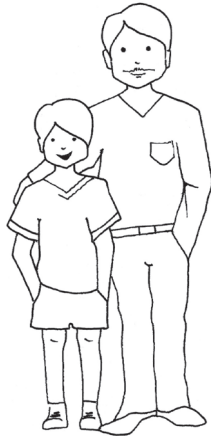
Nia domo estas bela. Apud nia domo estas malgranda ĝardeno. Ĉu tio estas via kraĵono? Ne, ĝi ne estas mia, sed ŝia. Tio estas mia plumo. Lia plumo estas malbona. Ili estas en nia ĝardeno. Ilia domo estas apud via domo. Ĉu nia hundo estas en via ĝardeno?



**-ino**



Peter estas knabo<sup>7</sup>. Maria estas knabino<sup>8</sup>.  
Li estas knabo kaj ŝi estas knabino.



Mi kaj mia patro<sup>9</sup>.  
Tio estas mia patro.

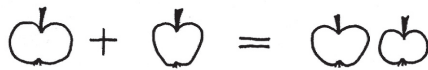


Mia patrino<sup>10</sup>.  
Tio estas mia patrino.



Mia patro ne estas knabo, li estas viro<sup>11</sup>. La patrino estas virino<sup>12</sup>. Ĉu ankaŭ Peter estas virino? Ne, li estas knabo. Maria estas bela kaj bona knabino. Kia estas la patrino? Ŝi estas bona.

**-j**



Unu pomo kaj unu pomo estas du pomoj<sup>13</sup>.



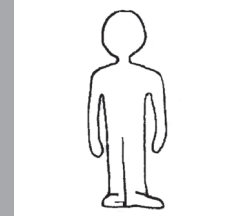
Bela rozo.



Tri belaj rozoj.



Niaj libroj.



knabo



knabino



patro



patrino

granda knabo

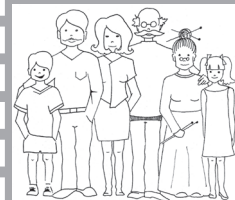
viro

granda knabino

virino



pomoj



familio





avo




avino



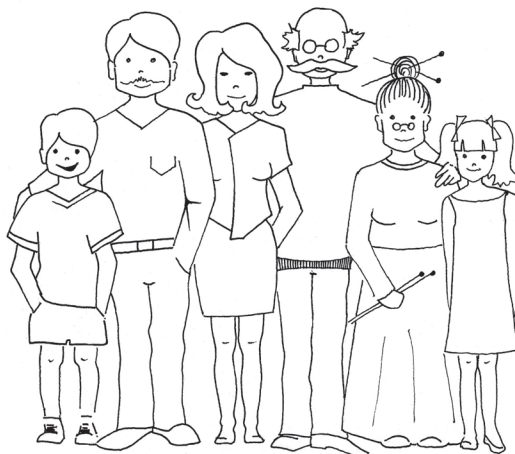
juna



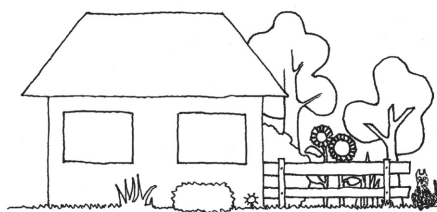
maljuna

 Kato kaj hundo estas bestoj. En nia ĝardeno estas du grandaj arboj. Apud la tablo estas tri seĝoj. Sur la tablo estas bela libro. Ĉu ĝi estas via? – Jes, ĝi estas mia.

## LA FAMILIO



Tio estas mia familio: mi, Maria, la patro, la patrino, la avo<sup>14</sup> kaj la avino<sup>15</sup>. Mi estas knabo kaj Maria estas knabino. La patro kaj la avo estas viroj. La patrino kaj la avino estas virinoj. Mi estas juna<sup>16</sup>. Ankaŭ Maria estas juna. Sed la avo kaj la avino estas maljunaj.

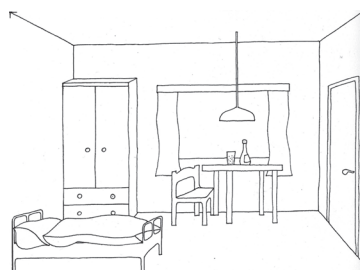


Mia familio loĝas<sup>17</sup> en malgranda, sed bela domo. La domo estas en granda urbo<sup>18</sup>. Apud nia domo estas ĝardeno. En la ĝardeno estas arboj kaj floroj. En la domo

loĝas mi, Maria, la patro, la patrino, la avo kaj la avino.

En la domo estas kvar ĉambroj<sup>19</sup>. En mia ĉambro estas tablo, seĝo, lito<sup>20</sup>, ŝranko<sup>21</sup> kaj lampo. En la ĉambro estas ankaŭ pordo<sup>22</sup> kaj du fenestroj<sup>23</sup>.

Nia hundo ne loĝas en la domo. Ĝi loĝas en la ĝardeno. Nia familio estas granda. Ĉu ankaŭ via familio estas granda?







### Respondu (پاسخ دهید):

Kie loĝas la familio? Kie estas la domo? Kio estas apud la domo? Kio estas en la ĝardeno? Kiu loĝas en la domo? Kio estas en la ĉambro? Ĉu ankaŭ la hundo loĝas en la domo?

از خانواده خود بگویید!



### Memoru (بخطار داشته باشید):

Ĉu tio estas via plumo? آیا آن قلم شماست?  
Ne, ĝi ne estas mia. نه، مال من نیست.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

-a

Mia libro. پدرش.. Lia patro. قلم شما. Via plumo. کتابم. Mia libro.  
Ŝia avino. سگ آن‌ها. Ilia hundo. خانه ما. Nia domo. مادر بزرگش. Ŝia avino.  
Unua, dua, tria... اول، دوم، سوم... Unua, dua, tria...  
با پسوند (-a) نه تنها صفت، بلکه ضمایر ملکی هم ساخته میشود.

-ino

Knabo kaj knabino. پسر و دختر.  
Viro kaj virino. مرد و زن.

با پسوند (-ino) جنسیت مؤنث می‌سازیم.

-j

Arbo – arboj. گل‌های زیبا. Belaj floroj. درختان - درخت. Arbo – arboj.  
Niaj libroj. کتاب‌های ما. Niaj libroj.

با پسوند (-j) کلمات (اسامی و صفت‌ها) را جمع می‌بندیم.

### واژه‌نامه:

۱- مال من، ۲- مال تو/ مال شما، ۳- مال او (مرد)، ۴- مال او (زن)، ۵- مال ما، ۶- مال آن‌ها، ۷- پسر، ۸- دختر، ۹- پدر، ۱۰- مادر، ۱۱- مرد، ۱۲- زن، ۱۳- سیب‌ها، ۱۴- پدر بزرگ، ۱۵- مادر بزرگ، ۱۶- جوان، ۱۷- سکونت دارد/ ساکن است/ اقامت دارد، ۱۸- شهر، ۱۹- اتاق‌ها، ۲۰- تخت‌خواب/ بستر، ۲۱- کمد، ۲۲- در، ۲۳- پنجره‌ها.

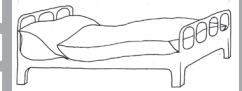
بازی: جملاتی بسازید که در هر جمله بعدی کلمه‌ای از جمله قبلی تکرار شده باشد.



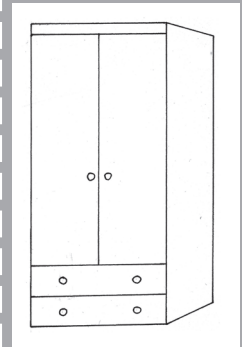
urbo



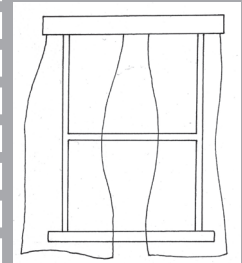
ĉambro



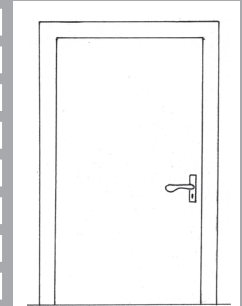
lito



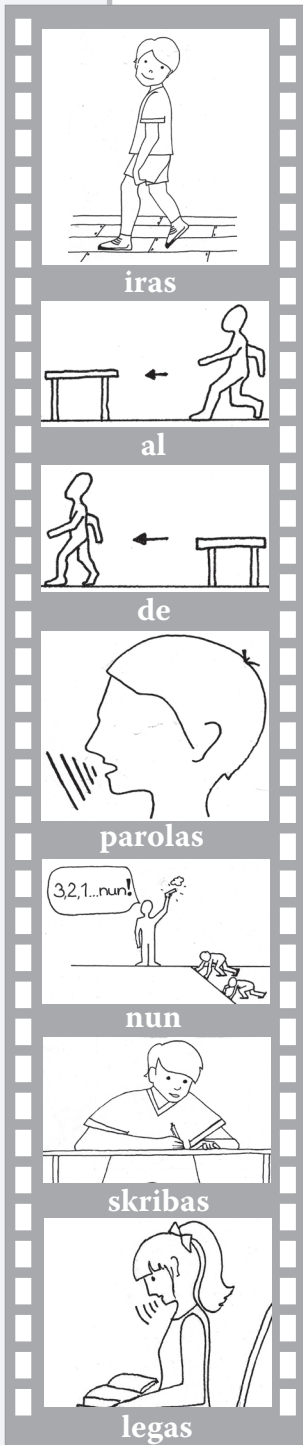
ŝranko



fenestro



pordo



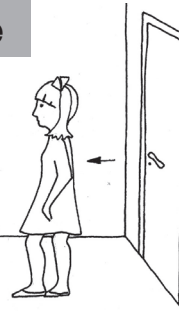
- Ĉu Peter sidas?
- Ne, Peter ne sidas.
- Ĉu li staras?
- Ne, li ne staras.

Peter iras<sup>1</sup>.  
Li iras sur la planko.

**Al**



**De**



Peter iras al<sup>2</sup> la pordo. Maria iras de<sup>3</sup> la pordo.

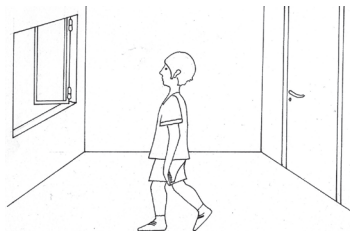
**Nun**



Nun<sup>4</sup> Peter sidas.



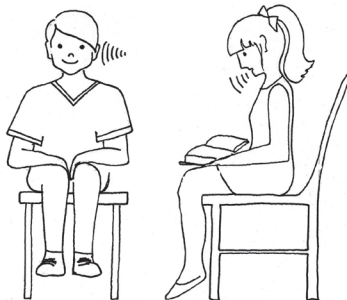
Nun li staras.



Nun Peter iras  
de la pordo al la fenestro.

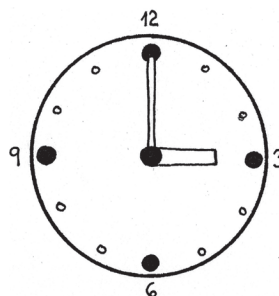


Nun Peter sidas kaj skribas<sup>5</sup>.

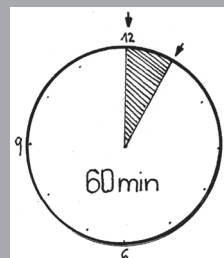


Maria nun legas<sup>6</sup>.

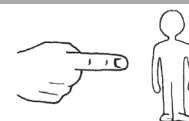
Ŝi parolas<sup>7</sup> kaj Peter aŭskultas<sup>8</sup>. Nun estas la tria horo<sup>9</sup>.



aŭskultas



horo



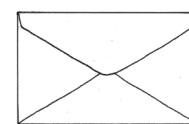
tiu



tie



amikoj



letero



amas

**Kiu?**

**Tiu**

**Kie?**

**Tie**

Kiu estas en la ĉambro? – En la ĉambro estas tiu<sup>10</sup> knabo.

Ĉu tiu viro estas via patro? – Jes, li estas mia patro.

Kiu<sup>11</sup> domo estas via? – Nia domo estas tiu apud via domo.

Kie estas Maria? – Ŝi estas tie<sup>12</sup>, en la ĉambro.

Kiu estas tie? – Tie estas via amiko<sup>13</sup> Jozef.

Kie estas mia plumo? – Ĝi estas tie, sur la tablo.

Ĉu tiu libro estas via? Ne, ĝi ne estas mia, ĝi estas de mia patro. Tiu libro estas bona.

**Havas (legas, skribas, aŭskultas...)**

**-n**



Maria legas.

Maria legas libron<sup>14</sup>.



Peter skribas.

Peter skribas leteron<sup>15</sup>.



Peter havas<sup>16</sup> libron.



„Mi amas<sup>17</sup> vin<sup>18</sup>!“



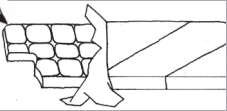
havas



vazo



ruĝa



bruna



Mi amas mian patriron. Ĉu vi havas bonan amikon? Jes, mi havas tri bonajn amikojn. Tiu knabino ne havas amikinojn. Nia avo havas belan hundon. Ĉu vi aŭskultas min? Jes, mi aŭskultas vin! Vi havas belan ĝardenon.

## EN LA ĈAMBRO

Peter sidas sur la seĝo, apud la tablo. Maria iras al li. „Ĉu vi legas libron?“ – „Ne, Maria, mi skribas leteron.“ Peter skribas kaj apud li, sur la planko, estas la hundo. Maria nun iras al la fenestro. Sur la tablo staras glaso kaj vazo<sup>19</sup>. En la glaso estas akvo kaj en la vazo estas floro. Tiu floro estas rozo. Sur la tablo estas ankaŭ ĉokolado kaj plumo. La plumo estas nigra, la rozo estas ruĝa<sup>20</sup> kaj la ĉokolado estas bruna<sup>21</sup>. Maria parolas, sed Peter ne aŭskultas ŝin. Li skribas leteron al amiko.



**Kompletigu** (جای خالی را با n- پر کنید):

Mi legas bela libro. Mia avo havas bela ĝardeno.  
Ĉu vi amas mi? Mi ne aŭskultas vi. Li skribas letero.  
Ŝi iras al la ĝardeno. Mi amas mia patrino. Li havas tri belaj libroj. Ŝia avo havas du blankaj ĉevaloj. Kio vi legas? Mi ne havas amikino. Ĉu vi amas tiu homo? Peter skribas letero al la patro.



**Memoru** (بخطار داشته باشید):

Kiu estas tiu homo? – او کیست؟  
Kiu domo estas via? – کدام خانه مال شماست؟  
Mi amas mian patriron. – من مادرم را دوست دارم.  
Min amas mia patrino. – مرا مادرم دوست دارد.



**Respondu** (پاسخ دهید):

Kie sidas Peter? Ĉu li legas libron? Kio estas apud li sur la planko?  
Kio estas sur la tablo? Al kiu Peter skribas leteron? Kia estas la plumo?  
Kia estas la rozo? Kia estas la ĉokolado? Ĉu vi havas hundon?  
Ĉu vi havas amikojn? Ĉu vi legas librojn? Ĉu vi amas vian patriron?





### Skribu frazojn (جمله بسازید):

Ekzemplo (مثال): Mia amiko **legas** belan libron.

Tiu amiko iras *al* nia domo.

Tiu	arbo	iras		via		domo
Juna	floro	estas	<i>al</i>	mia		lito
Bona	libro	loĝas	<i>de</i>	nigra		muziko
Bruna	knabo	<b>legas</b>	<i>sur</i>	granda		ĉambro
Malbona	amiko	<b>skribas</b>	<i>super</i>	malgranda	-n	ĝardeno
Granda	ĉevalo	<b>aŭskultas</b>	<i>apud</i>	malbela		fenestro
Blanka	hundo	<b>havas</b>	<i>sub</i>	bruna		ŝranko
Ruĝa	avino	staras	<i>en</i>	bela		planko
Bela	patro	sidas		nia		letero
Mia	viro	<b>amas</b>		tiu		vazo

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**al**

Mi iras al la domo. من به (طرف) خانه می‌روم.

Mi skribas al mia patro. من به پدرم (نامه / ایمیل...) می‌نویسم.

**Al** حرف اضافه‌ای است به معنی به، به سوی، به طرف که مفعول با واسطه یا غیرمستقیم را با آن نشان می‌دهیم.

**de**

Mi iras de la pordo. من از (سمت) در می‌روم.

La libro estas de via patro. کتاب از (آن) پدر شماست.

**De** حرف اضافه‌ای است که حالت یا وجه اضافی (مضاف و مضاف الیه) و نیز مبدا حرکت را با آن نشان می‌دهیم. مثل "از" فارسی.

**-n**

Mi sidas. Mi sidas sur seĝo. Mi legas. Mi legas libron.

من نشسته‌ام. من روی صندلی نشسته‌ام. من می‌خوانم. من کتاب (را) می‌خوانم.

قسمت‌های مهم جمله، در اسپرانتو هم، نهاد (کی - چی) و گزاره (چکار می‌کند؟) است. قسمت دیگر جمله مفعول است. مفعول یا بواسطه حرف اضافه مشخص می‌شود (روی صندلی) یا علامت مفعول صریح (در اسپرانتو -n در فارسی را) را می‌گیرد. (کتاب را). در اسپرانتو دو وجه/حالت داریم: وجه فاعلی/نهادی/مسندالیهی و وجه مفعولی. برای نشان دادن سایر حالت‌ها در اسپرانتو از حروف اضافه استفاده می‌کنیم.

### واژه‌نامه:

- ۱- می‌روم/می‌روی/می‌رود/می‌رویم/می‌روید/می‌روند. ۲- به، ۳- از، ۴- اکنون، ۵- می‌نویسم/می‌نویسی/...، ۶- می‌خوانم/می‌خوانی/...، ۷- حرف می‌زنم/حرف می‌زنی/...، ۸- گوش می‌دهم/...، ۹- ساعت، ۱۰- آن کس/آن یک، ۱۱- چه کسی/کسی که، ۱۲- آنجا، ۱۳- دوست، ۱۴- کتاب را، ۱۵- نامه را، ۱۶- دارد/دارم/...، ۱۷- دوست دارم/عشق می‌ورزم، ۱۸- تو را، ۱۹- گلدان، ۲۰- قرمز/سرخ، ۲۱- قهوه‌ای.

بازی: شاگردی جمله‌ای می‌گوید. دیگری تکرار می‌کند اما به اضافه‌ی یک کلمه جدید.

- 1 unu 2 du 3 tri 4 kvar 5 kvin 6 ses 7 sep 8 ok 9 naŭ 10 dek



kun



sen



haroj



per



buŝo



orelo

## Kiom?

$$1 + 1 = 2$$

Unu kaj unu estas du.

Kiom estas tri kaj kvar?

Kiom estas du kaj ses?

Kiom estas ses kaj tri?

$$? = 1 + 1 ?$$

**Kiom**<sup>1</sup> estas unu kaj unu? – Du.

Tri kaj kvar estas sep.

Du kaj ses estas ok.

Ses kaj tri estas naŭ.

## Kun

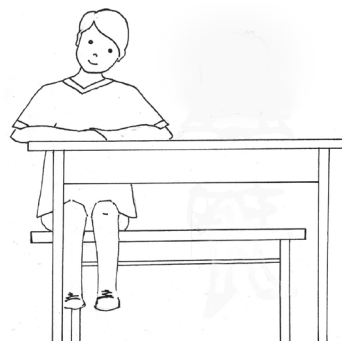


Peter sidas apud la tablo.

Maria sidas apud li.

Peter sidas **kun**<sup>2</sup> Maria.

## Sen



Peter sidas apud la tablo,

sed Maria ne sidas apud li.

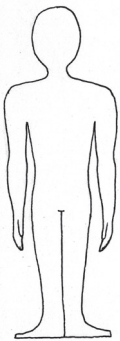
Peter sidas **sen**<sup>3</sup> Maria.



La patro iras kun la hundo al la ĝardeno. Nun mi ne havas amikojn, mi estas sen amikoj. Tiu ĉambro ne havas fenestrojn: ĝi estas sen fenestroj. Mia avo estas sen haroj<sup>4</sup>. Li estas senhara.

## Per

Mi skribas. Mi skribas per<sup>5</sup> plumo. Mi parolas per la buŝo<sup>6</sup> kaj aŭskultas per la oreloj<sup>7</sup>. Maria skribas per ruĝa krajono.



## LA HOMA KORPO<sup>8</sup>

Sur la homa korpo estas kapo<sup>9</sup>, du manoj<sup>10</sup>



kaj du piedoj<sup>11</sup>. Sur la kapo estas du oreloj, du okuloj<sup>12</sup>, nazo<sup>13</sup>, buŝo kaj haroj.



Sur la mano estas kvin fingroj<sup>14</sup>.



Per la oreloj ni aŭskultas, per la okuloj ni rigardas<sup>15</sup> kaj per la buŝo ni parolas. Kion ni faras<sup>16</sup> per la manoj? Per la manoj ni laboras<sup>17</sup>. Kion ni faras per la piedoj? Per la piedoj ni iras. La kapo estas sur la kolo<sup>18</sup>. Sur la kapo estas haroj. Nia avo ne havas harojn. Ĉu ankaŭ via avo estas senhara?



### Memoru (بخاطر داشته باشید):

Ni parolas per la buŝo kaj aŭskultas per la oreloj.  
با (توسط، به وسیله‌ی) دهان سخن می‌گوییم و با گوش‌ها می‌شنویم.



### Kompletigu (تکمیل کنید):

Mi skribas ..... la mano. Mi loĝas ..... mia patrino.  
Mi sidas ..... vi. Ni aŭskultas ..... la oreloj. La floro estas ..... la vazo. La seĝo estas ..... la tablo.  
La lampo estas ..... la tablo. Mi iras ..... la pordo.  
La kapo estas ..... la kolo. Mi parolas ..... la buŝo.  
La kato estas ..... la tablo. La avo estas ..... haroj.



### Respondu (پاسخ دهید):

Kio estas sur la homa korpo? Kio estas sur la kapo?  
Kion ni faras per la manoj? Kion ni faras per la buŝo?  
(oreloj? okuloj? piedoj?) Kie estas la kapo? Kio estas sur la mano? Per kio ni skribas? Ĉu ni laboras per la piedoj? Ĉu ankaŭ bestoj havas piedojn? Ĉu ankaŭ ĉevalo havas buŝon?



homa korpo



kapo



mano



piedo



okulo

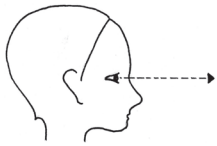


nazo

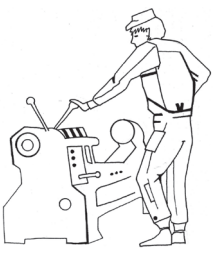


fingro

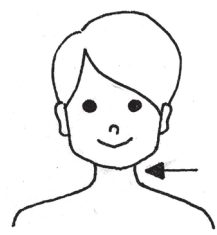




rigardas



laboras



kolo

**kun**

Mi iras kun la patro. من با (همراه با) پدر می‌روم.  
**Kun** – این حرف اضافه معادل "همراه با" و "با" در فارسی است

**per**

Mi skribas per plumo. با قلم می‌نویسم. Per kio? Per plumo. با قلم.  
**Per** – این حرف اضافه معادل "با" فارسی معنی بوسیله است (حالت ابزاری).

**sen**

La ĉambro estas sen fenestro. اتاق بی/بدون پنجره است.

**Sen** – بی/ بدون حرف اضافه‌ای برای حالت اضافی (بی).

**-as**

Estas, havas, sidas, staras...

آیا توجه کردید که همه فعل‌های مضارع / زمان حال به (-as) ختم می‌شوند؟

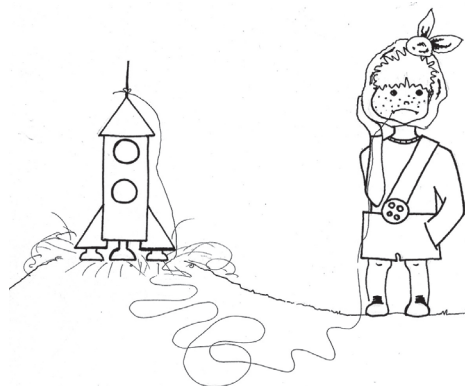
**واژه‌نامه:**

- ۱- چقدر، ۲- با، ۳- بی/بدون، ۴- موها، ۵- حرف اضافه ابزاری (بوسیله قلم)، ۶- دهان، ۷- گوش‌ها، ۸- بدن انسان، ۹- سر، ۱۰- دست‌ها، ۱۱- پاها، ۱۲- چشم‌ها، ۱۳- بینی/دماغ، ۱۴- انگشتان، ۱۵- ما نگاه می‌کنیم، ۱۶- ما انجام می‌دهیم، ۱۷- ما کار می‌کنیم ۱۸- گردن.



**ANEKDOTO**

Dek, naŭ, ok,  
 sep, ses, kvin,  
 kvar, tri, du,  
 unu...





-as

-is

-os



Kion li faras?  
Li trinkas<sup>1</sup>.



Kion faras Maria?  
Ŝi manĝas<sup>2</sup> ĉokoladon.




Li trinkos<sup>3</sup>.

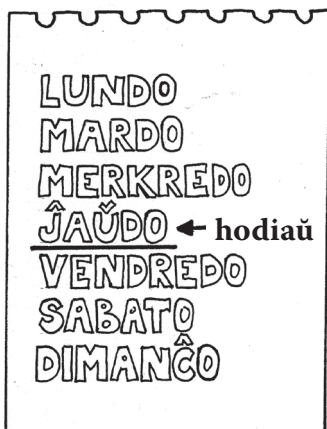


Li trinkas.



Li trinkis<sup>4</sup>.

 Nia avo estas maljuna. Li estis juna, sed nun li estas maljuna. Peter estas juna, sed ankaŭ li estos maljuna.



Unu semajno<sup>5</sup> havas sep tagojn<sup>6</sup>. La tagoj de la semajno estas: lundo<sup>7</sup>, mardo<sup>8</sup>, merkredo<sup>9</sup>, ĵaŭdo<sup>10</sup>, vendredo<sup>11</sup>, sabato<sup>12</sup> kaj dimanĉo<sup>13</sup>.

Kiu tago estas hodiaŭ<sup>14</sup> (nun)? – Hodiaŭ estas ĵaŭdo. Hieraŭ<sup>15</sup> estis merkredo kaj morgaŭ<sup>16</sup> estos vendredo.



trinkas



manĝas



trinkos



trinkis

**LUNDO**

tago

LUNDO  
MARDO  
MERKREDO  
JAŬDO  
VENDREDO  
SABATO  
DIMANĈO

semajno

(en) la  
nuna tago

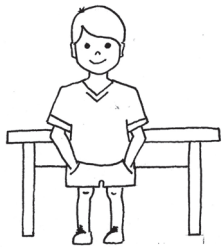
hodiaŭ

(en) la tago  
post hodiaŭ

morgaŭ

(en) la tago  
antaŭ  
hodiaŭ

hieraaŭ



antaŭ



malantaŭ

malantaŭ

post

post tio

poste

00:01

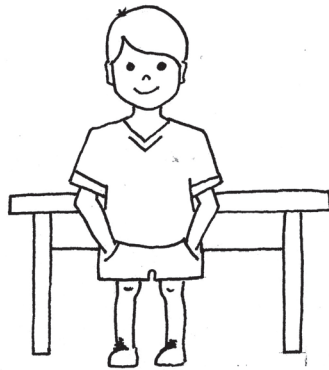
minuto

01:00

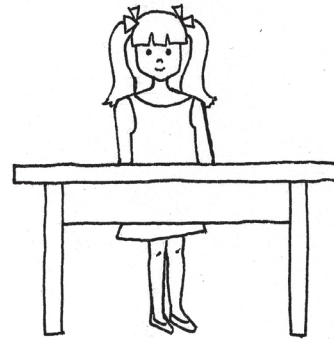
horo

**Antaaŭ**

**Post**



Kie staras Peter?  
Ĉu li staras sur (apud, sub,  
super) la tablo? Ne, li staras  
antaŭ<sup>17</sup> la tablo.



Ĉu ankaŭ Maria staras  
antaŭ la tablo?  
Ne, ŝi staras  
malantaŭ<sup>18</sup> la tablo.



**Malantaŭ = post.**

Maria staras malantaŭ Peter.  
Maria staras post<sup>19</sup> Peter.

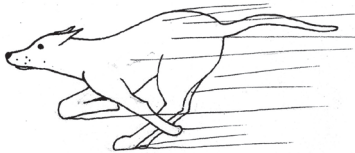
Peter staras antaaŭ Maria,  
kaj Maria staras post Peter.



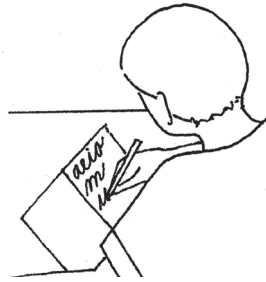
Antaaŭ kvin minutoj<sup>20</sup> mi sidis, sed nun mi staras.  
Post unu horo<sup>21</sup> mi iros al nia ĝardeno. Hodiaŭ  
estas jaŭdo, hieraaŭ estis merkredo kaj morgaŭ  
estos vendredo. Antaaŭhieraaŭ<sup>22</sup> estis mardo kaj  
postmorgaŭ<sup>23</sup> estos sabato. Poste<sup>24</sup> estos dimanĉo.  
Kio estis antaaŭ mardo? Antaaŭ mardo estis lundo.  
Lundo estas la unua tago en la semajno.

**Kiel?**

**- e**



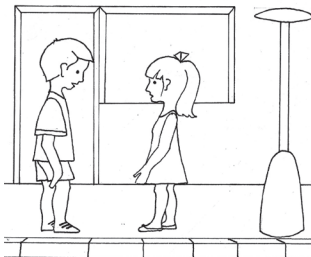
La hundo kuras<sup>25</sup> rapide<sup>26</sup>.  
Kiel<sup>27</sup> ĝi kuras? – Rapide.



Peter skribas.  
Li skribas bele<sup>28</sup>.  
Kiel li skribas? – Bele.

**Ĉar**

Mi ne skribas, ĉar<sup>29</sup> mi ne havas plumon.  
La avino iras malrapide, ĉar ŝi estas maljuna.  
Hodiaŭ mia patro ne laboras, ĉar estas dimanĉo.



– Saluton<sup>30</sup> Maria! Kiel vi fartas?<sup>31</sup>  
– Saluton! Dankon<sup>32</sup>, mi fartas bone.  
– Ĉu ankaŭ vi fartas bone?  
– Jes, ankaŭ mi fartas bone.  
– Kaj kiel fartas via patrino?  
– Ankaŭ ŝi fartas bone.

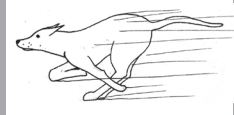
**Konversacio**



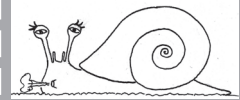
– Saluton Peter!  
– Kie vi estis hieraŭ?  
– Kun kiu vi estis?  
– Ĉu ankaŭ via hundo estis kun vi?  
– Kion vi faris en la urbo?  
– Ĉu vi iris rapide?  
– Kion vi faris poste?  
– Ĉu ankaŭ via patrino estis kun vi?



– Saluton Maria!  
– Hieraŭ mi estis en la urbo.  
– Mi estis kun la patro.  
– Jes, ĝi kuris antaŭ ni.  
– Ni promenis<sup>33</sup> kaj parolis.  
– Ne, ni iris malrapide.  
– Poste ni estis en restoracio<sup>34</sup>.  
Ni tie trinkis limonadon.  
– Ne, ni estis sen la patrino.  
Ŝi laboris en la ĝardeno.



rapide



malrapide



kuras



saluton



dankon



fartas bone



fartas malbone



## Memoru

La avino iras malrapide, ĉar ŝi estas maljuna.

مادر بزرگ آهسته راه می رود چون پیر است.

Antaŭhieraŭ estis mardo kaj postmorgaŭ estos sabato.

پریروز سه شنبه بود و پس فردا شنبه خواهد بود.



## Respondu

Kie estis Peter hodiaŭ? Kun kiu li estis? Kion ili faris? Kie estis la patrino? Kio estas hodiaŭ? Kio estos morgaŭ? Kio estis antaŭhieraŭ? Kio estos postmorgaŭ? Kiel skribas Peter? Ĉu la avo estas juna? Ĉu li estis juna? Ĉu vi estos maljuna? Kiel kuras hundo? Kiel vi fartas? Apud kiu vi sidas? Post kiu vi sidas? Kio estas sur la homa korpo?



## Kompletigu

Hieraŭ est... lundo, hodiaŭ est... mardo kaj morgaŭ est... merkredo. Kion vi far... hieraŭ? Kie vi est... antaŭ kvin minutoj? Antaŭ kvin minutoj mi sid..., sed nun mi star.... . Post unu horo mi ir... kun mia amiko al la urbo. Morgaŭ mi skrib... leteron al mia bona amiko.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

-as

-is

-os

Hieraŭ estis lundo, hodiaŭ estas mardo kaj morgaŭ estos merkredo.

دیروز دوشنبه بود، امروز سه شنبه است و فردا چهارشنبه خواهد بود.

افعال مضارع/حال به -as ختم می شوند، ماضی/گذشته به -is، و مستقبل/آینده به -os.

-e

Bone, bele, rapide, malrapide, poste.

به خوبی، به زیبایی، به سرعت، به کندی، بعداً.

قیدها را با اضافه کردن پایانه -e به ریشه ی کلمه می سازیم.

### واژه نامه:

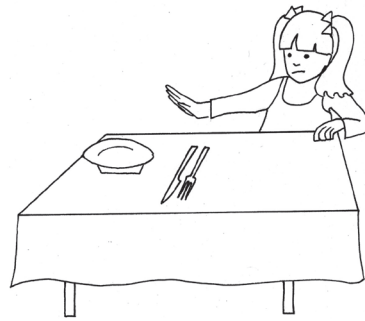
۱- می نوشد (توجه کنید: در اسپرانتو همه حالات صرفی می نوشم، می نوشی،... یکسان است و فقط با ضمیر تعیین می شود). ۲- می خورد، می خورم،... ۳- خواهد نوشید، خواهم نوشید،... ۴- نوشید(م-ی...), ۵- هفته، ۶- روز، ۷- دوشنبه، ۸- سه شنبه، ۹- چهارشنبه، ۱۰- پنجشنبه، ۱۱- جمعه، ۱۲- شنبه، ۱۳- یکشنبه، ۱۴- امروز، ۱۵- دیروز، ۱۶- فردا، ۱۷- جلو، ۱۸- پشت، ۱۹- بعد، ۲۰- دقیقه، ۲۱- ساعت، ۲۲- پریروز، ۲۳- پس فردا، ۲۴- بعداً، ۲۵- می دود، ۲۶- به سرعت، ۲۷- چطوری/بطوری که، ۲۸- به زیبایی، ۲۹- زیرا/چون، ۳۰- سلام (بر شما)، ۳۱- چگونه می گذرانید/حالتون چطوره؟ ۳۲- تشکر/امنون/مرسی (از شما)، ۳۳- ما گردش کردیم/قدم زدیم، ۳۴- رستوران.



-i



La knabo volas<sup>1</sup> akvon.  
Li volas trinki<sup>2</sup> akvon.



Ŝi ne volas manĝi,  
ĉar ŝi estas sata<sup>3</sup>.



Ĉu vi volas iri kun mi? Mi volas, sed mi ne povas<sup>4</sup>.  
Sen plumo mi ne povas skribi. Mi volas legi, sed mi  
ne povas, ĉar mi ne havas libron. Mi volas manĝi  
kaj trinki. Kion vi volas?



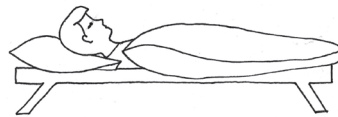
Hundo ne ŝatas<sup>5</sup> katon.  
(Hundo ne amas katon.)



Maria ŝatas ĉokoladon.  
Ŝi ŝatas manĝi ĉokoladon.



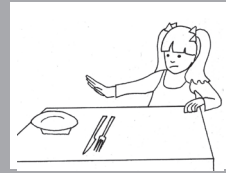
La infanoj<sup>6</sup> ludas<sup>7</sup>.  
La infanoj ŝatas ludi.



Peter dormas<sup>8</sup> en la lito.  
Li ŝatas dormi.



volas trinki



sata



ne povas iri



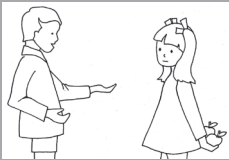
ŝatas



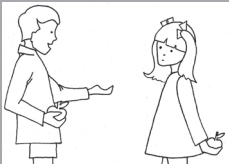
ne ŝatas



dormas



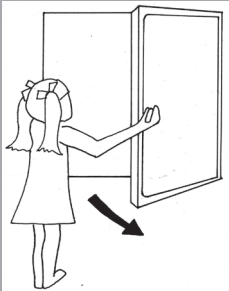
donu!



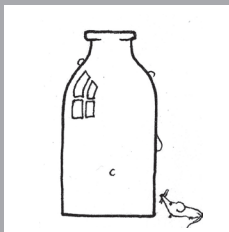
ankoraŭ



fermas



malfermas



botelo



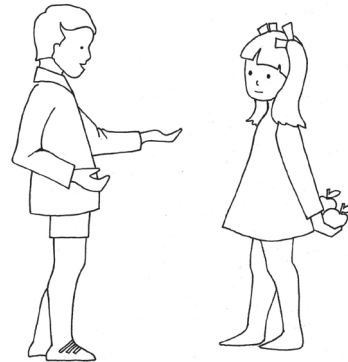
botelo da lakto



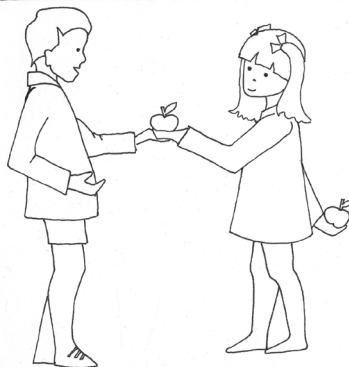
Ĉu Maria povas rigardi?

– Ne, ŝi ne povas rigardi,  
ĉar Peter havas la manojn  
antaŭ ŝiaj okuloj.

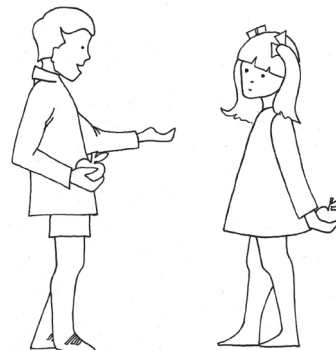
-u!



Maria, donu<sup>9</sup> al mi  
unu pomon!



Maria, donas al  
li unu pomon.



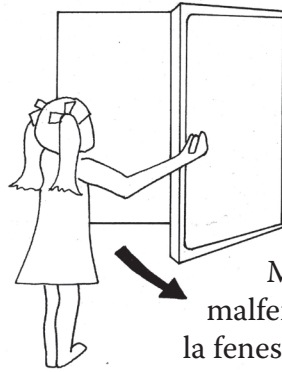
Donu al mi ankoraŭ<sup>10</sup>  
unu pomon!



La patrino diris<sup>11</sup>: „Skribu bele!“ Diru al mi, kiom  
estas unu kaj unu! Iru rapide! Kion vi diris? Estu bona!



Peter fermas<sup>12</sup> la libron.

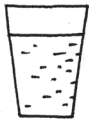


Maria malfermas la fenestron.



Malfermu la libron kaj legu! Fermu la pordon kaj malfermu la fenestron! Skribu malrapide! Fartu bone! Aŭskultu min!

**Da**



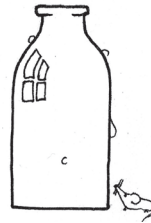
Glaso da<sup>13</sup> akvo.



Glaso de akvo.



Botelo<sup>14</sup> da lakto<sup>15</sup>.



Botelo de lakto.

**Kiom da pomoj?**



Unu pomo.



Du pomoj.



Tri pomoj...



Multaj<sup>16</sup> pomoj.  
(Multe da pomoj.)

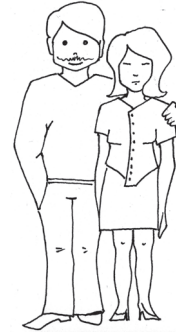


Multaj homoj.  
(Multe da homoj.)

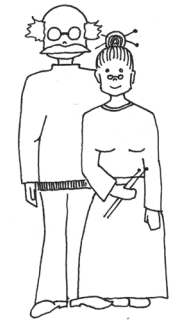
En nia urbo estas multe da homoj.



multaj  
(multe da)



gepatroj



geavoj



gefratoj

365 tagoj

jaro



Bele diri:  
„donu!“

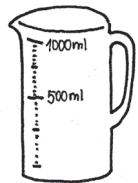
peti

paĝo 41



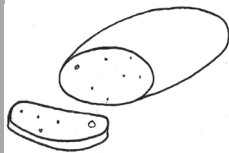


kilogramo



1L

litro



pano



biero



demando



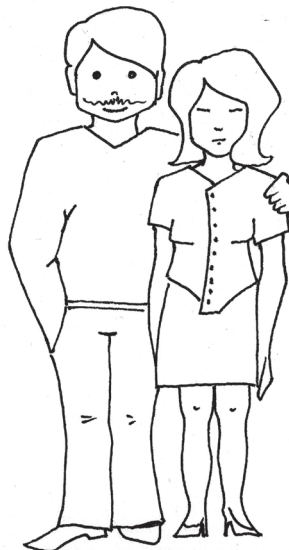
respondo



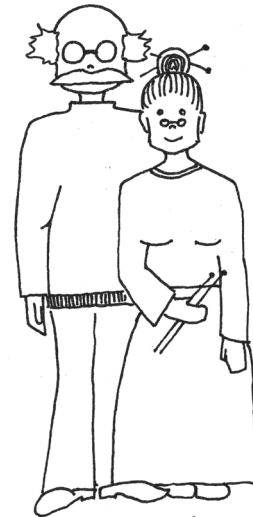
Kiom da pomoj vi havas? Mi havas tri pomojn.  
Kiom da fenestroj estas en via ĉambro? En mia ĉambro estas kvar fenestroj. Kiom da ĉambroj estas en via domo? En mia domo estas kvin ĉambroj.  
Kiom da piedoj havas hundo? Ĝi havas kvar piedojn.

**Ge-**

**LI + ŜI = GE- ... -OJ**



Patro kaj patrino estas **gepatroj**<sup>17</sup>.



Avo kaj avino estas **geavoj**.



Mi havas bonajn gepatrojn. Avo kaj avino estas geavoj. Amiko kaj amikino estas geamikoj. Ĉu vi havas multajn geamikojn? Jes, mi havas naŭ geamikojn: kvin amikojn kaj kvar amikinojn. Miaj gepatroj havas nun multe da laboro. Peter kaj Maria havas unu patron kaj unu patrino. Peter kaj Maria estas frato<sup>18</sup> kaj fratino: ili estas gefratoj. Kiom da gefratoj vi havas? Mi petas<sup>19</sup>, donu al mi kilogramon<sup>20</sup> da pano<sup>21</sup> kaj du litrojn<sup>22</sup> da lakto. Kiom da jaroj<sup>23</sup> havas viaj gefratoj?



**Kial?****Ĉar**

Maria ne volas manĝi,  
ĉar ŝi estas sata.

**Kial**<sup>24</sup> ŝi ne volas manĝi?

**Ĉar** ŝi estas sata.



Kial vi ne skribas? Mi ne skribas, ĉar mi ne havas plumon.

Kial vi ŝatas ĉokoladon? Ĉar ĝi estas bona.

Kial vi ne ŝatas bieron<sup>25</sup>? Ĉar ĝi ne estas bona.

## MALGRANDA KNABO

Filip estas malgranda knabo. Li havas multajn geamikojn.

Li ŝatas ludi kun Oto, kiu estas lia bona amiko. „Filip, ĉu

vi volas ludi?“ – demandas<sup>26</sup> la patrino. „Jes, mi volas ludi

kun Oto,“ – respondas<sup>27</sup> Filip. – „Ne ludu kun Oto, li estas

malbona knabo,“ – diras la patrino. – „Ĉu mi estas bona

knabo?“ – demandas Filip. – „Jes, vi estas bona knabo,“

– respondas la patrino. – „Bone, mi ne ludos kun Oto, sed Oto ludos kun

mi. Mi estas bona knabo kaj kun bona knabo li povas ludi.“



## Memoru

La infanoj ŝatas ludi. کودکان دوست دارند بازی کنند.

Multe da pomoj. تعداد بسیاری سیب.

Mi havas bonajn gepatrojn. من والدین خوبی دارم.



## Respondu

Kia knabo estas Filip? Kun kiu li ŝatas ludi? Kial Filip ne povis ludi kun Oto? Kion diris Filip al la patrino?



## Legu

Ĉu vi volas trinki limonadon? Ne, mi ne volas trin-

ki limonadon, mi volas trinki lakton. Ĉu vi volas

manĝi? Ne, ĉar mi estas sata. Mi ne havas gefratojn.

En la urbo estas multe da homoj. Donu al mi ĝlason

da akvo! Malbonaj infanoj ne havas geamikojn. Mi

ŝatas promeni en la ĝardeno. Hieraŭ mi ne povis iri kun vi, sed hodiaŭ

mi povas. Ne manĝu multe! Nun mi ne povas diri tion al vi. Kiu volas

ludi kun mi? Mi petas, fermu la fenestron! Malfermu la okulojn kaj bone

rigardu! Aŭskultu min! Fartu bone!



**-i**

Esti, sidi, stari, trinki. بودن، نشستن، ایستادن، نوشیدن

مصدر، یا فعل بدون زمان، در اسپرانتو به *i* ختم می‌شود.

Mi ŝatas dormi. دوست دارم بخوابم (دوست دارم خوابیدن را)

Infanoj ŝatas ludi. بچه‌ها دوست دارند بازی کنند.

ترکیب دوست دارد+ مصدر بمعنی دوست داشتن انجام آن کار است.

**-u**

Estu, sidu, staru, trinku. باش، بنشین، بایست (بلند شو)، بنوش

فعل امر به پایانه *u* ختم می‌شود.**da**Glaso **da** akvo. لیوانی از آب      Botelo **da** lakto. بطری‌ای از شیرKiom **da** pomoj? چه تعداد از سیب؟      Kilogramo **da** pano. کیلوگرمی از نانبعد از بیان مقدار/تعداد از *da* استفاده می‌کنیم. بعد از رقم و عدد لازم نیست.به تفاوت بین *da* و *de* توجه کنید: شیشه پر از) شیر، شیشه‌ی (متعلق به، مختص) شیر:botelo **da** lakto = شیشه پر از) شیرbotelo **de** lakto = شیشه‌ی شیرglaso **da** vino = جامی از شرابglaso **de** vino = جام شراب**ge-**

Gepatroj, geavoj, geamikoj, gefratoj.

والدین، جد (پدربزرگ و مادربزرگ)، دوستان (مذکر و مؤنث)، خواهران و برادران.

*Ge* پیشوندی است که بر هر دو جنس دلالت دارد.**واژه‌نامه:**

۱- خواستن، ۲- نوشیدن، ۳- سیر، ۴- توانستن، ۵- دوست داشتن، ۶- بچه‌ها/کودکان، ۷- بازی کردن، ۸- خوابیدن،  
 ۹- بده (فعل امر دادن)، ۱۰- هنوز، ۱۱- گفتن، ۱۲- بستن، ۱۳- حرف مقدار (یک لیوان آب)، ۱۴- بطری، ۱۵- شیر،  
 ۱۶- بسیار، ۱۷- والدین، ۱۸- برادر، ۱۹- خواستن/خواهش کردن، ۲۰- کیلوگرم، ۲۱- نان، ۲۲- لیتر، ۲۳- سال، ۲۴- چرا/  
 علت، ۲۵- آجیو، ۲۶- می‌پرسد، ۲۷- پاسخ می‌دهد/جواب می‌دهد.

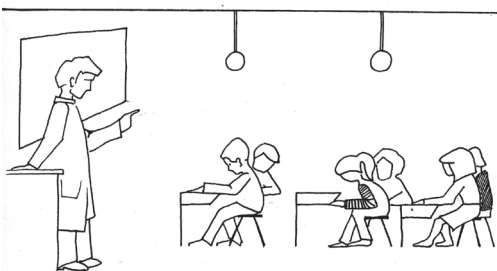
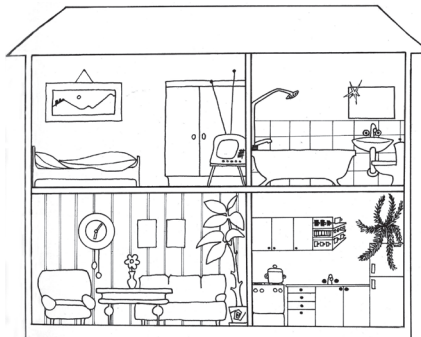
**بازی:**

یک شاگرد کلمه‌ای اسپرانتو بگوید. شاگرد دیگر با این کلمه یک جمله بسازد و یک کلمه نو هم اضافه کند. شاگرد بعدی به همین ترتیب ادامه بدهد...



## -ejo

Nia familio loĝas en kvar-ĉambra loĝejo<sup>1</sup>. En la loĝejo loĝas unu familio. Kiom da ĉambroj estas en via loĝejo?



La infanoj aŭskultas, legas kaj skribas. Ili lernas<sup>2</sup>. La infanoj lernas en la klaso<sup>3</sup>.



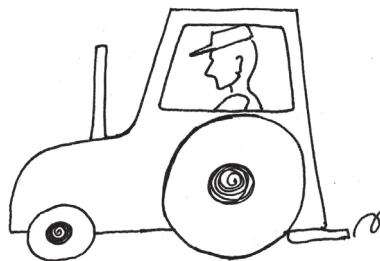
Lernejo estas domo, kie lernas infanoj. En nia lernejo estas multaj klasoj kaj granda manĝejo.

## -isto

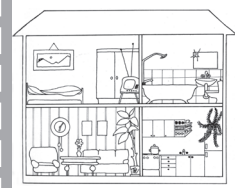
## -anto



Mia patro laboras en fabriko<sup>4</sup>. Li estas laboristo<sup>5</sup>.



Ankaŭ tiu viro estas laboristo. Li estas traktoristo.



loĝejo



klaso



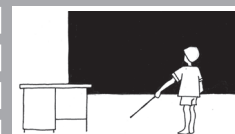
fabriko



laboristo



traktoristo



lernanto



instruisto



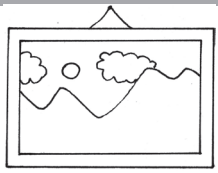
ĉe



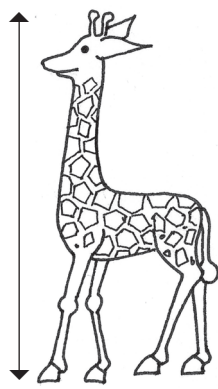
inter



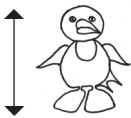
el



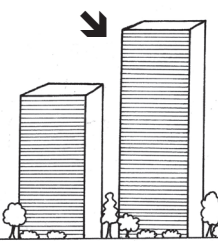
bildo



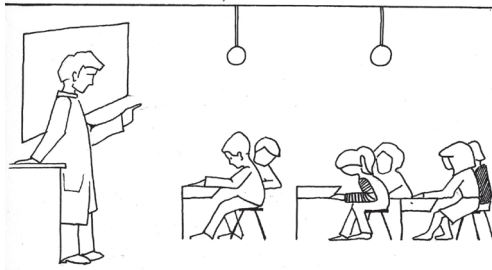
alta



malalta



pli alta



Ĉu ankaŭ Peter estas laboristo?

Ne, li ne laboras, sed – lernas. Li estas lernanto<sup>6</sup>.

En la klaso sidas multaj lernantoj. Antaŭ ili staras instruisto. La instruisto instruas<sup>7</sup> kaj la lernantoj lernas.



La instruisto diris al la lernanto: „Iru al la tabulo!“

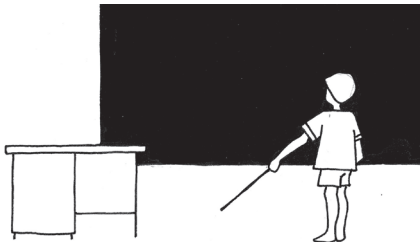
Nia avo estas ĝardenisto. Ĉu vi estas esperantisto?

Jes, mi estas esperantisto, ĉar mi lernas Esperanton.

**Kie?**

**Ĉe**

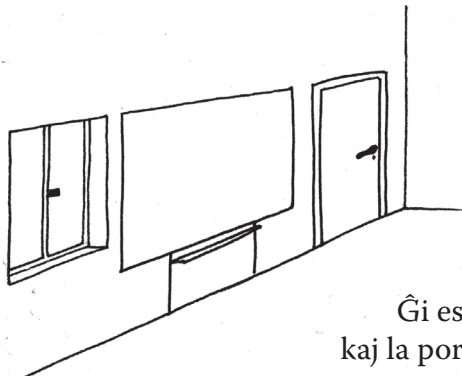
**Inter**



Kie staras la lernanto?  
Li staras ĉe<sup>8</sup> la tabulo.



Maria sidas ĉe la tablo  
kaj legas libron.



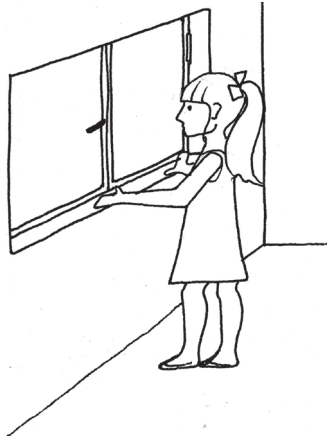
Kie estas la tabulo?  
Ĝi estas inter<sup>9</sup> la fenestro  
kaj la pordo. Ĝi estas inter ili.





Hieraŭ mi estis ĉe mia amiko. Miaj geavoj loĝas ĉe ni. Inter lundo kaj merkredo estas mardo. Inter ses kaj ok estas sep.

**El** (de kie?)



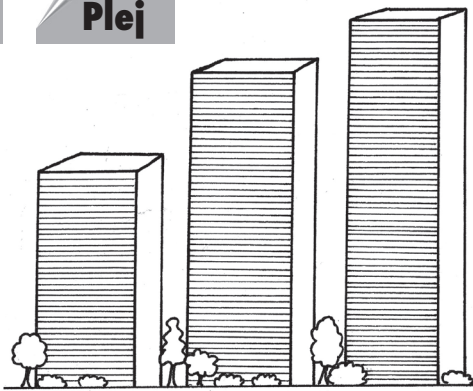
Li trinkas el<sup>10</sup> la glaso. Ŝi rigardas el la fenestro.



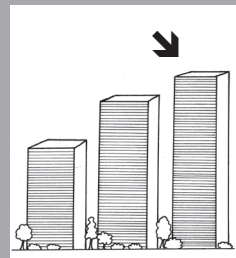
El kiu urbo vi estas? La infanoj iras el la lernejo. Tiu pomo estas el nia ĝardeno. Unu el miaj gefratoj ankoraŭ dormas. Mi estas el Slovakio. Ni eliris el la ĝardeno. Ĉu vi eltrinkis la lakton el la botelo?

**Pli**

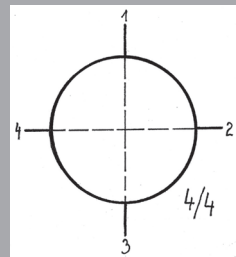
**Plej**



Sur la bildo<sup>11</sup> estas tri domoj. La unua estas alta<sup>12</sup>, sed la dua estas pli alta<sup>13</sup>. La tria domo estas la plej alta<sup>14</sup>. La dua domo estas pli alta ol<sup>15</sup> la unua domo. La tria domo estas pli alta ol la dua domo. Ĝi estas la plej alta domo.



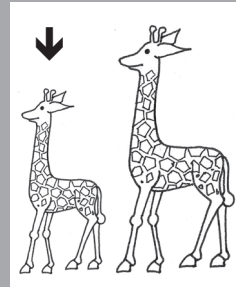
la plej alta



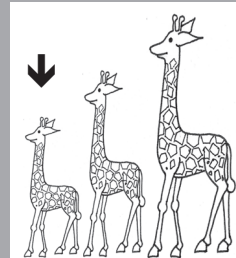
tuta



eraro



malpli alta



la malplej alta





**unu homo  
el familio,  
kolektivo...**

ano

**pli maljuna**

pli aĝa

**infano  
(knabo) de...**

filo

**infano  
(knabino) de...**

filino



Peter estas **pli alta**  
ol Maria.

Maria estas **pli juna**  
ol Peter.



Vi estas mia plej bona amiko. Mi iras pli rapide ol vi. Filip estas la plej bona lernanto el<sup>16</sup> la **tuta**<sup>17</sup> klaso. Li lernas plej bone. Mi havas pli belan libron ol vi. Rozo estas la plej bela floro. Tokio estas la plej granda urbo. Pli bone estas ne fari ol **erari**<sup>18</sup>.

**Malpli**

**Malplej**

Peter estas pli granda ol Maria. Maria estas malpli granda<sup>19</sup> ol Peter. Ĉevalo kuras pli rapide ol kato. Kato kuras malpli rapide ol ĉevalo. Bratislava estas malpli granda urbo ol Tokio. Maria estas la malplej alta<sup>20</sup> el la tuta familio.

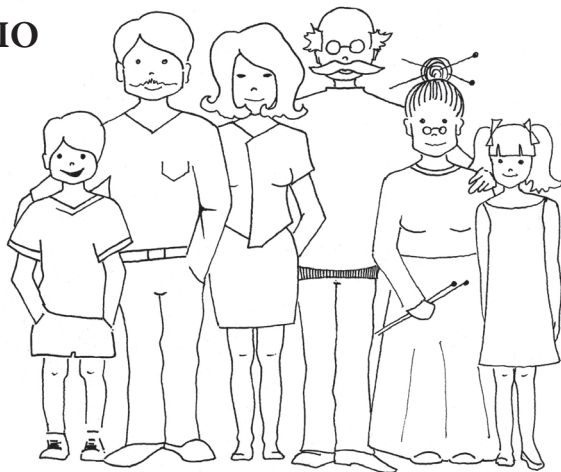
**Numeraloj** (اعداد)

0 – nulo, 1 – unu, 2 – du, 3 – tri, 4 – kvar, 5 – kvin, 6 – ses, 7 – sep, 8 – ok,  
9 – naŭ, 10 – dek, 11 – dek unu, 12 – dek du, 13 – dek tri ... 20 – dudek,  
21 – dudek unu, 22 – dudek du ... 30 – tridek, 40 – kvardek, 50 – kvindek ...  
99 – naŭdek naŭ, 100 – cent, 101 – cent unu, 146 – cent kvardek ses,  
294 – ducent naŭdek kvar, 1000 – mil.





## NIA FAMILIO



Nia familio havas ses anojn<sup>21</sup>. La plej juna el la familio estas mia fratino Maria. Ŝi havas ok jarojn. Mi estas pli aĝa<sup>22</sup> ol ŝi, ĉar mi havas dek du jarojn. La patrino havas tridek unu jarojn. Ŝi estas pli juna ol la patro. La patro havas la aĝon de tridek kvin jaroj. La plej aĝa el la familio estas la avo. Lia aĝo estas sesdek tri jaroj. La avino estas pli juna ol la avo: ŝi estas 60-jara. Mi estas la filo<sup>23</sup> kaj Maria estas la filino de la gepatroj. La patro estas pli juna ol la avo, ĉar li estas la filo de la avo. La avino estas la patrino de mia patro.



### Memoru

Peter eliris el la ĝardeno. پيتر از باغ خارج شد.  
 Maria eltrinkis lakton. ماريا شير را نوشيد.  
 Peter estas pli aĝa ol Maria. پيتر از ماريا مسن تر است.



### Respondu. La respondojn skribu.



Kiom da anoj havas la familio? Kiu estas la plej juna el la tuta familio?  
 Kiom da jaroj havas Maria? Kiomjara estas Peter? Ĉu li estas pli juna ol Maria? Kiel aĝaj estas la gepatroj? Kiu el la gepatroj estas pli juna?  
 Kian aĝon havas la geavoj? Kiu estas la plej aĝa el la tuta familio?  
 Kiu estas la filo de la avo? Ĉu vi havas geavojn? Kiel aĝaj ili estas?  
 Kiomjara vi estas? Kiom da anoj havas via familio? Kiu jaro estas nun?  
 Kio estas inter sabato kaj lundo? Ĉu viaj geavoj loĝas kun vi?



### Kompletigu:

Peter estas ..... ol Maria. Rozo estas ..... bela floro. Maria estas ..... ol Peter. Bratislava estas ..... ol Tokio. Mi iras ..... ol vi. La patro estas ..... ol la avo. Kato kuras ..... ol ĉevalo. Tokio estas ..... urbo. Filip estas la ..... lernanto. Maria estas la ..... el la tuta familio.





### Legu:

11, 18, 27, 9, 48, 365, 209, 108, 3863, 1982, 117, 401, 3085, 481, 587, 2400, 3333, 9831, 456, 99, 999, 1005, 3118, 2200.



### Skribu per ciferoj:

cent kvardek naŭ, kvarcent kvindek du, okcent, dumil ducent, sesdek sep, cent dek kvar, okcent ok, kvincent sesdek kvar.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### -ejo

Loĝejo مسکن      lernejo مدرسه      manĝejo محل غذاخوری      رستوران، محل غذاخوری

با پسوند **-ejo** اسم مکان ساخته می‌شود.

### -isto

Laboristo, traktoristo, instruisto.      کارگر، راننده تراکتور، معلم

پسوند **-isto** شغل و فعالیت حرفه‌ای شخص را نشان می‌دهد.

### -anto

Lernanto, leganto, skribanto.

پسوند **-anto** نشان می‌دهد که شخص مشغول کاری است ولی آن کار الزاماً حرفه‌ای او نیست (اسم فاعل در زمان حال).

### pli

### plej

Bona, pli bona, la plej bona.      خوب، بهتر، بهترین

Malbona, pli malbona, la plej malbona.      بد، بدتر، بدترین

Bone, pli bone, plej bone.      به خوبی، به شکل بهتر، به بهترین نحو

مقایسه/ صفت تفضیلی (برتر) و صفت عالی (برترین) را با استفاده از **pli** (تر) و **plej** (ترین) می‌سازیم. حرف

تعریف **la** را برای صفت تفضیلی قبل از **plej** بایستی به کار برد.

### malpli

### malplej

Bona, malpli bona, la malplej bona.      خوب، کمتر خوب (کمی بد)، کمترین خوب (بد)

Rapide, malpli rapide, malplej rapide.      به سرعت، کمتر سریع، به کمترین سرعت

با افزودن **malpli** و **malplej** می‌توانیم صفت‌های برتر و برترین را عکس‌اند کنیم (کوچک‌تر و کوچک‌ترین بسازیم).

### واژه‌نامه:

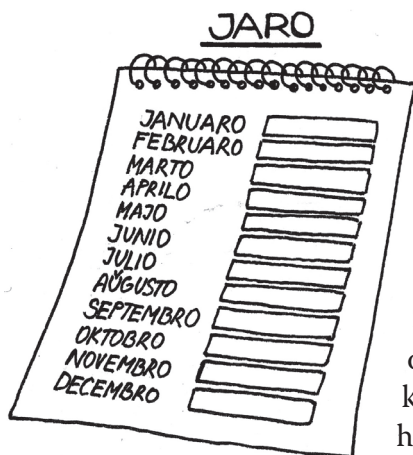
- ۱- منزل/اقامتگاه، ۲- یاد گرفتن، ۳- کلاس، ۴- کارخانه، ۵- کارگر، ۶- دانش‌آموز، ۷- یاد می‌دهد، ۸- نزد، ۹- بین، ۱۰- از، ۱۱- عکس/تصویر، ۱۲- بلند، ۱۳- بلندتر، ۱۴- بلندترین، ۱۵- از (درمقایسه)، ۱۶- از (حرف اضافه)، ۱۷- از میان همه، ۱۸- اشتباه کردن، ۱۹- کوچک‌تر، ۲۰- کوتاه‌ترین، ۲۱- سال‌ها/سالیان (در حالت مفعولی)، ۲۲- مسن‌تر، ۲۳- فرزند پسر.



## KALENDARO<sup>1</sup>

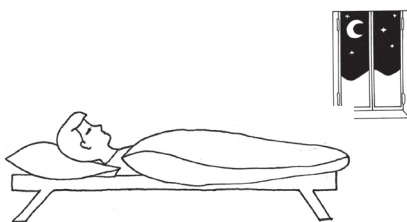
Unu semajno havas sep tagojn – kaj sep noktojn<sup>2</sup>.

LUNDO  
MARDO  
MERKREDO  
ĴAŬDO  
VENDREDO  
SABATO  
DIMANĜO

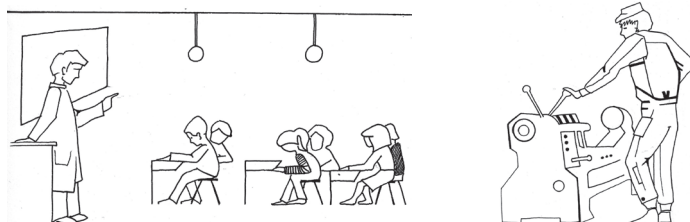


Unu jaro havas 12 monatojn<sup>3</sup>: januaro<sup>4</sup>, februaro<sup>5</sup>, marto<sup>6</sup>, aprilo<sup>7</sup>, majo<sup>8</sup>, junio<sup>9</sup>, julio<sup>10</sup>, aŭgusto<sup>11</sup>, septembro<sup>12</sup>, oktobro<sup>13</sup>, novembro<sup>14</sup> kaj decembro<sup>15</sup>. Unu monato havas 28, 29, 30 aŭ<sup>16</sup> 31 tagojn.

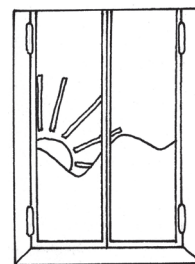
**Kiam?** (en kiu horo, tago, jaro...?)



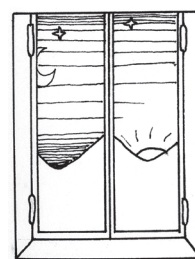
Peter dormas. **Kiam**<sup>17</sup> li dormas? – **En la nokto**. Li dormas **nokte**<sup>18</sup>.



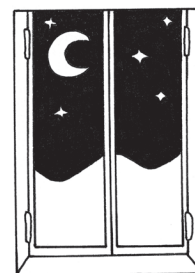
Kiam ni lernas kaj laboras? Ni lernas kaj laboras en la tago. Ni lernas kaj laboras tage.



mateno



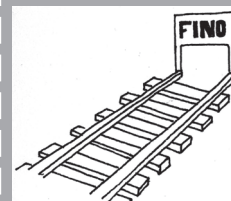
vespero



nokto



komenco



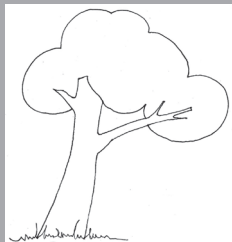
fino



ripozas

14.10.2006

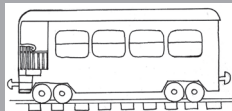
dato



arbo



arbaro



vagono



vagonaro



haro



hararo



Kiam ni iras el la lito? – Matene. Mateno estas komenco<sup>19</sup> de la tago. Kiam ni iras dormi? – Vespere. Vespere estas la fino<sup>20</sup> de la tago. Matene lernantoj iras al la lernejo kaj gepatroj al laborejoj. Vespere la homoj iras dormi. Nokte ili dormas. Kiam laboras via patro? Li laboras lunde, marde, merkrede, ĵaŭde kaj vendrede. Mia patro laboras en labortagoj. Sabate kaj dimanĉe li ne laboras, sed ripozas. Sabato kaj dimanĉo estas ripoztagoj. Matene, vespere kaj nokte mi estas hejme<sup>21</sup>. Tage mi lernas kaj ludas kun la infanoj. Kiam vi naskiĝis<sup>22</sup>? Mi naskiĝis en la jaro 1999. Kiam estos sabato? – Morgaŭ.

**Kiom**

**Kioma**

Kiom? – Unu, du, tri, kvar...

Kioma<sup>23</sup>? – Unua, dua, tria, kvara...



**Kiom** da homoj estas sur la bildo? Sur la bildo estas **du** homoj: Peter kaj Maria.

Peter staras la unua kaj Maria staras la dua.

**Kioma** staras Peter? – La unua.

**Kioma** staras Maria? – La dua.



Kioman lecionon ni lernas? Ni lernas la dekan lecionon. Kioma horo estas? Estas la deka horo. Sur kioma paĝo ni lernas? Sur la paĝo 48.

**Je**

La infanoj iras al la lernejo, kiam estas la oka horo.

**Kiam** ili iras al la lernejo? Matene, **je**<sup>24</sup> la oka horo.

**Je** kioma horo? – **Je la oka.**

Kiam komencas labori via patro? Matene je la sesa horo.

Je kioma horo? – Je la sesa.



Maria manĝis je la sepa horo. Mia frato estas je du jaroj pli juna ol mi. Vi estas je kapo pli alta ol mi.

### DATO<sup>25</sup>

Kiu tago estas hodiaŭ? – Hodiaŭ estas mardo.

Kiu dato estas hodiaŭ? – La 14-a de oktobro 2006.

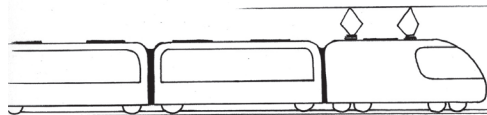
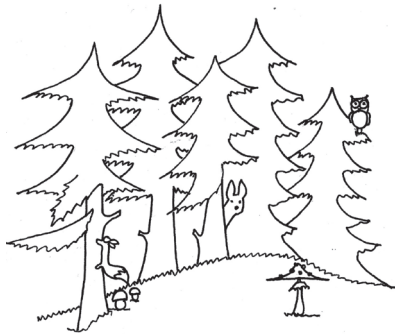
Kiu dato estos morgaŭ? – La 15-a de oktobro 2006.

**Kiam** vi naskiĝis? – La 5-an de januaro 1999.

Kiam naskiĝis via patro? – La 22-an de januaro 1970.

### -aro

Tio estas arbaro<sup>26</sup>.  
En la arbaro estas multaj arboj.

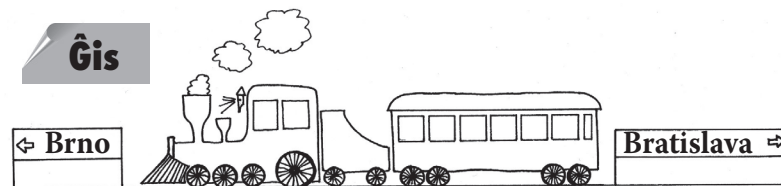


Tio estas vagonaro.  
Kiom da vagonoj ĝi havas?



Apud nia urbo estas granda arbaro. Ĉu vi ŝatas veturi<sup>27</sup> per aŭto aŭ vagonaro? Maria havas nigran hararon.

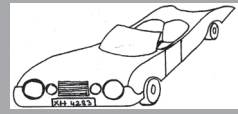
### Ĝis



La vagonaro veturas de Bratislava ĝis<sup>28</sup> Brno.



Mi estis ĉe mia amiko ĝis la vespero. Ĝis kioma horo? Ĝis la oka. Mia patro laboras de lundo ĝis vendredo. Ĝis hodiaŭ mi ne ricevis<sup>29</sup> vian leteron. Ĝis revido<sup>30</sup>!



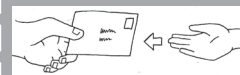
aŭto

**la aŭto ne iras,  
sed – veturas**

veturi



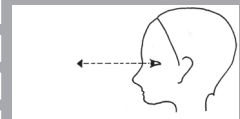
ĝis



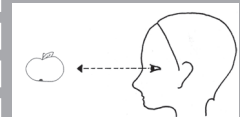
ricevi



lavi



rigardi



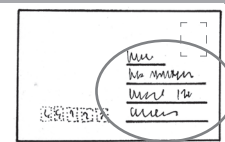
vidi

**doni  
kaj ricevi**

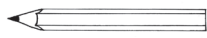
interŝanĝi

**interŝanĝi  
leterojn**

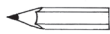
korespondi



adreso



longa



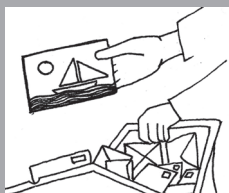
mallonga

bona, kiun ni  
amas

kara

Peter, Maria,  
Eva...

nomo



bildkarto



poŝtmarko

**Si**

**Sia**



Ŝi lavas<sup>31</sup> sin<sup>32</sup>.



Ŝi lavas lin.

**Mi lavas min.**

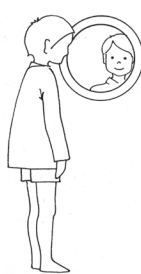
**Vi lavas vin.**

**Li** } lavas sin.  
**Ŝi** }  
**Ĝi** }

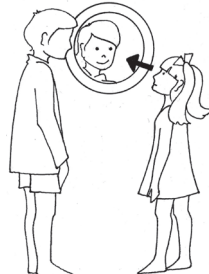
**Ni lavas nin.**

**Vi lavas vin.**

**Ili lavas sin.**



Li vidas<sup>33</sup> sin.



Ŝi vidas lin.

**Mi ŝatas mian urbon.**

**Vi ŝatas vian urbon.**

**Li** } ŝatas sian urbon.  
**Ŝi** }  
**Ĝi** }

**Ni ŝatas nian urbon.**

**Vi ŝatas vian urbon.**

**Ili ŝatas sian urbon.**



Mi legis mian libron kaj Maria legis sian libron. Unue ŝi lavis lin kaj poste ŝi lavis sin. Mia patro ŝatas veturi per sia aŭto. La knabino havis en sia hararo floron. Je kioma horo veturos la vagonaro? Peter kaj Maria dormas nokte en sia lito. Mi estas je unu centimetro pli alta ol vi. Ĝis kioma horo vi estis en la arbaro? Aŭto estas maŝino<sup>34</sup>. Maria amas sian patrinon. Kiu rigardas, tiu vidas.

## Peter skribas leteron

Peter volas korespondi<sup>35</sup>. De sia instruisto li ricevis adreson de hungara<sup>36</sup> knabo. Nun li skribas sian unuan mallongan<sup>37</sup> leteron en Esperanto:



*Kara<sup>38</sup> amiko,*

*mi estas 12-jara lernanto kaj mi volas korespondi kun vi. Mia nomo<sup>39</sup> estas Peter kaj mi lernas en la sepa klaso. En nia klaso estas 30 gelernantoj. En kioma klaso vi lernas? Kiom da gelernantoj estas en via klaso? Mi havas multajn geamikojn kaj unu pli junan fratinnon. Ŝia nomo estas Maria kaj ankaŭ ŝi lernas Esperanton. Mi sendas al vi bildkarton<sup>40</sup> de nia urbo. Mi volas interŝanĝi<sup>41</sup> kun vi poŝtmarkojn<sup>42</sup>.*

*Salutas vin via slovaka amiko Peter.*





## Memoru:

پدرم کار کردن را از ساعت ۵ شروع می‌کند. Mia patro komencas labori je la kvina horo. امروز چهاردهم اکتبر ۲۰۰۶ است. Hodiaŭ estas la 14-a de oktobro 2006. من در هفتم آوریل ۱۹۹۹ متولد شدم. Mi naskiĝis la 7-an de aprilo 1999.



## Kompletigu:

Mi amas ..... gepatrojn. La vagonaro veturas de Bratislava ..... Brno. Mi petas, diru al mi, ..... horo estas. Mia patro komencas labori ..... la sesa horo. Mi naskiĝis la 7-..... de januaro. Mi dormis de la hieraŭa vespero ..... la hodiaŭa mateno.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**je****Je** kioma horo? چه ساعتی؟ **Je** la sepa. هفت (ساعت)Li estas **je** centimetro pli alta. او در حد سانتیمتری بلندتر است. **Je** la komenco. در ابتدا

*-je* این حرف اضافه، فاقد معنی خاص و ثابتی است. آن را برای زمان، یا جایی که ندانیم کدام حرف اضافه دیگر مناسب است، به کار می‌بریم.

**dato**

La 1-a (unua) de majo 2006. اول می سال ۲۰۰۶

La 16-a de junio 2007. شانزدهم ژوئن سال ۲۰۰۷

تاریخ: برای نوشتن درست تاریخ: حرف تعریف *la* + عدد ترتیبی + نام ماه + سال .**Kiam?** – La 1-an de majo 2006. چه وقت؟ اول ماه می سال ۲۰۰۶در پاسخ به سؤال "کی/چه وقت؟" به عدد ترتیبی، پایانه *n* اضافه می‌کنیم.**-aro**

Arbo – arbaro. درخت-جنگل. Haro – hararo. مو-گیسو.

با پسوند **-aro** از یک واحد، انبوه آن چیز را می‌سازیم.**si****sia** Peter lavas **sin**. پیتر حمام می‌کند (خودش را می‌شوید).**Ŝi** amas **sian** patrino. او مادرش را دوست دارد.

ضمیر انعکاسی در اسپرانتو *si* است که ضمیر ملکی متناسب با آن می‌شود *sia*. این دو پسوند فقط با سوم شخص مفرد یا جمع استفاده می‌شوند.

### واژه‌نامه:

- ۱- تقویم، ۲- شب، ۳- ماه، ۴- ژانویه، ۵- فوریه، ۶- مارس، ۷- آوریل، ۸- می، ۹- ژوئن، ۱۰- ژوئیه، ۱۱- اوت (آگوست)، ۱۲- سپتامبر، ۱۳- اکتبر، ۱۴- نوامبر، ۱۵- دسامبر، ۱۶- یانویه، ۱۷- کی/چه وقت، ۱۸- در شب، ۱۹- آغاز/شروع، ۲۰- پایان، ۲۱- در/به/خانه، ۲۲- به دنیا آمدن/متولد شدن/زاده شدن، ۲۳- چندانم/چندمین، ۲۴- حرف اضافه نامتعیین/ژوکر حروف اضافه، ۲۵- تاریخ/زمان، ۲۶- جنگل/درختزار، ۲۷- راندن/حرکت کردن با وسائط نقلیه، ۲۸- تا، ۲۹- گرفتن/دریافت کردن، ۳۰- تا دیدار مجدد/تا بعد/به امید دیدار، ۳۱- شستن، ۳۲- خود را، ۳۳- دیدن، ۳۴- ماشین، ۳۵- مکاتبه کردن، ۳۶- مجار/مجارستانی، ۳۷- کوتاه (دراز)، ۳۸- عزیز، ۳۹- نام/اسم، ۴۰- کارت پستال، ۴۱- معاوضه، ۴۲- تمبر.



# 11 DEK-UNUA LECIONO

۱۱ درس یازدهم

**Kio?**

**Tio**

**io**

**Ĉio**

**Nenio**



**pakaĵo**

**havas  
en la kapo**

**scias**



**prenas**

**ni ne scias  
kio**

**io**

**tio + tio + tio...**

**ĉio**

**nenio**

**ni ne scias  
kiu**

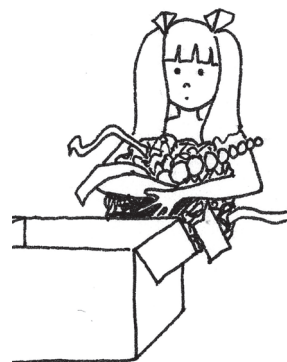
**iu**

**tiu + tiu + tiu...**

**ĉiu**



Kio estas tio? Tio estas pakaĵo<sup>1</sup>. Kio estas en la pakaĵo? En la pakaĵo estas io<sup>2</sup>, sed ni ne scias<sup>3</sup> kio.



Maria pren<sup>4</sup> ĉion<sup>5</sup>. Kio estas nun en la pakaĵo? – Neniu<sup>6</sup>. Ĉion havas Maria. Ĉio estas ŝia.



Tio estas ĉio, kion mi volis diri al vi. Ĉion mi donis al vi, nun mi havas nenion. Ĉu vi diris ion? Ne, mi diris nenion. Pli bona estas io ol nenio. Ĉu vi vidas ion? Ĉu tio estas ĉio?

**Kiu?**

**Tiu**

**Iu**

**Ĉiu**

**Neniu**



Kiu estas tiu homo? Li estas iu<sup>7</sup>, sed ni ne scias, kiu. Ĉu li havas kapon? Jes. Ĉu ankaŭ Maria havas kapon? Jes. Ĉiu<sup>8</sup> homo havas kapon. Neniu<sup>9</sup> homo povas vivi<sup>10</sup> sen la kapo.



Kiu lernas, tiu scias. En tiu domo loĝas iu homo. Ĉiu rozo estas floro, sed ne ĉiu floro estas rozo. Ĉu iu estas en la ĝardeno? Ne, en la ĝardeno estas neniu. Ĉiuj anoj de la familio estas hejme. La patrino donis pomojn al ĉiuj infanoj. Neniu homo scias ĉion. Kiu ne parolas, tiu ne eraras. Ĉiuj homoj estas unu granda familio.

**-ig-**

La infano ne volas dormi.  
Kion faras la patrino?  
– Ŝi dormigas<sup>11</sup>  
la infanon.



Ĉu tiu knabo estas pura<sup>12</sup>? Ne, li estas malpura. Kion faras Maria? Ŝi lavas lin. Ŝi purigas la knabon per akvo.



La lakto estis varma<sup>13</sup>, sed nun ĝi estas malvarma. Varmigu ĝin! Purigu la tabulon! Mi estis malsata, sed la manĝo satigis min. Maria beligis sian hararon per floroj.

**-iĝ-**

Ili estas amikoj. Ili amikiĝis<sup>14</sup> antaŭ tri jaroj. (Ili komencis esti amikoj antaŭ tri jaroj.)



La tago komenciĝas per mateno kaj finiĝas per vespero. Kiam mi naskiĝis, mia pli aĝa frato fariĝis lernanto. Mi fermis la libron. La libro fermiĝis. Miaj manoj malpuriĝis. La lakto malvarmiĝis, mi varmigis ĝin. La lernanto pliboniĝis. La glaso estis malplena<sup>15</sup>, sed mi plenigis ĝin per akvo. Nun ĝi estas plena. Mi multe laboris kaj nun mi estas laca<sup>16</sup>. Mi laciĝis. La laboro lacigis min. Vesperiĝas<sup>17</sup>. Kio komenciĝis, tio ankaŭ finiĝos.

ne estas iu

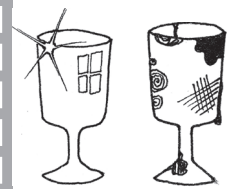
neniu

la homoj kaj  
la bestoj  
vivas

vivi



li ne vivas



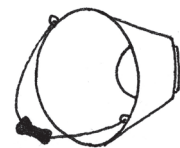
pura, malpura



varma



plena



malplena

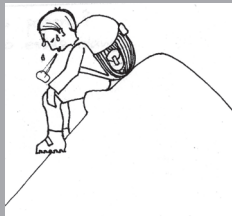
paĝo 57

fari ion ...-a

igi

fari sin ...-a

iĝi



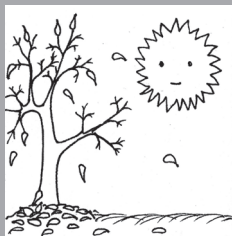
laca



printempo



somero

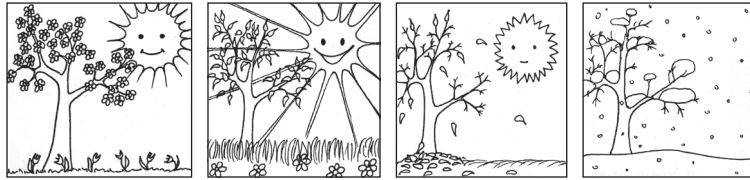


aŭtuno



vintro

## LA SEZONOJ



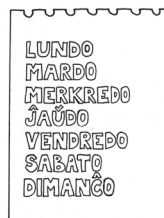
La jaro havas kvar sezonojn<sup>18</sup>: printempo<sup>19</sup>, somero<sup>20</sup>, aŭtuno<sup>21</sup> kaj vintro<sup>22</sup>. Printempo komenciĝas la 21-an de marto, somero la 21-an de junio, aŭtuno la 23-an de septembro kaj vintro la 21-an de decembro. Vintre la noktoj longiĝas kaj la tagoj mallongiĝas. Printempe floras<sup>23</sup> floroj kaj aŭtune la arboj havas fruktojn. La arboj havas somere verdajn<sup>24</sup> foliojn<sup>25</sup>. Kiu el la sezonoj estas la plej bela? Maria pleje<sup>26</sup> ŝatas someron: somere ŝi povas bicikli, naĝi<sup>27</sup> kaj promeni. Somere estas varme. Peter ŝatas vintron, ĉar vintre li povas ski<sup>28</sup>. La avino tre<sup>29</sup> ŝatas printempon, ĉar printempe ĉio floras. La avo ŝatas aŭtunon: aŭtune maturiĝas<sup>30</sup> fruktoj en la ĝardeno kaj aŭtuno havas belajn kolorojn<sup>31</sup>. Kiam la pomoj estas maturaj, ili estas ruĝaj kaj flavaj<sup>32</sup>. Verda pomo ne estas matura. Matura citrono estas flava. Nia avo estas maljuna. Li maljuniĝis.

\*\*\*

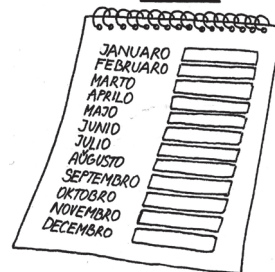
V. Setälä:

### LA JARO

*Tridek tagoj en septembro,  
en april<sup>33</sup>, juni, novembro.  
Dudek ok en februaro,  
dudek naŭ en superjaro<sup>34</sup>.  
Restas<sup>35</sup> sep monatoj, kiuj  
havas tridek unu ĉiuj...*



### JARO



### LA SEMAJNO

*Lundo, mardo kaj merkredo,  
poste jaŭdo kaj vendredo,  
sekvas<sup>36</sup> sese la sabato  
kaj la sepa, la dimanĉo.  
En la kapo – sen eraro –  
la semajna kalendaro.*





## Memoru:

Mi havas nenion. من هیچ چیزی ندارم.

Mi diris nenion. من هیچ چیزی نگفتم.

En la domo estas neniuj. در خانه هیچ کسی نیست.

برای منفی کردن جمله در اسپرانتو نمی توان از دو "نه" استفاده کرد. دو "نه" جمله را مثبت می کند. "من نمی توانم بروم" یعنی "من باید بروم".

## Respondu:

Kion prenis Maria el la pakaĵo? Kio restis en la pakaĵo?  
Ĉu ĉiu floro estas rozo? Kion faris la patrino, kiam ŝia infano  
ne volis dormi? Kiam vi amikiĝis kun via amiko? Per kio  
komenciĝas (finiĝas) la tago? Kiam vi fariĝis lernanto? Kiujn  
sezonojn havas la jaro? Kiam komenciĝas printempo? Kiam  
maturiĝas fruktoj? Kiun sezonon vi ŝatas? Kial? Kiu sezono  
estas la plej varma? Kiu sezono estas nun?

## Kompletigu:

La jaro komenc.... la unuan de januaro kaj fin.... la 31-an  
de decembro. Kiu malpur.... la tabulon? Pur.... ĝin per akvo!  
Hodiaŭ mi havis multe da laboro kaj mi lac.... . La patrino  
plen.... botelon per akvo. Kio komenc.... , tio ankaŭ fin..... .

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**kio**

**tio**

**io**

**ĉio**

**nenio**

چه چیزی، آن (شیء)، چیزی، هر (همه) چیز، هیچ چیزی

**kiu**

**tiu**

**iu**

**ĉiu**

**neniu**

چه کسی، آن کس (شخص)، کسی/شخصی، همه/هر کس، هیچ کس

آیا توجه کردید که چیزی بین این واژه ها مشترک است؟ سؤال با حرف K شروع می شود و جواب با T. واژگ io معنی چیزی/ یک چیز نامعین و iu معنی کسی/ یک کس نامعین است. با حرف ĉ کلمه تعمیمی (عمومی کننده) شروع می شود (همه کس/ همه چیز... ) و با پیشوند nen کلمه منفی .

**-ig-**

Dormigi, purigi, varmigi. خواباندن، تمیز کردن، گرم کردن.

پسوند -ig- فعل لازم را متعدی می کند و نیز برای این بکار می رود که افعال را که از کلمات دیگر می سازیم بشکل متعدی (گذرا/ترانزیتیو) بکار ببریم: خواب کردن، تمیز کردن، گرم کردن...

**-iĝ-**

Amikiĝi, komenciĝi, fermiĝi. دوست شدن، شروع شدن، بسته شدن (لازم)

پسوند -iĝ- برای نشان دادن فعل لازم (ناگذر/ناگذرا/غیر متعدی/ نه ترانزیتیو) بکار می رود و نیز اینکه فعل آنگونه شده است که ریشه فعل طلب می کرده: دوست شدن، شروع شدن، بسته شدن...

printempo,  
somero,  
aŭtuno aŭ  
vintro

sezono

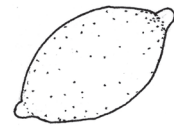


folio

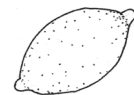


folio estas  
verda

verda



citrono

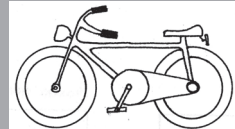


citrono estas  
flava

flava

ruĝa, verda,  
bruna, flava...

koloro



biciklo



naĝi





skii

multe, forte

tre

granda,  
plenaĝa


matura

$12-5=7$

... restas 7

iras post,  
estas post

sekvas

 April, juni, juli' (= aprilo, junio, julio).

علامت اسم (O) و همینطور (A) از حرف تعریف La را می‌توان در شعر برای رعایت وزن یا خوش آهنگی حذف کرد و بجای آن آپستروف گذاشت مثلاً، به جای: de la homo می‌گوییم: de l' homo

 Eniri, eliri, kuniĝi, aliĝi, envagoniĝi, altablighi, kune, poste.

ورود، خروج، با هم شدن، ملحق شدن (عضو شدن)، به واگن قطار وارد شدن، به طرف میز رفتن، با هم، بعداً / سپس.

بعضی از حروف اضافه را می‌توان بشکل پیشوند یا ریشه‌ی کلمه استفاده نمود و با آنها کلمات نوی ساخت.

### واژه‌نامه:

- ۱- بسته/پاکت، ۲- چیزی، ۳- دانستن، ۴- برداشتن، ۵- همه/همه‌چیز، ۶- هیچ‌چیز
- ۷- کسی/یک کدام، ۸- هرکس/همه‌کس، ۹- هیچ‌کس، ۱۰- زنده بودن/زندگی کردن،
- ۱۱- خواباندن، ۱۲- پاک/تمیز، ۱۳- گرم، ۱۴- دوست شدن، ۱۵- خالی، ۱۶- خسته،
- ۱۷- غروب/عصر می‌شود، ۱۸- فصل سال، ۱۹- بهار، ۲۰- تابستان، ۲۱- پائیز، ۲۲- زمستان،
- ۲۳- گل دادن، ۲۴- سبز، ۲۵- برگ، ۲۶- بیشترین/بیشینه، ۲۷- شنا کردن، ۲۸- اسکی
- کردن، ۲۹- خیلی، ۳۰- رسیدن/بالغ شدن، ۳۱- رنگ، ۳۲- زرد، ۳۳- آوریل، ۳۴- سال
- کیسه، ۳۵- ماندن، ۳۶- دنباله‌روی/پی گرفتن/تعقیب کردن.

### بازی:

به مدت پنج دقیقه روی کاغذی هر چه می‌توانید کلمات اسپرانتویی را که به یاد دارید بنویسید. هر کسی که تعداد بیشتری بنویسد برنده است.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## 12 DEK-DUA LECIONO

۱۲ درس دوازدهم

**Kia?**

**Tia**

**la**

**Ĉia**

**Nenia**

Kia demando, tia<sup>1</sup> respondo. Kia patrino, tia filino. Kia la vivo, tia la morto<sup>2</sup>. Kia la arbo, tia la frukto. Ne estu tia! Kiam ni ne scias kia, ni diras ia<sup>3</sup>. Antaŭ nia domo staras ia aŭto. Ĉia<sup>4</sup> dono estas bono. Mi ne havas libron: mi havas nenian<sup>5</sup> libron. La akvo havas nenian koloron.

**Kie?**

**Tie**

**ie**

**Ĉie**

**Nenie**

Kie vi loĝas? – Mi loĝas tie, en tiu bela domo. La domo staras sur bela loko<sup>6</sup>. Kiam ni ne scias kie, ni diras ie<sup>7</sup>. Mi vidis ie tiun homon, sed mi ne scias kie. Mia amiko loĝas ie en la urbo. Ĉie<sup>8</sup> mi havas amikojn, nenie<sup>9</sup> mi havas malamikojn. Ĉie estas bone, sed hejme plej bone.

**Kiam?**

**Tiam**

**iam**

**Ĉiam**

**Neniam**

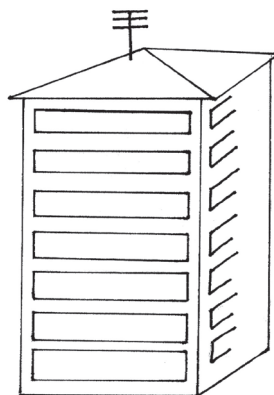
Kiam mi estas en la lernejo, tiam<sup>10</sup> mia patro laboras. Kiam ni ne scias kiam, ni diras iam<sup>11</sup>. Iam mi vidis tiun homon. Mi restos ĉiam<sup>12</sup> via amiko. Mi ne scias naĝi, ĉar mi neniam<sup>13</sup> naĝis. Pli bone iam ol neniam. Kiam la kato ne estas hejme, tiam la musoj<sup>14</sup> dancas<sup>15</sup>. Ĉu vi iam skiis? – Ne, neniam.

**-eg-**

**-et-**



Tio estas dometo<sup>16</sup>.



Tio estas domego<sup>17</sup>.

-a

tia

fino  
de la vivo

morto

ni ne scias  
kia

ia

tia+tia+tia...

ĉia

kia? – nenia

tio, kie io  
estas

loko

sur iu loko

ie

sur neni  
loko

nenie

minuto, horo,  
jaro...

tempo

en tiu tempo

tiam

en iu tempo

iam

paĝo 61

en ĉiu tempo

ĉiam

en neniu  
tempo

neniam



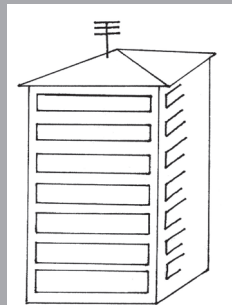
muso



dancas



dometo



domego



ridas

paĝo 62



Granda domo estas domego. Granda urbo estas urbego. Tre bela estas belega. Tre varma estas varmega. Malgranda domo estas dometo. Malgranda urbo estas urbeto. Somere estas varme kaj varmege. Vintre estas malvarme kaj malvarmege. Tio estas mia libreto. Ega estas tre granda kaj eta estas tre malgranda. Kio estas: montego<sup>18</sup>, arbego, grandega, hundeto, knabeto, tabuleto, papereto, ĉambrego, altega?



Ŝi ridetas<sup>19</sup>.



Ŝi ridas.



Ŝi ridegas.



Ŝi ploretas<sup>20</sup>.



Ŝi ploras.



Ŝi ploregas.

## MATENO

Estas mateno. La suno<sup>21</sup> jam<sup>22</sup> brilas<sup>23</sup>. Peter kaj Maria ankoraŭ kuŝas<sup>24</sup> en sia lito kaj dormas. Estas la sepa horo kaj komenciĝas belega tago. Ĉu iuj familianoj ankoraŭ dormas? – Ne! Ĉiuj jam ellitiĝis, nur<sup>25</sup> la infanoj estas ankoraŭ en siaj litoj.

La patrino estas en la kuirejo<sup>26</sup> kaj preparas<sup>27</sup> matenmanĝon<sup>28</sup>. Nun ŝi iras al la ĉambro, kie dormas la infanoj. Ŝi malfermas la pordon kaj vekas<sup>29</sup> ilin: „Bonan matenon, infanoj! Vekiĝu, jam estas la sepa horo!“

La unua eliras el la lito Maria. Ŝi iras al la banĉambro<sup>30</sup>. Tie ŝi lavas sin kaj purigas siajn dentojn<sup>31</sup>. Peter ŝatas kuŝi en la lito, sed kiam li vidas la malplenan liton de sia fratino, ankaŭ li ellitiĝas. La gefratoj lavis sin, vestis<sup>32</sup> sin kaj nun ili iras al la kuirejo.

Sur la tablo jam estas la matenmanĝo: en la taso<sup>33</sup> estas varma lakto, sur la teleroj<sup>34</sup> estas nigra pano, butero<sup>35</sup> kaj fromaĝo<sup>36</sup>. „Bonan apetiton<sup>37</sup>!“, diras la patrino. „Bonan apetiton!“

respondas la infanoj kaj komencas manĝi. Maria manĝas panon kun butero kaj trinkas lakton. Ĝi estis varmega, sed ĝi malvarmiĝis kaj nun estas varmeta. Peter manĝas panon kun marmelado<sup>38</sup>. Li ŝategas marmeladon. Maria prenas ankoraŭ fromaĝon. Peter ne ŝatas fromaĝon, neniam li manĝas ĝin.

La patrino rigardas la horloĝon<sup>39</sup>: „Estas jam la sepa kaj tridek minutoj. Vi devas<sup>40</sup> iri al la lernejo!“

Ĉiam la infanoj iras al la lernejo je la sepa tridek. Ankoraŭ ili donas kison<sup>41</sup> al la patrino, salutas ŝin kaj iras.

## PROVERBOJ<sup>42</sup>

Kio komenciĝis, tio ankaŭ finiĝos. Ĉio havas sian „sed“. Nur tiu ne eraras, kiu neniam ion faras. Mano manon lavas. Kiu vivos, tiu vidos. Ĉie estas bone, sed hejme plej bone. Pli bona estas io ol nenio. Fino bona – ĉio bona. En arbaro sidas kaj arbojn ne vidas.



### Memoru:

Matenmanĝo, familiano, banĉambro, ripoztago.

صبحانه، فامیل (عضو خانواده)، حمام، روز استراحت (تعطیل).

توضیح: با ترکیب کلمات مناسب کلمات نوی حاصل می‌شود. معنی اصلی کلمه مرکب در جزء آخر آن نهفته است. اگر تلفظ آسان باشد، حرف آخر کلمه اول در ترکیب حذف می‌شود. اگر نه، می‌ماند:

Mateno + manĝo = *matenmanĝo* صبح + خوراک = صبحانه

Manĝo + ĉambro = *manĝoĉambro* خوراک + اتاق = اتاق غذاخوری



### Legu:

Mi naskiĝis en urbeto, sed nun mi loĝas en urbejo. Kiam mi estis eta knabo, mi iam ploris. Sed nun mi ne ploras. Viroj neniam ploras, ĉu ne? Printempe estas varmete, somere estas varme aŭ varmege, aŭtune estas malvarmete kaj vintre estas malvarme aŭ malvarmege. Komence mi kuretis, poste mi kuris pli kaj pli rapide kaj fine mi kuregis. Apud nia urbo estas montegoj. Nia hundeto ĉiam kuretas. Tiu knabino ĉiam ridetas.

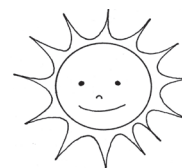


### Respondu kaj la respondojn skribu:

Kion faris Peter kaj Maria matene? Kion faris la patrino? Kiu el la infanoj ellitiĝis la unua? Kion faris la infanoj en la banĉambro? Kion diris la patrino antaŭ la matenmanĝo? Kio estis sur la tablo? Je kioma horo iris la infanoj al la lernejo? Je kioma horo vi hodiaŭ ellitiĝis? Kian koloron havas la akvo?



ploras



suno

de nun

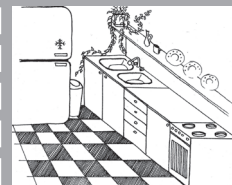
jam



brilas



kuŝas



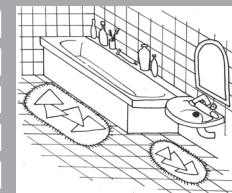
kuirejo

fari ĉion

prepari

maldormigi

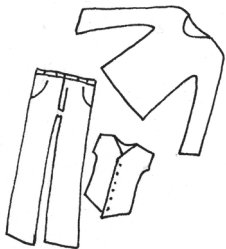
veki



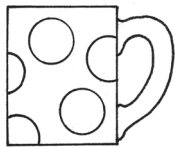
banĉambro



dento



vestoj



taso



telero

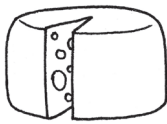


butero



horloĝo

ne povi  
ne fari  
devi

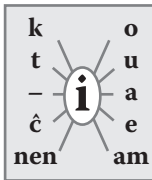


fromaĝo

Ĉu vi iam skiis? Ĉu vi neniam ploras?

## GRAMATIKO

## دستور زبان



Kio, tio, io, ĉio, nenio. چه چیزی، آن چیز (شیء)، چیزی، هر چیز، هیچ چیز.  
 Kiu, tiu, iu, ĉiu, neniu. چه کسی، آن شخص، شخصی، همه/هر کس، هیچ کس.  
 Kia, tia, ia, ĉia, nenia. چگونه، آنگونه، به گونه ای، هر گونه/نوع، هیچگونه.  
 Kie, tie, ie, ĉie, nenie. کجا، آنجا، جایی / مکانی، هر/همه جا، هیچ کجا.  
 Kiam, tiam, iam, ĉiam, neniam. چه وقت، آن زمان، زمانی، همیشه، هیچوقت / هرگز.

مجموعه‌ی همبسته‌ها (حروف ربط) ما بیشتر و بیشتر می‌شود. اکنون ۲۵ تا می‌شناسیم و می‌توانیم به آسانی آنها را به خاطر داشته باشیم. سؤال با *K* آغاز می‌شود، جواب با *T*، نامعین با *I*، گروه یا عمومی با *Ĉ*، منفی با *Nen*. اسم اشیا به *o* ختم می‌شود و اشخاص به *u*، صفت به *a*، مکان به *e*، زمان به *am*. به فهرست زیر بنگرید:

I+	Am	E	A	U	O
<i>K</i>	<i>Kiam</i> کی	<i>Kie</i> کجا	<i>Kia</i> چگونه	<i>Kiu</i> چه کسی	<i>Kio</i> چه چیزی
<i>T</i>	<i>Tiam</i> آنگاه	<i>Tie</i> آنجا	<i>Tia</i> آنگونه	<i>Tiu</i> آنکس	<i>Tio</i> آن چیز
(-)	<i>Iam</i> گاهی/زمانی	<i>Ie</i> جایی	<i>Ia</i> گونه ای	<i>Iu</i> کسی	<i>Io</i> چیزی
<i>Ĉ</i>	<i>Ĉiam</i> همیشه	<i>Ĉie</i> هر جا	<i>Ĉia</i> همه گونه	<i>Ĉiu</i> همه کس	<i>Ĉio</i> همه چیز

-eg-

-et-

خانه بزرگ (کاخ)، شهر بزرگ، بسیار زیبا. *Domego, urbego, belega.*  
 خانه کوچک (کلبه)، شهر کوچک (شهرک)، سگ کوچک (توله). *Dometo, urbeto, hundeto.*  
 پسوند *-eg-* معنی کلمه را بزرگ، شدید یا زیاد می‌کند و پسوند *-et-* معنی کلمه را کوچک، خفیف یا کم می‌کند.

### واژه‌نامه:

- ۱- آنگونه، ۲- مرگ، ۳- گونه‌ای، ۴- هرگونه، ۵- هیچگونه، ۶- مکان/جا، ۷- جایی، ۸- هر جا، ۹- هیچ جا، ۱۰- آنگاه/آن زمان/آن وقت، ۱۱- زمانی، ۱۲- همیشه، ۱۳- هرگز/هیچوقت، ۱۴- موش، ۱۵- رقصیدن، ۱۶- خانه کوچک، ۱۷- خانه بزرگ، ۱۸- کوه، ۱۹- لیخند زدن، ۲۰- آهسته و کم گریه کردن، ۲۱- خورشید، ۲۲- هم اینک/اینک، ۲۳- درخشیدن، ۲۴- فرارگرفتن/لبیدن، ۲۵- فقط، ۲۶- آشپزخانه، ۲۷- آماده ساختن، ۲۸- صبحانه، ۲۹- بیدار کردن، ۳۰- حمام، ۳۱- دندان‌ها، ۳۲- لباس پوشیدن، ۳۳- فنجان، ۳۴- بشقاب، ۳۵- کره، ۳۶- پنیر، ۳۷- نوش جان/اشتها خوش/تعارف قبل از غذا، ۳۸- مارمالاد/مربای پرتقال با پوستش، ۳۹- ساعت مچی یا دیواری، ۴۰- بایستن، ۴۱- بوسه، ۴۲- ضرب‌المثل.

malmulte,  
ne pli ol

nur

fari varman  
manĝon

kuiri



kiso

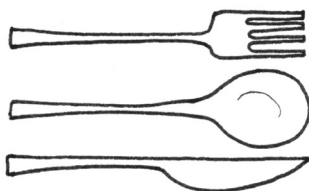


# 13 DEK-TRIA LECIONO

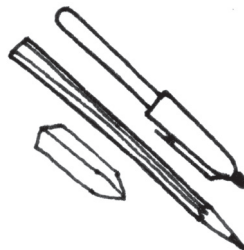
۱۳ درس سیزدهم

## -ilo

Ni tranĉas<sup>1</sup> per tranĉilo<sup>2</sup>. La hararon ni kombas<sup>3</sup> per kombilo. Per kudrilo ni kudras<sup>4</sup> kaj per tondilo ni tondas<sup>5</sup>. Maria balaas<sup>6</sup> la ĉambron per balailo.



Tranĉilo, kulero<sup>7</sup> kaj forko<sup>8</sup> estas manĝiloj (manĝilaro<sup>9</sup>). Per manĝilaro ni manĝas.

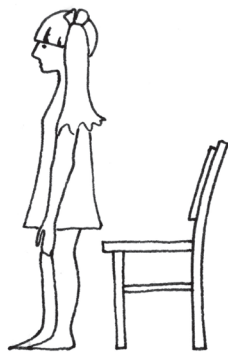


Plumo, kraĵono kaj kreto<sup>10</sup> estas skribiloj. Kion ni faras per la skribiloj?

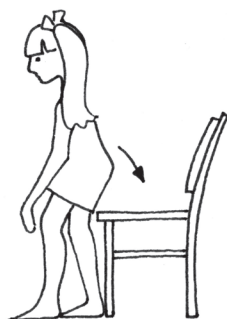


Sur la korto<sup>11</sup> ludas infanoj per siaj ludiloj. Per ŝlosilo<sup>12</sup> ni ŝlosas pordon. Mi volas tondi paperon, sed mi ne havas tondilon. La sonorilo<sup>13</sup> sonoris kaj la lernantoj komencis lerni. Per kio ni fajfas<sup>14</sup>? Per fajfilo aŭ per la buŝo. Birdo<sup>15</sup> estas besto, kiu havas du piedojn kaj du flugilojn<sup>16</sup>. Per la flugiloj ĝi povas flugi. Soldatoj<sup>17</sup> pafas<sup>18</sup> per pafiloj. En la kuirejo estas multaj kuiriloj. Aŭto kaj vagonaro estas veturiloj. Kion ni faras per laboriloj?

## ek-



Ŝi staras.



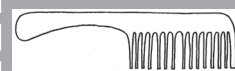
Ŝi eksidas<sup>19</sup>.



Ŝi sidas.



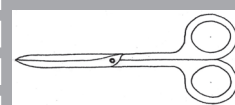
tranĉilo



kombilo



kudrilo



tondilo



balailo



kulero



forko



kreto

loko antaŭ la domo

korto



ŝlosilo



pafilo

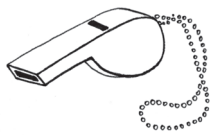


sonorilo

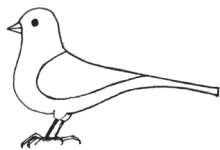
paĝo 65



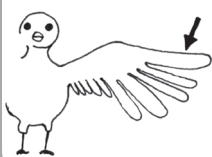
soldato



fajfilo



birdo



flugilo



ludiloj

fermi per  
ŝlosilo

ŝlosi

komenci sidi  
(sidiĝi)

ekside



La infano ekploris (= komencis plori). Je kioma horo vi eklaboros? Mi petas, eksidu! Mi ne povas ekdormi. Ni povas ekiri. Sur la strato<sup>20</sup> mi ekvidis amikon. La vagonaro ekveturos post kvin minutoj.

### **Kies?** (de kiu?) – mia, via, lia...

Sur la tablo estas libro. **Kies**<sup>21</sup> ĝi estas? – Ĝi estas **mia**. Kies patro laboras en fabriko? – Lia patro. Kies hundo estas antaŭ la domo? – Ŝia hundo. Kies filo vi estas? – Mi estas filo de miaj gepatroj. Kies voĉon<sup>22</sup> vi aŭdis el telefono? Per kies plumo vi skribas? En kies ĝardeno vi estis?

### **Ke**

La patrino diris: „Maria ne estas hejme“.  
La patrino diris, **ke**<sup>23</sup> Maria ne estas hejme.

**Ŝi diris: „....“ = Ŝi diris, ke ...**



Mi scias, ke vi estas mia bona amiko. Vi skribis, ke vi ricevis mian leteron. Mi aŭdis, ke vi estas malsana<sup>24</sup>. Ĉu vi pensas<sup>25</sup>, ke tio estas bona? Mi pensas, ke jes.

### **Oni** (iu, la homoj)

Tage **oni**<sup>26</sup> (la homoj) laboras, nokte oni dormas. En tiu familio oni parolas Esperante. En Slovakio oni parolas slovake, en Hungario oni parolas hungare. Ne ĉio estas vero<sup>27</sup>, kion oni diras. Oni diras, ke vi estas malsana. Ĉion novan<sup>28</sup> oni ŝatas. Oni diras, ke kato havas naŭ vivojn.

**Kiu?** – mi, vi, li, ŝi, ĝi, ni, vi, ili, **oni** (iu, la homoj)

**Kiom?**

**Tiom**

**Iom**

Kiom da kapoj, tiom<sup>29</sup> da ĉapoj. Kiom da homoj, tiom da gusto<sup>30</sup>. Kiam ni ne scias kiom, ni diras iom<sup>31</sup>. Iom estas ne





multe. Donu al mi iom da akvo! En ĉiu malbono estas iom da bono. Li estas iom pli alta ol mi. Iom post iom. Ĉu vi volas iom da kafo? Ne parolu tiom!

## EN LA KLASO

La lernantoj sidas en la klaso. La klaso estas en malnova lernejo. Ĝi havas altan pordon kaj grandajn fenestrojn. En la klaso estas nigra tabulo, bruna tablo, du libroŝrankoj kaj multaj benkoj<sup>32</sup>. Sur la plafono estas lampo. Sur la muroj estas kelkaj<sup>33</sup> bildoj, kiuj montras<sup>34</sup> bestojn, florojn, sezonojn kaj la homan korpon. La lernantoj sidas kaj babilas<sup>35</sup>. La pordo malfermiĝas kaj venas la instruisto. La lernantoj ekstaras kaj la instruisto salutas ilin: „Bonan tagon, infanoj!“ Poste la lernantoj eksidas. Sur la planko kuŝas plumo. La instruisto demandas: „Kies plumo kuŝas sur la planko?“ – „Mia“, respondas la lernanto en la unua benko kaj prenas ĝin. La instruisto demandas: „Ĉu vi estas ĉiuj?“ – Ne, mankas unu lernanto“, respondas iu knabo. „Hieraŭ li malsaniĝis kaj hodiaŭ li ne povis veni al la lernejo“. Poste la instruisto demandas kaj la lernantoj respondas:

„Kio estas skribiloj?“ – „Skribiloj estas iloj, per kiuj oni skribas.“ „Kio estas sur la homa korpo?“ – „Sur la homa korpo estas kapo, kolo, manoj, piedoj kaj – vestoj.“ „Kion ni havas sur la kapo?“ – „Okulojn, orelojn, nazon, buŝon, hararon kaj – ĉapon.“ „Kion ni faras per la buŝo?“ – „Per la buŝo ni manĝas, trinkas, parolas kaj fajfas.“ „Kiam la homoj manĝas?“ – „Kiam ili estas malsataj kaj – kiam ili havas ion bonan.“ „Kiujn sezonojn havas la jaro?“ – „Printempon, someron, aŭtunon kaj vintron“. „Kiujn laborilojn vi konas<sup>36</sup>?“ – La lernantoj ne scias kaj silentas<sup>37</sup>. „Ĉu la demando estas malfacila<sup>38</sup>?“ – „La demando estas facila, sed la respondo estas malfacila“.



### Respondu kaj la respondojn skribu:

Kion oni faras per tranĉilo (kombilo, kudrilo, tondilo, ŝlosilo)? Kies filo aŭ filino vi estas? Kiam oni laboras kaj kiam oni dormas? Ĉu vi pensas, ke Esperanto estas facila? Ĉu via lernejo estas nova? Kiom da benkoj estas en via klaso? Je kioma horo vi naskiĝis? Ĉu vi estas sana?

sur ĝi  
veturas aŭtoj

strato

de kiu

kies

tio, kion ni  
aŭdas, kiam iu  
parolas

voĉo



sana



malsana

laboras  
per la kapo

pensas

iu, la homoj

oni

tio, kio estas

vero

kio antaŭe ne  
estis (juna)

nova



ne multe

iom



benko

ĝi estas inter  
du ĉambroj

muro



vidigi per  
fingro

montri

ne multaj

kelkaj

interparoli

babili

ne esti

manki

scii, ke estas

koni

ne paroli

silenti

tia, ke ĉiu scias

ĝin

facila

scii kia ĝi  
estas

koni



با کلمات جمله بسازید:

Ekplori, eksidi, paroli, pensi, scii, ekdormi,  
ekveturi, ŝlosi, manki, silenti, malsaniĝi, ekfajfi,  
sonorilo, kudri, kombi, danci, malplenigi.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### -ilo

Tranĉi – tranĉilo. Kudri – kudrilo. Kombi – kombilo.

بریدن-چاقو. دوختن-چرخ خیاطی. شانه کردن-شانه.  
پسوند *-ilo* نشانه ابزار و آلت انجام کاری است.

### ek-

Ekdormi, ekplori, ekstari. به خواب رفتن، شروع به گریه کردن، برخاستن.

پیشوند *ek* نشان‌دهنده‌ی شروع و آغاز کار یا حالت است، و یا این که امر موردنظر به طور  
دفعی و ناگهانی اتفاق افتاده/می‌افتد.

### oni

Oni parolas. کسی صحبت می‌کند.

Nokte oni dormas. شب‌هنگام می‌خوابند.

**oni** ضمیر سوم شخص مجهول است. برای بیان جمله بصورت مجهول بکار می‌رود. در بسیاری از زبان‌ها از جمله فارسی، برای مجهول کردن جمله، فاعل را حذف می‌کنند و مفعول را نایب فاعل قرار می‌دهند و فعل را نیز از حالت معلوم به حالت مجهول تغییر می‌دهند که برای زبان آموز (غیر بومی) فرآیندی پیچیده و دشوارآموز است. در اسپرانتو اصل ثبات حالت فعل و تغییر شخص فقط با تغییر ضمیر در اینجا نیز رعایت شده است. *oni* برای مفرد و جمع به یک صورت بکار می‌رود. به مثال‌های زیر توجه فرمایید:

*Oni diras* = گفته می‌شود، می‌گویند (مجهول = گفته می‌شود) گفته‌اند که...آورده‌اند که...  
...حکایت است که...

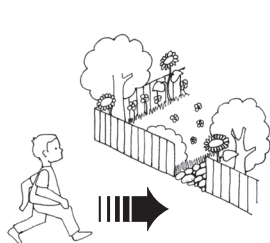
*Onidiro* = شایعه - حرف مردم...

### واژه‌نامه:

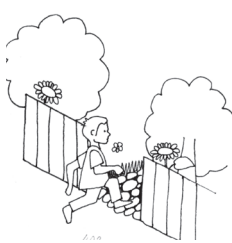
۱- بریدن، ۲- چاقو، ۳- شانه زدن، ۴- دوختن، ۵- قیچی کردن، ۶- جارو کردن، ۷- قاشق، ۸- چنگال، ۹- قاشق چنگال/کاسه بشقاب/لوازم غذاخوری، ۱۰- گچ، ۱۱- حیاط، ۱۲- کلید، ۱۳- زنگ/ناقوس، ۱۴- سوت زدن، ۱۵- پرنده، ۱۶- بال، ۱۷- سرباز، ۱۸- شلیک کردن، ۱۹- نشستن، ۲۰- خیابان، ۲۱- مال چه کسی/مال کی، ۲۲- صد/رای، ۲۳- که، ۲۴- بیمار/مریض (سام + پیشوند ضد = مریض)، ۲۵- فکر کردن/اندیشیدن، ۲۶- ضمیر سوم شخص مجهول، ۲۷- حقیقت، ۲۸- نو/تازه/جدید، ۲۹- آنقدر/آن مقدار، ۳۰- اشتها، ۳۱- مقداری/قدری/تعدادی، ۳۲- نیمکت، ۳۳- چند تا/تعدادی، ۳۴- نشان دادن، ۳۵- گفتگو کردن/گپ و گفتگوی دوستانه، ۳۶- شناختن، ۳۷- سکوت کردن، ۳۸- مشکل (آسان + پیشوند ضد = مشکل).

**-ido**

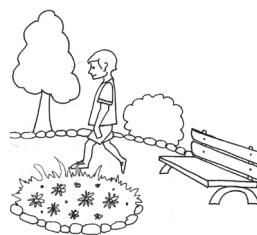
Infano de besto nomiĝas **ido**<sup>1</sup>. Ido de ĉevalo estas ĉeval**ido** kaj ido de hundo estas hund**ido**. Ankaŭ birdoj havas idojn. Birdidoj ne scias flugi, ĉar ili havas malfortajn<sup>2</sup> flugilojn. Miaj geavoj havas unu kokon<sup>3</sup>, tri kokinojn kaj kvar kokidojn. Ili havas ankaŭ bovinon<sup>4</sup> kaj bovidon. La bovino donas al ili lakton kaj la kokinoj donas al ili ovojn<sup>5</sup>. Azeno<sup>6</sup> havas azenidojn, porko<sup>7</sup> havas porkidojn kaj ŝafo<sup>8</sup> havas ŝafidojn. Ĉu vi ŝatas katidojn?

**Kien?** – ...-n

Kien<sup>9</sup> li iras?  
Al la ĝardeno.



Kien li iras?  
En la ĝardenon<sup>10</sup>.



Kie li iras?  
En la ĝardeno.

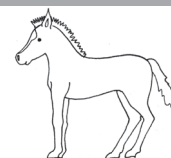
Peter estas en la ĉambro (kie?) kaj iras al la fenestro (kien?). Maria estas en la pordo (kie?) kaj iras en la ĉambro (kien?). La kato iris sub la tablon (kien?) kaj nun ĝi kuras sub la tablo (kie?). La patro sidiĝis sur la seĝon (kien?) kaj nun li sidas sur ĝi (kie?). Kien vi rigardas? – Mi rigardas tien, kien vi. Kien vi iras? – Hejmen.

**Pri**

Hodiaŭ ni lernis pri<sup>11</sup> ĉevalidoj, hundidoj, kokidoj kaj bovidoj. Tiu libro estas pri la vivo de bestoj. Pri kio vi pensas? – Pri nenio. Ĉu vi jam parolis pri tio kun viaj gepatroj? Mi legis en gazeto<sup>12</sup> pri Esperanto. Mi ofte<sup>13</sup> pensas pri vi. Pri kio vi korespondas kun viaj geamikoj? En lernejo infanoj lernas pri matematiko<sup>14</sup>, historio<sup>15</sup> kaj geografio<sup>16</sup>. Tiun problemon<sup>17</sup> ni devas preparoli. Ĉion bone pripensu!

infano  
de besto

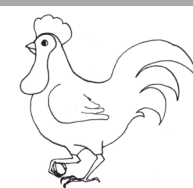
ido



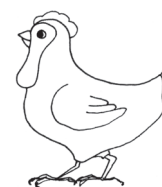
ĉevalido



hundido



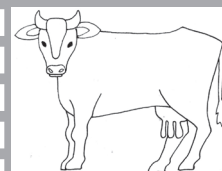
koko



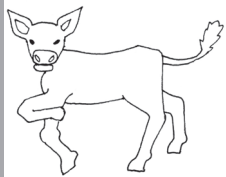
kokino



kokido



bovino



bovido



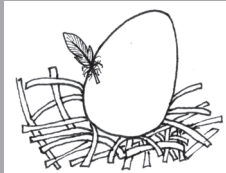
azeno



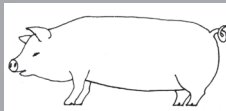
forta



malforta



ovo



porko



kien?

### Kial?

### Tial

**Kial** vi ne venis? – **Tial**<sup>18</sup>, ĉar mi estis malsana. Hodiaŭ estas bela vetero<sup>19</sup>, tial ni iros en arbaron. Ŝi estas malfeliĉa<sup>20</sup>, tial ŝi ploras. La suno brilas kaj tial estas varme. La infano dormas, tial ĝi silentas.

### Kiel?

### Tiel

**Kiel** vi fartas? – Mi fartas **tiel**<sup>21</sup> kiel vi. En Esperanto oni skribas tiel kiel oni parolas. Kial vi estas tiel malpura? Ŝi estas tiel bela kiel rozo. Li ne lernas tiel bone kiel ŝi. Kial vi estas tiel feliĉa? Mi estas tiel alta kiel vi, sed ne tiel alta kiel ŝi.

### Ajn

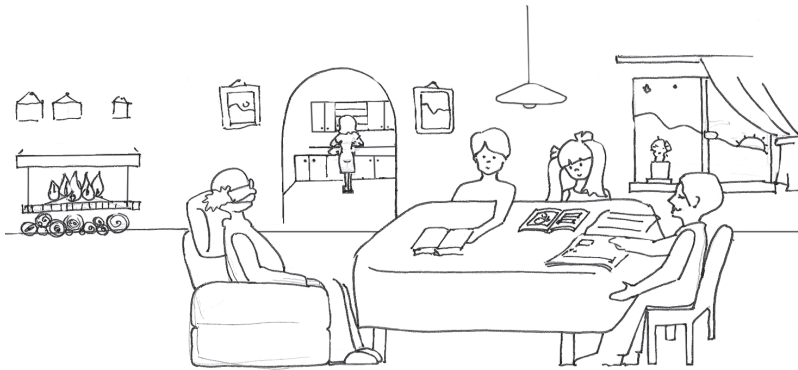
Mi povas fari ĉion, kion mi volas: mi povas fari kion **ajn**<sup>22</sup>. Venu iam ajn (= venu ĉiam, kiam vi volas). Povas veni kiu ajn. Kie ajn vi estos (= ĉie kie vi estos), pensu pri mi. Kiun libron vi deziras? – Kiun ajn. Mi volas legi kion ajn. Tion povas fari kiu ajn.

### Ĉi

Mi estas **ĉi tie**<sup>23</sup> = mi estas apud vi. En ĉi tiu leciono ni lernis pri bestoj kaj iliaj idoj. Venu ĉi tien! (= Venu al mi!) Ĉi tio estas pli proksima ol tio. Ĉi tiu libro (tiu libro al kiu mi montras per fingro) estas bela.

## VESPERO

Estas vespero. La suno jam ne brilas. Finiĝas la tago. En la ĉambro lumas<sup>24</sup> lampo kaj en la forno<sup>25</sup> brulas<sup>26</sup> fajro<sup>27</sup>. Ĉiuj familianoj estas hejme. Antaŭ nelonge ili vespermanĝis kaj nun ili sidas en la ĉambro. La patro legas gazeton. La avo sidas en fotelo<sup>28</sup> kaj ripozas. Hodiaŭ li laboris en la ĝardeno kaj li laciĝis. Peter legas interesan romanon<sup>29</sup> kaj Maria rigardas koloran bildlibron pri bestoj. Ŝi diras al Peter: „Rigardu, kiel ĉarmaj<sup>30</sup> katidoj estas ĉi tie! Unu estas blanka, unu estas nigra



kaj unu katido estas kiel tigrido!“ – „Lasu min<sup>31</sup>“, respondas Peter. „Nun mi ne havas tempon!“ Maria estas malfeliĉa, ke Peter estas tia. Tial ŝi iras al la kuirejo, kie laboras la patrino. „Ĉu mi povas helpi<sup>32</sup> al vi?“ – „Jes, iru ĉi tien. Ni kune lavos la manĝilarojn, tasojn kaj telerojn.“ Ili kune laboras kaj Maria rakontas<sup>33</sup> al la patrino, pri kio ŝi lernis hodiaŭ en la lernejo. Poste la patrino rakontas ion al Maria. Tiel ili laboras kaj babilas.

Kiam la patrino kaj Maria finis la laboron, ili venis en la ĉambron, kie estis la aliaj<sup>34</sup> familianoj. Kion ili faros nun? – La gepatroj kaj la geavoj rigardos televidon<sup>35</sup>. La infanoj ludos ankoraŭ ĝis la naŭa horo en sia ĉambro. Poste ili lavos sin, diros al la gepatroj kaj la geavoj „Bonan nokton!“ kaj iros dormi. Kiam finiĝos la televida filmo<sup>36</sup>, ankaŭ la aliaj familianoj enlitiĝos.

## PROVERBOJ

Bojas<sup>37</sup> hundidoj, ĉar ankaŭ la hundo tiel faras. Kiu ne parolas, tiu ne eraras. Kiu ne laboras, tiu ankaŭ ne manĝu! En ĉiu malbono estas iom da bono. Ĉiu komenco estas malfacila. Kiu multe parolas, malmulte pensas. Ne vivu kiel vi volas, vivu tiel, kiel vi povas. Pli bona estas unu amiko malnova, ol du novaj. Nova balailo bone balaas.



### Memoru:

Li kuris en ĝardeno. او داخل باغی دوید.

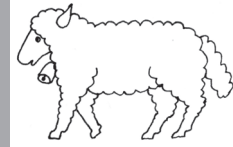
Li kuris en la ĝardenon. او به سمت داخل باغ دوید.

Ĉion bone pripensu! درباره همه چیز به خوبی فکر کن!

Ni tion ankoraŭ riparolos. ما هنوز (باز هم) درباره آن صحبت خواهیم کرد.



tien



ŝafo



gazeto

tiam+tiam  
+tiam+tiam...

ofte



matematiko



historio



geografio

brilas la suno  
= bela vetero

vetero



ridetas, ĉar ĉio  
estas bona

feliĉa

volas havi  
deziras

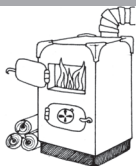


tie – ĉi tie

apuda  
proksima

lampo lumas

lumas



forno



fajro



fotelo

tre bela

ĉarma

labori kun

helpi

ne malhelpi

lasi

paroli pri io

rakonti

ne tiu ĉi,  
sed tiu

alia



## Respondu la demandojn:

Kiel nomiĝas infanoj de bestoj? Kion donas al la homoj bovinoj kaj kokinoj? Pri kiuj bestoj ni lernis en ĉi tiu leciono? Ĉu vi estas tiel alta kiel via patro? Ĉu vi ĉiam povas fari kion ajn vi volas? Ĉu vi havas hejme fornon? Rakontu, kion faris via familio hieraŭ vespere!

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### -ido

Hundido, katido, ĉevalido. توله سگ، بچه گربه، کره اسب.

پسونده **-ido** به معنی فرزند، زاده، کره، توله و ... است.

### Kien? – ... -n

Kie vi estas? به کجا می‌روید؟ Kien vi iras? کجا هستید؟

En la ĝardeno. به سمت داخل باغ. En la ĝardenon. داخل باغ.

برای نشان دادن جهت از پایانه **-n** استفاده می‌شود. حروف اضافه **al** و **de** نیز جهت را نشان می‌دهند و بعد از آنها **-n** لازم نیست.

### Ajn

Kiu ajn. هر که باشد. Kiam ajn. هر وقت باشد.

Kiel ajn. هرطور باشد. Kiom ajn. هر مقدار که باشد.

**ajn** معنی هر... که (می‌خواهد) باشد. مثلا *kiu ajn* یعنی هر کس که (می‌خواهد) باشد.

به همین ترتیب قیاس کنید: هر وقت که (می‌خواهد) باشد، هر طور که (می‌خواهد) باشد. هر مقدار که (می‌خواهد) باشد.

### Ĉi

Tiu, ĉi tiu. آنگونه/اینگونه Tia, ĉi tia. آن کس/این کس

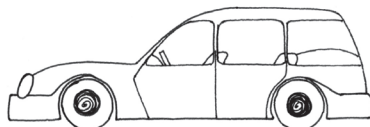
Tio, ĉi tio. آن‌جا، این‌جا Tie, ĉi tie. آن یک/این یک

واژک **ĉi** نشان اشاره به نزدیک است. آن را می‌توانید قبل یا بعد از واژه بیاورید.

### واژه‌نامه:

- ۱- زاده، ۲- ضعیف، ۳- خروس، ۴- گاو، ۵- تخم‌مرغ، ۶- خر، ۷- خوک، ۸- گوسفند، ۹- به کجا، ۱۰- در باغ، ۱۱- درباره، ۱۲- مجله، ۱۳- اغلب، ۱۴- ریاضیات، ۱۵- تاریخ، ۱۶- جغرافی، ۱۷- مساله، ۱۸- به آن علت، ۱۹- آب و هوا، ۲۰- بدبخت، غمگین، ۲۱- آن طوری، ۲۲- هر آنچه، ۲۳- اینجا، ۲۴- نور دادن، ۲۵- اجاق، ۲۶- سوختن، ۲۷- آتش، ۲۸- صندلی دسته‌دار، ۲۹- رمان، ۳۰- جذاب، ۳۱- گذاشتن، ۳۲- کمک کردن، ۳۳- حکایت کردن، ۳۴- دیگر، ۳۵- تلویزیون، ۳۶- فیلم، ۳۷- واق واق کردن، پارس کردن.

## Por



Tiuj floroj estas **por**<sup>1</sup> vi. Tio estas aŭto **por** kvar personoj<sup>2</sup>.



Libro por infanoj. Ĉambro por gastoj<sup>3</sup>. Por kio vi venis? – Mi venis por vidi vin<sup>4</sup>! (Mi venis, ĉar mi volis vidi vin.) Mi havas nenion por manĝi<sup>5</sup>. Ĉu vi havas ion por trinki? Nun mi ne havas tempon por ludi kun vi. Por kiu estas tiu ĉokolado? – Por ŝi. Ni estas amikoj por ĉiam. Ni ne vivas por manĝi, sed manĝas por vivi<sup>6</sup>.

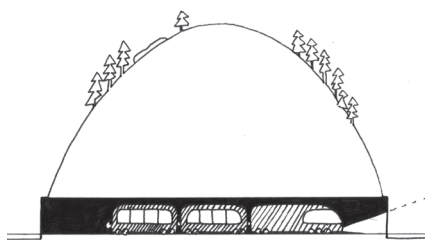
## Por ke ... -u

## ke ... -u

Donu al mi plumon, **por ke** mi povu<sup>7</sup> skribi.  
Parolu malrapide, **por ke** ĉiu komprenu<sup>8</sup> vin.  
Ni lernas, por ke ni sciu.

Mi volas, ke vi laboru<sup>9</sup>. (Mi volas: „Vi laboru!“)  
Ili volas, ke mi venu hodiaŭ. (Ili volas: „Mi venu...“)

## Tra



La vagonaro veturas tra<sup>10</sup> la tunelo<sup>11</sup>.



Tra la fenestro ŝi vidas la ĝardenon.



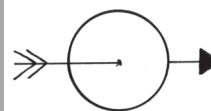
por

homo  
persono  
amiko  
en nia domo

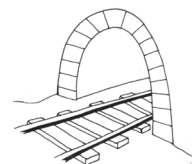
gasto

havi en la  
kapo bildon  
pri tio, kion ni  
aŭskultas

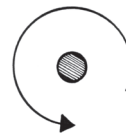
kompreni



tra



tunelo



ĉirkaŭ



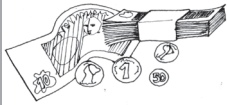
kravato



kontraŭ

volas legi,  
sed ne povas

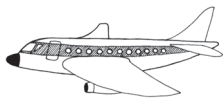
legus



mono

havas multe da  
mono

riĉa



flugmaŝino



kampo

ankaŭ tiel,  
ĉi tiel

same



mezo

12:00

tagmezo

post nelonge

baldaŭ

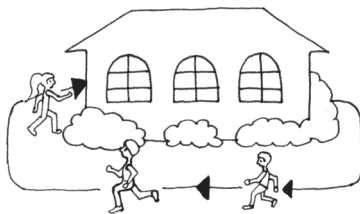


dekstre



Mi veturis per aŭto tra multaj urboj. Tra la fenestro  
brilas la suno. Li eniris<sup>12</sup> tra unu pordo kaj eliris<sup>13</sup>  
tra alia pordo. Ni longe iris tra arbaro. Ĉu vi jam  
tralegis<sup>14</sup> la tutan libron? Ne, mi nur trarigardis ĝin.

**Ĉirkaŭ**



La infanoj kuras  
ĉirkaŭ<sup>15</sup> la domo.



La familio sidas  
ĉirkaŭ la tablo.



La patro havas ĉirkaŭ la kolo kravaton. Ĉirkaŭ la  
domo estas ĝardeno. La domo estas ĉirkaŭ (pli-  
malpli) dek metrojn alta. Venu ĉirkaŭ la sesa horo!

**Kontraŭ**



**Kontraŭ**<sup>16</sup> nia domo staras lernejo. La domoj staras unu  
kontraŭ la alia. Kion vi havas kontraŭ mi? Ĉu vi estas kun  
mi, aŭ kontraŭ mi?

**Se ... -us**

Mi legus<sup>17</sup>, sed mi ne havas libron. (Mi volas legi, sed mi  
ne havas libron.) Mi legus, **se**<sup>18</sup> mi havus libron. Se mi estus  
sana, mi estus feliĉa. Se estos bela vetero, mi venos. Sed se  
ne, mi restos hejme. Ĉu vi estus feliĉa, se vi havus multe da  
mono<sup>19</sup>? – Mi estus riĉa<sup>20</sup>, sed mi ne scias, ĉu mi estus feliĉa.



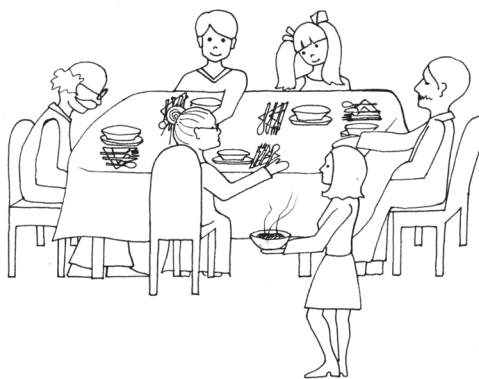
Mi volus havi flugmaŝinon<sup>21</sup>. Se mi havus flug-  
maŝinon, mi estus feliĉa. Kion mi farus, se mi havus  
flugmaŝinon? Mi flugus super la urbo. Poste mi flugus  
ĉirkaŭ la urbo, super kampoj<sup>22</sup> kaj arbaroj... Multaj homoj



diras: „Mi lernus Esperanton, se ĉiuj homoj lernus ĝin.“ Se ĉiu homo parolus same<sup>23</sup>, neniu lernus Esperanton. Sed se ĉiu homo lernus Esperanton, ĉiuj homoj komprenus sin...

## TAGMANĜO<sup>24</sup>

Estas tagmezo<sup>25</sup>. Ĉiuj familianoj estas en la manĝoĉambro. Hodiaŭ ili ne laboras, ĉar estas dimanĉo. La familianoj sidas ĉirkaŭ la tablo kaj ili baldaŭ<sup>26</sup> tagmanĝos.



Dekstre<sup>27</sup> sidas la patro kaj maldekstre, kontraŭ la patro, sidas la avo. Peter sidas apud Maria kaj kontraŭ ili sidas la avino. La patrino alportas<sup>28</sup> la manĝojn sur la tablon. Sur la tablo estas blanka tablotuko<sup>29</sup>. Antaŭ ĉiu familiano kuŝas buŝtuko, manĝilaro kaj du teleroj: unu por supo<sup>30</sup> kaj la alia por la dua manĝo.

„Maria, ĉu vi scias, kion ni hodiaŭ tagmanĝos?“ – demandas Peter. – „Jes, mi scias. Por la tagmanĝo estos legoma<sup>31</sup> supo, terpomoj<sup>32</sup>, brasiko<sup>33</sup> kaj viando<sup>34</sup>. Poste ni manĝos kukojn<sup>35</sup> kaj fruktojn.“ Kiam estas ĉio preta<sup>36</sup>, ili komencas manĝi. Unue ili manĝas supon. Maria ne ŝatas legoman supon, sed la patrino diras al ŝi: „Prenu almenaŭ<sup>37</sup> iom, por ke vi ne estu malsata!“ Ĉiuj manĝas kun granda apetito. Post la manĝo ili prenas ankoraŭ fruktojn kaj kukojn. La gepatroj trinkas tason da nigra kafo. Iom da tempo ili ankoraŭ sidas ĉirkaŭ la tablo kaj babilas pri diversaj<sup>38</sup> aferoj<sup>39</sup>. Estas bela vetero kaj tial ili iras al la ĝardeno. En la ĝardeno estas kelkaj benkoj, kie oni povas sidi, babili aŭ ripozi. Estas aŭtuno kaj en la ĝardeno maturiĝas diversaj fruktoj. Se iu volas manĝi pomojn, pirojn<sup>40</sup> aŭ prunojn<sup>41</sup>, li povas preni iom ajn el la ĝardenaj fruktoarboj.



### Memoru:

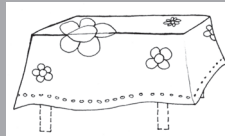
Mi havas nenion por manĝi. من هیچ چیزی برای خوردن ندارم.  
 Mi venis por vidi vin. من برای دیدن شما آمدم.  
 Ni lernas, por ke ni sciu. ما می‌آموزیم، برای اینکه بدانیم.  
 Diru al ŝi, ke ŝi eksidu. به او بگویید، که بنشیند.



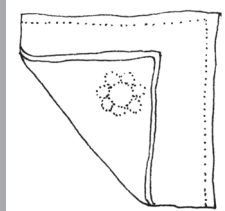
maldekstre

havas en la  
manoj kaj iras

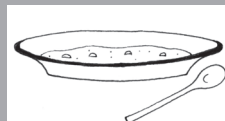
portas



tablotuko



buŝtuko



supo



legomoj



terpomoj



brasiko



viando

paĝo 75



kuko

jam estas,  
oni faris ĝin

preta

ne malpli ol

almenaŭ

multaj  
malsamaj,  
ĉiu estas alia

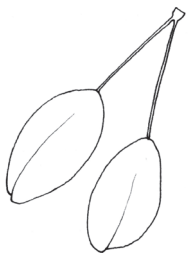
diversaj

tio, pri kio  
ni parolas

afero



piro



prunoj



## Respondu la demandojn:

Ĉu vi ŝatas legoman supon? Kion vi havis hieraŭ por la tagmanĝo? Por kio ni lernas? Por kio ni manĝas? Kion vi farus, se vi havus flugmaŝinon?

## GRAMATIKO

## دستور زبان

### Por ke ...-u

### Por ...-i

### Ke ...-u

Donu al mi plumon, **por ke** mi povu skribi. به من قلمی بدهید، برای اینکه بتوانم بنویسم. ما می‌آموزیم، برای اینکه بدانیم. Ni lernas, **por ke** ni sciu.

با عبارت **ke**+ فعل امری، هدف کار را بیان می‌کنیم: برای اینکه کسی کاری را انجام دهد (جمله پیرو علی).

Ni lernas, **por ke** ni sciu = ni lernas **por** scii. Ni ne vivas, **por ke** ni manĝu = ni ne vivas **por** manĝi.

در بعضی حالات دستوری اگر هر دو جمله پایه و پیرو یک نهاد مشترک، یعنی مسندالیه یا فاعل مشترک، داشته باشند می‌توانیم فرم **por ke** + فعل امر را ساده کنیم به: برای + مصدر.

*Por ke mi skribu = por skribi* برای اینکه من بنویسم = برای نوشتن.

مثال:

*Ni volas, ke vi laboru.* می‌خواهیم که تو کار کنی.

*Diru al li, ke li eksidu.* به او بگویند که بنشیند.

جملات معترضه آرزویی/دعایی را با موصول (که) + فعل امر نشان می‌دهیم. موصول (که) جایگزین جمله مستقیم می‌شود؛ به همین دلیل، در اسپرانتو فعل پایانه‌ی خود را که در جمله مستقیم داشت حفظ می‌کند. در فارسی تغییر کوچکی می‌بینیم: من می‌خواهم که تو کار کنی = کار کن (*Mi volas, ke vi laboru = Mi volas: "Vi laboru!"*)

### -US

Mi legus, se mi havus libron.

اگر کتابی می‌داشتم می‌خواندم.

Se mi estus sana, mi estus feliĉa.

اگر سالم می‌بودم خوشبخت می‌بودم.

در افعال شرطی از پایانه *-us* استفاده می‌کنیم.

### حالات صرفی فعل:

**Est** { مصدر (هست/بودن) **-i**  
ماضی / گذشته (بود) **-is**  
مضارع / حال (هست / است) **-as**  
مستقبل / آینده (خواهد بود) **-os**  
شرطی (اگر می‌بود) **-us**  
امری (باش) **-u**

### واژه‌نامه:

- ۱- برای، ۲- شخص، ۳- مهمان، ۴- برای دیدن تو، ۵- برای غذاخوردن، ۶- برای زندگی کردن، ۷- برای اینکه بتوانم، ۸- فهمیدن، ۹- که تو کار کنی، ۱۰- از میان / سراسر، ۱۱- تونل، ۱۲- داخل شدن، ۱۳- خارج شدن، ۱۴- سراسر خواندن، ۱۵- دور / اطراف، ۱۶- ضد، ۱۷- می‌خواندم (شرطی)، ۱۸- اگر، ۱۹- پول، ۲۰- غنی / ثروتمند، ۲۱- هواپیما، ۲۲- مزرعه/محوطه کمپ، ۲۳- همان، ۲۴- نهار، ۲۵- ظهر، ۲۶- به‌زودی، ۲۷- دست راست، ۲۸- آوردن برای، ۲۹- رومیزی، ۳۰- سوپ، ۳۱- سبزیجات، ۳۲- سیب‌زمینی، ۳۳- کلم، ۳۴- گوشت، ۳۵- شیرینی/بیسکویت، ۳۶- حاضر، آماده، ۳۷- حداقل، ۳۸- مختلف، ۳۹- قضیه، امر، موضوع، ۴۰- گلابی، ۴۱- آلو،

**-ono****1/2**duono<sup>1</sup>**1/3**

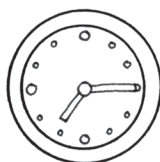
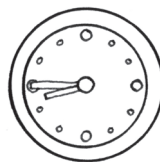
triono

**2/3**

du trionoj

**3/4**

tri kvaronoj

**Kioma horo estas?****07:15**Estas la sepa  
kaj kvarono.**08:45**Estas la oka  
kaj tri kvaronoj.**04:30**Estas la kvara  
kaj duono.

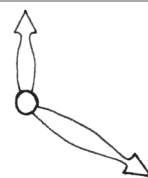
Kvar estas duono de ok. Du estas triono de ses. Kiom estas duono de dek du? Komenco bona, laboro duona. Kio estas duonhoro?

**HORLOĜO**

Kio estas horloĝo? – Horloĝo estas ilo por mezuri<sup>2</sup> la tempon. La horloĝo havas du montrilojn: longan kaj mallongan. La longa montrilo montras minutojn, la mallonga montras horojn. Kelkaj horloĝoj havas ankoraŭ unu montrilon, kiu montras sekundojn<sup>3</sup>. Estas ankaŭ elektraj<sup>4</sup> horloĝoj, kiuj ne havas montrilojn. Horloĝoj estas diversaj. Sur la turo<sup>5</sup> de preĝejo<sup>6</sup> estas turhorloĝo. Hejme ni havas grandan murhorloĝon. Sur la antaŭbrako<sup>7</sup> ni portas brakhorloĝon. Matene nin vekas vekhorloĝo. Ĉu vi scias, kio estas sunhorloĝo? Kian horloĝon vi havas? Kioman horon ĝi montras?

**Po**

La patrino donis al la infanoj **po**<sup>8</sup> du pomoj. (Ŝi donis al ĉiu infano du pomojn.) La homo havas sur ĉiu mano po kvin fingroj. Mi legas la libron po dek paĝoj ĉiutage. La gastoj



montriloj



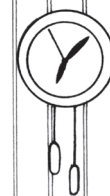
preĝejo



turo



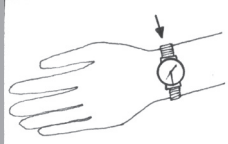
turhorloĝo



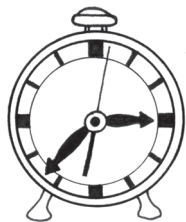
murhorloĝo



brako



brakhorloĝo



vektorloĝo

30 minutoj

duonhora

ekscii per ilo,  
kiom longa,  
alta... io estas

mezuri



po du



duopo (paro)

eltrinkis po du glasoj da vino<sup>9</sup>. La soldatoj staras po kvin en ĉiu vico<sup>10</sup>. En la klaso staras tri vicoj po du benkoj. Ni lernas ĉiutage po kvin horoj. Po kiom da horoj vi lernas?

**-opo**

Kio estas **duopo**<sup>11</sup>? – Duopo estas du homoj aŭ du objektoj kune. Duopo estas paro<sup>12</sup>. Kio estas triopo? – Triopo estas tri homoj aŭ tri objektoj kune. La lernantoj iras po du. Ili iras duope (en duopoj). La soldatoj iras kvarope (po kvar). En la parko promenis duopoj. Nia familio ĉiam vespermanĝas kvarope. Ni iris unuope (po unu).

**-ad-**

En la ĝardeno longe bojis hundo. Ni aŭskultis ĝian bojadon<sup>13</sup>. Antaŭhieraŭ mi ricevis leteron, hieraŭ mi ricevis leteron, hodiaŭ mi ricevis leteron... – ĉiutage mi ricevas leteron. De longa irado min doloras<sup>14</sup> la piedoj. Li longe legis. De longa legado lin doloras la okuloj. Ŝi ŝatas bicikladon kaj naĝadon. Ĉu la hodiaŭa instruado estis interesa?

**-obl-**

$$2 \times 3 = 6$$

**Duoble**<sup>15</sup> tri estas ses.

Duoble kvar estas ok. Trioble kvin estas dek kvin. En nia lernejo estas duoble pli da lernantoj ol en via lernejo. Hodiaŭ mi faris duoblan laboron. Ni havas kelkoble pli da mono ol vi. Kiu donas rapide, donas duoble. Kiom estas 3 x 3, 4 x 3, 4 x 4, 2 x 6?

**-foje**



Unufoje<sup>16</sup>



Dufoje

Kiomfoje? – Unufoje, dufoje, trifoje, kvarfoje, ... multfoje.



Oni povas morti<sup>17</sup> nur unufoje. Dufoje mezuru, unufoje tonda! Mi trifoje kisis mian patrinon. Ĉiufoje, kiam mi estis ĉe vi, vi ne estis hejme. Venu alian fojon! Faru tion ankoraŭfoje! Mi jam dufoje diris al vi, ke vi devas pli bone lerni. Kelkfoje mi vidis tiun homon. Vivis foje reĝo<sup>18</sup> kaj li havis tri filojn.

## EKSKURSO<sup>19</sup> AL LA NATURO<sup>20</sup>

Foje diris la instruistino al la lernantoj: „Hodiaŭ ni faros ekskurson al la naturo!“ Ĉiuj infanoj ĝojis<sup>21</sup>: estas bela vetero kaj estas pli agrable<sup>22</sup> ekskursi, ol sidi en la klaso.

Kiam ili eliris el la lernejo, estis la oka horo kaj duono. La unua iris la instruistino. La lernantoj iris duope post ŝi. Unue ili ĉirkaŭiris<sup>23</sup> malgrandan arbaron, kiu estas apud la lernejo. Poste ili iris tra la kampoj kaj haltis<sup>24</sup> ĉe malgranda rivero<sup>25</sup>.

„Ĉu vi scias, kie ni estas?“ – demandis la instruistino.

„Jes, en la naturo“ – respondis iu lernanto. – „Kaj ĉu vi scias, kio estas la naturo?“ – „La naturo estas ĉio ĉirkaŭ ni, kion ne faris la homo: akvo, aero<sup>26</sup>, tero<sup>27</sup>, plantoj<sup>28</sup> kaj animaloj<sup>29</sup>...“ – respondis alia lernanto. – „Jes, bonege!“ – diris la instruistino. „La naturo estas belega kaj ni ne povus vivi sen ĝi.“

Estas bela printempa tago. La suno brilas kaj blovas<sup>30</sup> varmeta vento<sup>31</sup>. La infanoj kuras sur la herbejo<sup>32</sup> kaj kolektas<sup>33</sup> florojn.

## ANEKDOTO

La lernantoj lernas pri la sezonoj. La instruistino demandas knabon en la unua benko:

„Ĉu vi scias, kiam oni kolektas fruktojn?“ – „Kiam en la ĝardeno ne estas hundo“, respondis la lernanto.



### MEMORU!

**-ON-**

5 estas duono de 10  
10 estas dekono de 100  
3 estas triono de 9

**-OBL-**

10 estas duoblo de 5  
100 estas dekoblo de 10  
9 estas trioblo de 3

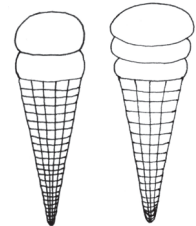
**ofte aŭ longe**

**...-i**

**-adi**



**doloras**



**duobla, triobla**

**fini la vivon**

**morti**



**reĝo**

**longa  
promeno**

**ekskurso**

**ĉio ĉirkaŭ ni**

**naturo**

**esti feliĉa**

**ĝoji**

**bona por ni**

**agrabla**

**paĝo 79**



fini iri

halti



rivero

birdoj flugas  
en ĝi

aero

ni iras sur ĝi

tero



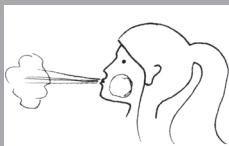
herbo

arboj, floroj  
kaj herboj

plantoj

bestoj  
kaj homoj

animaloj



blovas



vento



kolekti

paĝo 80



## Memoru:

Ni iris unuope. Ma iĉk (یکی یکی) رفتیم. دوباره (هنوز هم، هم چنان) انجام بده. Faru tion ankoraŭfoje.



## Respondu:

Kion diris foje la instruistino al la lernantoj? Kiam ili eliris el la lernejo? Kion ili ĉirkaŭiris? Kie ili poste haltis? Kio estas naturo? Kio estas horloĝo? Kiajn montrilojn havas horloĝo? Kiajn horloĝojn vi konas? Ĉu la lernantoj en via klaso sidas unuope? Ĉu vi ofte ricevadas leterojn? Ĉu vi legis iun libron dufoje? Kiom estas trioble kvar? Kioma horo estas nun?

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**-ono**

Duono, triono, kvarono.... یک دوم (نصف)، یک سوم (ثلث)، یک چهارم.... با پسوند -ono کسر می‌سازیم.

**-opo**

Duopo, triopo, kvaropo.... دوتایی، سه‌تایی، چهارتایی... با پسوند -opo عدد ترتیبی گروهی می‌سازیم مثل دوه‌دو (دوتا دوتا، در دسته‌های دوتایی) و سه‌سه و چهاربه‌چهار.

**-obl-**

Duoble kvar estas ok. دو برابر چهار می‌شود هشت. سه‌برابر - Trioble - دو برابر - Duoble با پسوند -obl- ضرب را نشان می‌دهیم مثل: دو ضربدر چهار می‌شود هشت.

**-ad-**

Legadi مداوم مطالعه iradi رفتن مداوم skribadi مدام نوشتن با پسوند -ad- تداوم یا استمرار عمل را نشان می‌دهد.

## واژه‌نامه:

- ۱- نیم نصف، ۲- اندازه گرفتن، ۳- ثانیه، ۴- برقی الکتریکی، ۵- برج، ۶- عبادتگاه کلیسا، ۷- بازو، ۸- توضیح در پایین، ۹- شراب، ۱۰- صف نوبت، ۱۱- دونفره، ۱۲- جفت، ۱۳- واق
- واق مدام سگ، ۱۴- درد کردن، ۱۵- دوبرابر، مضاعف، ۱۶- یکپاره، ۱۷- مردن، ۱۸- شاه،
- ۱۹- گردش و تفریح، ۲۰- طبیعت، ۲۱- لذت بردن، ۲۲- دلچسب مطبوع، ۲۳- دور زدن،
- ۲۴- توقف کردن، ۲۵- رود، ۲۶- هوا، ۲۷- زمین، ۲۸- گیاه، ۲۹- حیوان، ۳۰- وزیدن، ۳۱- باد،
- ۳۲- چمن زار، ۳۳- جمع کردن.

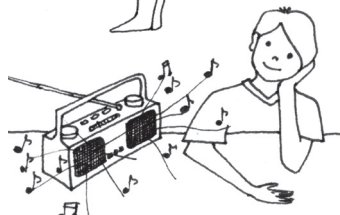
\*این حرف برای نشان دادن سهم بتناظر است مثال: به هریک ۵ دلار داد

**Rigardi – Vidi**

Maria rigardas  
el la fenestro  
kaj vidas hundon.

**Aŭskulti – Aŭdi**

Peter aŭskultas radioaparaton<sup>1</sup>  
kaj aŭdas<sup>2</sup> muzikon<sup>3</sup>.

**Paroli – Diri**

Tiu viro parolas, sed ni ne  
komprenas lin. Ni ne scias,  
kion li diras, ĉar li  
ne parolas Esperante.

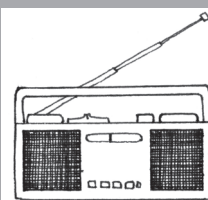


Mi rigardas, sed mi vidas nenion. Rigardu: ĉu vi vidas tiun birdon? Mi aŭskultas, sed mi aŭdas nenion. Mi aŭdis bonan anekdoton: aŭskultu, mi diros ĝin al vi. Tiu virino multe parolis, sed malmulte diris.

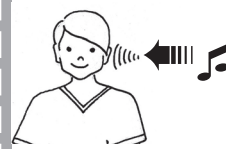
**Rigardi = voli vidi. Aŭskulti = voli aŭdi. Paroli = voli diri.**

**-aĵo**

Aĵo<sup>4</sup> estas objekto aŭ afero. Skribaĵo estas tio, kion mi (aŭ iu alia) skribis. Legaĵo estas tio, kion ni povas legi. Novaĵo estas io nova, pri kio ni ankoraŭ ne aŭdis. Trinkaĵo estas tio, kion ni povas trinki. Akvo, limonado, kafo, biero, vino kaj lakto estas trinkaĵoj. Biero kaj vino estas alkoholaĵoj. Kio estas manĝaĵo? – Ĉio, kion ni povas manĝi. Ĉokolado, bombono<sup>5</sup>, kuko kaj sukero<sup>6</sup> estas dolĉaj<sup>7</sup> – ili estas dolĉaĵoj (sukeraĵoj). Infanoj ŝatas dolĉaĵojn. Kio estas ĉirkaŭaĵo, azenaĵo, bovaĵo, malagrablaĵo?



radioaparato



aŭdas



muziko

objekto  
aŭ afero

aĵo

io nova

novaĵo

io por trinki

trinkaĵo



sukero

bona kiel  
sukero

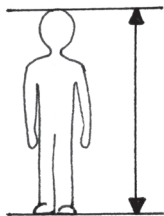
dolĉa

io dolĉa

dolĉaĵo

kial?

pro kio?



alteco

riĉa homo

riĉulo

tiu, kiu  
multe scias

saĝa

malsaĝa

stulta

ie  
malproksime

for

per la nazo  
ni spiras

spiri

sen tio, plie

krom

nur unu,  
sen aliaj

sola

devas havi

bezonas

ankaŭ ne

nek

ne tute,  
sed mankas  
malmulte

preskaŭ

## Pro

**Pro**<sup>8</sup> kio ŝi ploras? Ŝi ploras, ĉar ŝi estas malfeliĉa. Pro kio vi venis? Pro tio, ĉar mi volis vidi vin. Pro unu arbo li arbaron ne vidas. Pro kio vi ridas? Pro tio, ĉar mi aŭdis bonan anekdoton. Li amas tiun knabinon pro tio, ke ŝi estas bona kaj bela.

**PRO KIO = KIAL    PRO TIO = TIAL**

## -eco

**Eco**<sup>9</sup> de bona homo estas boneco. Eco estas kvalito de io. Mi amas vin pro via beleco (via eco estas, ke vi estas bela). Kian altecon vi havas? En unueco estas forto. Vivu<sup>10</sup> la amikeco! Inter infaneco kaj matureco estas juneco. Mi ŝatas belecon kaj purecon. Ecoj: bona, bela, alta, granda, agrabla...

## -ulo

**Bonulo**<sup>11</sup> estas bona homo. Riĉulo estas riĉa homo, kiu havas multe da mono. Malriĉulo havas malmulte da mono. Homo, kiu havas altan aĝon, estas altaĝulo (maljunulo). Malsana homo estas malsanulo. Bela knabino estas belulino. Ĉu vi scias, kio estas malsanulejo<sup>12</sup>? Karulo estas homo, kiun ni amas kaj kiu estas al ni kara. Saĝa<sup>13</sup> homo (kiu multe scias) estas saĝulo kaj malsaĝa (stulta) homo estas malsaĝulo (stultulo). Homoj, kiuj estas kun ni, estas niaj kunuloj kaj homoj, kiuj estas kontraŭ ni, estas niaj kontraŭuloj.

## For

Estas **for**<sup>14</sup> = estas ie malproksime, ne ĉi tie.  
Iru for = iru de ĉi tie, sur alian lokon.

Mi ne loĝas kun miaj gepatroj: mi loĝas for de miaj gepatroj. Miaj geamikoj jam iris for. Ili jam foriris. La vagonaro forveturis antaŭ kvin minutoj. Kiu hodiaŭ forestas? For de la okuloj, for de la koro.







## LA VIVO DE LA HOMO

Ĉiu homo devas manĝi, trinki kaj spiri<sup>15</sup>. Krom<sup>16</sup> tio la homo devas labori, ripozi kaj dormi. La homo ne povas vivi sola<sup>17</sup>. Li bezonas<sup>18</sup> amikojn, kiuj komprenas kaj amas lin.

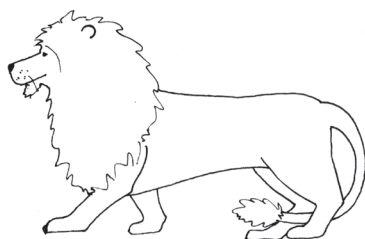
Kiam Peter naskiĝis, li estis tute malgranda. Li trinkis nur la patrinan lakton. Li ne sciis paroli, nek<sup>19</sup> iri. Preskaŭ<sup>20</sup> ĉiam li dormis. Li suĉis<sup>21</sup> la patrinan lakton: li estis suĉinfano<sup>22</sup> (bebo). Sed la tempo pasis<sup>23</sup> kaj Peter kreskis<sup>24</sup>. Li lernis manĝi, iri kaj paroli. Kiam li estis trijara, li jam kuradis tra la loĝejo, mem<sup>25</sup> vestadis sin kaj komencis vizitadi<sup>26</sup> infanĝardenon<sup>27</sup>. Tie li ludadis kun aliaj infanoj kaj ĝojis, ke li baldaŭ fariĝos lernanto.

Forpasis<sup>28</sup> kelkaj jaroj kaj Peter estas lernanto. Nun li jam vizitadas la 7-an klason. Ĉiutage li lernas pri interesaj aferoj. Peter baldaŭ finos la lernejon kaj fariĝos studento<sup>29</sup>. Lia infaneco estos for. Li estos junulo (fraŭlo<sup>30</sup>) kaj poste matura homo. Li eble edziĝos<sup>31</sup> kaj havos proprajn<sup>32</sup> infanojn, pri kiuj li zorgos<sup>33</sup>, kiel nun zorgas pri li liaj gepatroj.

## PROVERBOJ

Malbona novaĵo rapide kuras. Saĝulo scias ion, sed neniu scias ĉion. Riĉulo veturas, malriĉulo kuras. Juneco ne scias – maljuneco ne povas. For de la okuloj – for de la koro<sup>34</sup>. Dum la manĝado venas apetito. Pli bona estas saĝa malamiko, ol malsaĝa amiko. Pli bone zorgas unu patrino pri dek infanoj, ol dek infanoj pri unu patrino.

## EN ZOOLOGIA<sup>35</sup> ĜARDENO (ZOO)



Kion dirus ĉi tiu tigo, se ĝi sciis paroli?

– Antaŭ ĉio ĝi dirus, ke ĝi ne estas tigo, sed – leono<sup>36</sup>.

trinki lakton  
de la patrino

suĉi



suĉinfano  
(bebo)

ĉiam iri

pasi

grandiĝi

kreski

nur li sola

mem

iri en  
iun lokon

viziti

lernejo por  
malgrandaj  
infanoj

infanĝardeno

juna viro

junulo

la patro estas  
la edzo de la  
patrino

edzo

nur mia  
(lia, ŝia...)

propra

paĝo 83



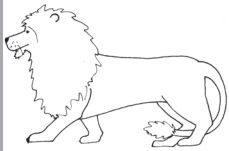


labori ĉirkaŭ  
infano

zorgi



koro



leono



### Memoru:

Ŝi ne venis pro malbona vetero.

او به خاطر / به سبب هوای بد نیامد.

Tio estas floroj por vi. آن گل‌ها برای شماست.

واژگ *pro* سبب را نشان میدهد و *por* هدف را.



### Respondu kaj la respondojn skribu:

Kio estas: skribaĵo, legaĵo, novaĵo, trinkaĵo, ĉirkaŭaĵo, stultaĵo? Kian altecon vi havas? Kio estas inter infaneco kaj matureco? Kio estas: bonulo, belulino, malsanulo, malsanulejo?



### Rakontu anekdoton en Esperanto!

### Diru kelkajn proverbojn!

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**-aĵo**

Novaja اخبار

trinkaĵo نوشیدنی

dolĉaĵo شیرینی

با پسوند **-aĵo** از کلمات دیگر اسم (اسم ذات) ساخته می‌شود.

**-eco**

Beleco زیبایی

boneco خوبی

juneco جوانی

با پسوند **-eco** کیفیت و خصوصیت نشان داده می‌شود (اسم معنی ساخته می‌شود).

**-ulo**

Riĉulo ثروتمند

karulo شخص عزیز

saĝulo شخص باهوش

پسوند **-ulo** شخص را نشان میدهد با صفت مذکور در ریشه کلمه.

### واژه‌نامه:

- ۱- رادیو، ۲- شنیدن، ۳- موسیقی، ۴- چیز، ۵- بن بن آبنا، ۶- شکر، ۷- شیرین، ۸- به سبب، ۹- صفت خاصیت، ۱۰- زنده باد، ۱۱- نیکوکار، ۱۲- بیمارستان، ۱۳- عاقل، ۱۴- دور، ۱۵- نفس کشیدن، ۱۶- علاوه بر، ۱۷- تنها، ۱۸- نیاز داشتن، ۱۹- نه...نه...، ۲۰- تقریباً، ۲۱- مکیدن، ۲۲- کودک شیرخواره، ۲۳- گذشتن، ۲۴- رشد کردن، ۲۵- خود، ۲۶- دیدار کردن، ۲۷- مهدکودک، ۲۸- درگذشتن، ۲۹- دانشجو، ۳۰- عزب، ۳۱- ازدواج کردن، ۳۲- شخصی، ۳۳- مراقبت، ۳۴- قلب، دل، ۳۵- حیوان شناختی، ۳۶- شیر(حیوان).



**Kvankam****Tamen**

Kvankam<sup>1</sup> brilis la suno, tamen<sup>2</sup> estis malvarme.  
 (Ankaŭ se brilis la suno, kontraŭ tio estis malvarme.)  
 Kvankam li estas riĉa, tamen li ne estas feliĉa.  
 Kvankam mi aŭskultas, tamen mi nenion aŭdas: estas  
 silento<sup>3</sup>. Kvankam mi rigardas, tamen mi nenion vidas: estas  
 mallumo. Kvankam li estas juna, tamen li estas saĝa.

**-em-**

Estas **ema**<sup>4</sup> (**emas**) = ŝatas, volas ion fari.

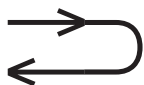
Labore**ma** homo ŝatas kaj volas labori. Tiu, kiu timas<sup>5</sup>, estas  
 timema. Ĉu vi estas dormema? – Ne, mi dormis sufiĉe<sup>6</sup>!  
 Infanoj ŝatas ludi. Ili estas ludemaj. Ĉu vi estas ŝparema<sup>7</sup>?

**-ebl-**

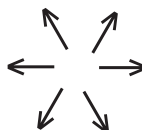
**Eble**<sup>8</sup> = povas esti, ke jes, aŭ ne.

Estas ...**ebla** = oni povas ĝin ...-i.

Videbla estas tio, kion ni povas vidi. Aŭdebla estas tio, kion  
 ni povas aŭdi. Tiu letero ne estas legebla. Ĉu tiu akvo estas  
 trinkebla? Mi ne kredas<sup>9</sup>, ĉar tio estas nekredebla. Tio ne  
 estas ebla (tio ne povas esti). Eble mi venos, ankoraŭ mi  
 ne scias. Tra fenestro ni vidas, ĉar vitro<sup>10</sup> estas travidebla.

**Re-**

**Refoje**<sup>11</sup> = ankoraŭfoje,  
 denove. Reskribi = skribi  
 ankoraŭfoje, la duan fojon.  
 Reveni = veni al la sama  
 loko, kie ni estis. Ĝis revido!  
 Kiam vi revenos? Kiam vi  
 redonos al mi la libron,  
 kiun mi pruntis<sup>12</sup> al vi?

**Dis-**

**Disiri**<sup>13</sup> = iri al diversaj  
 lokoj. Disdoni = doni al  
 diversaj homoj. Disdonu la  
 librojn! La birdoj disflugis.  
 Distranĉu la kukon!  
 Leterportisto disportas  
 leterojn kaj bildkartojn.  
 Peter disdonis bombonojn.

ankaŭ se

kvankam

kontraŭ tio

tamen

kiu ŝatas  
labori

laborema

pensi, ke  
estos malbone

timi



dormema

tiom, kiom  
ni bezonas

sufiĉe

kolekti monon

ŝpari

tio, kion ni  
povas vidi

videbla

povas esti  
ke jes

eble

el ĝi estas  
glaso, botelo  
kaj fenestro

vitro

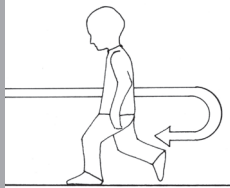
ankoraŭfoje, la  
duan fojon

refoje



**doni por  
ia tempo**

**prunti**



**reveni**

**iri al  
diversaj lokoj**

**disiri**

**ricevi kontraŭ  
mono**

**aĉeti**

**doni kontraŭ  
mono**

**vendi**

**loko, kie ni  
povas aĉeti**

**vendejo**

**granda  
vendejo**

**magazeno**

**veni unu  
al la alia**

**renkonti**

**tial, sekve**

**do**



**korbo**

## EN LA MAGAZENO<sup>14</sup>

Hodiaŭ matene diris al mi la patrino: „Mi petas, iru en la magazeno kaj aĉetu<sup>15</sup> kelkajn manĝaĵojn! Aĉetu du litrojn da lakto, buteron, panon kaj fruktojn!“ Antaŭ la domo mi renkontis<sup>16</sup> mian amikon, Roberton. Ankaŭ li iris al la sama magazeno, do<sup>17</sup> ni iris kune. En la magazeno mi prenis aĉetkorbon<sup>18</sup> kaj serĉis tion, kion la patrino deziras. Baldaŭ mi trovis<sup>19</sup> ĉion. Mi rememoris<sup>20</sup>, ke ni hejme ne havas sukeron, do mi aĉetis ankaŭ ĝin. Poste mi helpis al Robert serĉi<sup>21</sup> tion, kion li volis aĉeti: fromaĝon, nigran kafon, limonadon kaj botelon da biero por la patro. Longe ni serĉis fruktojn, sed ni ne povis trovi ilin. Tial ni demandis la vendistinon<sup>22</sup>: „Kie troviĝas la fruktoj?“ – „Fruktoj ne estas aĉeteblaj en ĉi tiu magazeno“, respondis la vendistino. „Vi devas viziti la apudan vendejon“. Ni do pagis<sup>23</sup> kaj ambaŭ<sup>24</sup> iris al la fruktovendejo. – „Kiom kostas<sup>25</sup> ĉi tiuj pomoj?“ – mi demandis kaj montris per la fingro al belaj ruĝaj pomoj. „Unu kilogramo kostas dudek kronojn<sup>26</sup>“, afable<sup>27</sup> respondis la vendistino. Ni ambaŭ aĉetis po du kilogramoj da pomoj. Poste ni revenis hejmen. Antaŭ nia domo ni disiris, ĉar Robert loĝas en alia domo. „Vi forgesis<sup>28</sup> diri al mi, ke mi aĉetu ankaŭ sukeron“, mi diris al la patrino, kiam ŝi malfermis la pordon. „Jes, mi tute forgesis pri tio. Bone, ke vi rememoris“, ŝi respondis.

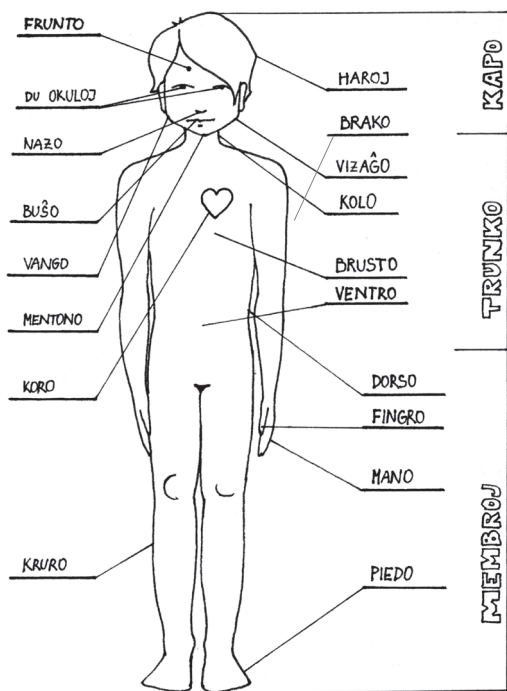
## LA HOMA KORPO

Hodiaŭ ni lernis pri la homa korpo. La instruistino desegnis<sup>29</sup> sur la tabulo bildon de la homa korpo kaj diris:

„La homa korpo havas tri ĉefajn<sup>30</sup> partojn<sup>31</sup>: kapon, trunkon<sup>32</sup> kaj membrojn<sup>33</sup>. Sur la kapo estas haroj kaj vizaĝo<sup>34</sup>. Sur la vizaĝo troviĝas frunto<sup>35</sup>, du okuloj, du oreloj, nazo, buŝo, du vangoj<sup>36</sup> kaj mentono<sup>37</sup>. En la buŝo estas dentoj kaj lango<sup>38</sup>. Inter la kapo kaj la trunko estas kolo. Sur la trunko estas brusto<sup>39</sup>, ventro<sup>40</sup> kaj dorso<sup>41</sup>. En la maldekstra flanko<sup>42</sup> de la brusto estas koro. La homo havas kvar membrojn: du brakojn kaj du kruojn<sup>43</sup>. La brako finiĝas per mano kaj la kruo finiĝas per piedo. Sur la manoj kaj sur la piedoj estas po kvin fingroj.

Poste la instruistino demandis: „Ĉu vi scias, kion ni faras per la unuopaj korpo-partoj?“ – La infanoj respondis unu post la alia: „Per la kapo ni pensas.“ „Per la okuloj ni rigardas.“ „Per





la oreloj ni aŭskultas.“ „Per la buŝo ni manĝas, parolas kaj kantas<sup>44</sup>.“ „Per la nazo ni spiras.“ „Per la kruroj ni iras, kuras, dancas kaj – ludas futbalon.“ „Per la fingro ni montras kaj per la koro ni amas...“ – „Kaj kion ni faras per la kolo?“ demandis la instruistino. „La kolon ni devas ĉiuvespere lavi“, respondis iu knabo.

### Memoru:



Infanoj estas ludemaj. بچه‌ها بازیگوش‌اند.

La vitro estas travidebla. شیشه شفاف (تراشما/تراپیدا) است.

Iru reen! برگرد!

Eble. شاید، احتمالاً.

Kiam vi revenos? کی برمیگردی؟



### Respondu:

Ĉu la koro estas aŭdebla? Ĉu katidoj estas ludemaj?

Ĉu vi ofte aĉetas? Kio estas aĉetebla en magazeno?

Kiom kostas unu kilogramo da sukero? Ĉu ĉiuj vendistinoj estas afablaj? Per kiu mano vi skribas?



**Desegnu** sur la tabulon la homan korpon kaj skribu al la unuopaj korpopartoj, kiel ili nomiĝas.

ekvidi, ekhavi

trovi

voli trovi

serĉi

ankoraŭ scii,  
havi en la kapo

memori

trovi en la  
memoro

rememori

esti en iu loko

troviĝi

doni monon

pagi

ĉiuj du kune

ambaŭ

esti aĉetebla je  
... kronoj

kosti

slovaka mono

krono

per belaj vor-  
toj, kun rideto

afable

skribi bildon

desegni

supera

ĉefa

la tuto estas  
el partoj

parto

kruroj kaj  
brakoj; ano

membroj





## GRAMATIKO

## دستور زبان

**-em-**

Laborema دوستدار کار      dormema خواب‌آلود  
timema ترسو      ŝparema حریص

پسونده **-em-** نشان می‌دهد که به چیزی تمایل و گرایش نسبتاً زیادی داریم.

**-ebl-**

Videbla مرئی، قابل دیدن      manĝebla قابل خوردن  
legebla قابل مطالعه      travidebla (از ورای آن قابل دیدن)  
nekredebla غیر قابل باور

پسونده **-ebl-** نشان از قابلیت و امکان داشتن یا مناسب بودن می‌دهد.

**Re-**

Reskribi بازنویسی      rememori تذکر، یادآوری  
reveni بازگشت      redoni برگرداندن      reen دوباره

پسونده **re-** دو حالت: الف- تکرار را و ب- تعکس و برگشت کار را نشان می‌دهد.

### واژه‌نامه:

۱- علی‌رغم، ۲- با این وجود، ۳- سکوت، ۴- مایل، ۵- ترسیدن، ۶- بس، کافی، ۷- قانع، صرفه‌جو، ۸- شاید، ۹- باور داشتن، ۱۰- شیشه، ۱۱- دوباره، ۱۲- قرض کردن، ۱۳- جدا شدن، ۱۴- مغازه، ۱۵- خریدن، ۱۶- برخوردن، ملاقات، ۱۷- پس، خب، ۱۸- سید خرید، ۱۹- یافتن، ۲۰- بخاطر آوردن، ۲۱- جستن، ۲۲- فروشنده، ۲۳- پرداختن، ۲۴- هردو، ۲۵- ارزییدن، ۲۶- کرون (واحد پول)، ۲۷- لطفاً، بامهر، ۲۸- فراموش کردن، ۲۹- طراحی کردن، ۳۰- اصلی، ۳۱- بخشی، قسمتی، ۳۲- تنه، تن، بدن، ۳۳- عضو، ۳۴- چهره، ۳۵- پیشانی، ۳۶- گونه، ۳۷- چانه، ۳۸- زبان، ۳۹- سینه، ۴۰- شکم، ۴۱- پشت، ۴۲- پهلو، ۴۳- ساق، ۴۴- آواز خواندن.



**-ant-****-at-**

Peter estas lernanto.

Li sidas kaj lernas.

**Kia** estas Peter?– Sidanta<sup>1</sup> kaj lernanta.**Kiel** lernas Peter?Li lernas sidante<sup>2</sup>.

Maria sidas kaj legas.

Antaŭ ŝi estas libro.

**Kia** estas Maria?

– Sidanta kaj leganta.

**Kia** estas la libro?La libro estas legata<sup>3</sup>.

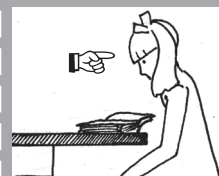
Skribanto estas tiu, kiu skribas. Leganta homo (leganto) estas tiu, kiu legas. En la rivero fluas<sup>4</sup> akvo. La akvo estas fluanta. Fluanta akvo estas pli pura ol akvo staranta. Mi manĝas pomon: mi estas manĝanta kaj la pomo estas manĝata. La patrino lavas infanon; ŝi estas lavanta kaj la infano estas lavata. Trinkante kafon mi legis gazeton. Tio estas mia ŝatata manĝaĵo. Tiun homon mi konas, li estas mia konato<sup>5</sup>.

**Bo-**

Mia frato Daniel edziĝis. Lia edzino havas patron kaj fraton. Ŝia patro nun estas la bopatro<sup>6</sup> de Daniel kaj ŝia frato estas lia bofrato. Ĉu via patro amas sian bopatrino? Bofilo estas edzo de la filino. Daniel nun estas bofilo de sia bopatro.

**-estr-**

Estro<sup>7</sup> estas ĉefo aŭ direktoro. Ĉefo de urbo estas urbestro. Ĉefo de stacio<sup>8</sup> estas staciestro. Direktoro de lernejo estas lernejestro. Sur ĉiu ŝipo<sup>9</sup> estas ŝipestro. Kio estas hotelestro, vendejestro, ŝtatestro, estraro?



leganta



legata



fluas

memoras  
la vizaĝon

konas

patro de la  
edzo/edzino

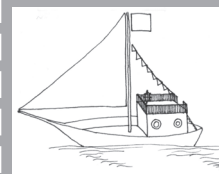
bopatro

haltejo de  
vagonaro

stacio

ĉefo,  
direktoro

estro



ŝipo

urbeto,  
kelkaj domoj

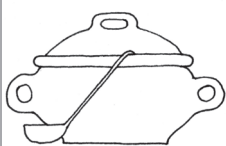
vilaĝo

doni ion  
sur iun lokon

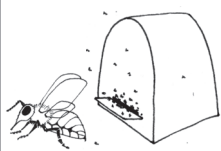
meti



sukerujo



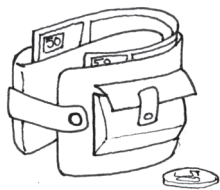
supujo



abelo, abelujo



salujo



monujo

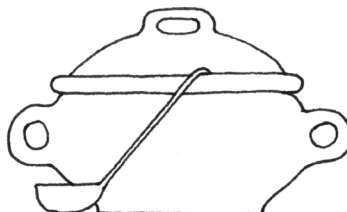
homo el la  
sama familio

parencio

**-ujo**



La sukero estas en  
sukerujo<sup>10</sup>.



La supo estas en  
supujo.



La patrino metis<sup>11</sup> sur la tablon supujon,  
sukerujon kaj salujon<sup>12</sup>. Abeloj<sup>13</sup> vivas en  
abelujoj. Ĉu vi ne vidis mian monujon?



- „Panjo, aĉetu por mi monujon!“
- „Aĉetu ĝin mem!“
- „Sed mi ne havas monon!“
- „Do vi ne bezonas monujon!“

## LA PARENCOJ<sup>14</sup>

Ankoraŭ vi ne konas ĉiujn membrojn de nia familio. Vi jam konas miajn gepatrojn kaj geavojn. Sed nia familio havas ankoraŭ aliajn membrojn: la parencojn.

Frato de mia patrino estas mia onklo<sup>15</sup>. Li estas bofrato de mia patro. Mia onklo estas staciestro. La avo estas la patro de mia patro. Li estas la bopatro de mia patrino. Mi estas lia nepo<sup>16</sup>. La patrino estas bofilino de mia avo. Filo de mia onklo estas mia kuzo<sup>17</sup>.

La onklo kaj la kuzo ofte vizitas nin. Dum<sup>18</sup> la onklo babilas kun la gepatroj, la kuzo Robert ĉiam ludas kun mi. Fratino de mia patro estas mia onklino. Ŝi estas vidvino<sup>19</sup>. Antaŭ du jaroj mortis ŝia edzo kaj ŝi restis sola. Frato de mia patro, la onklo Martin, ankoraŭ ne havas edzinon. Li estas fraŭlo, sed li havas fianĉinon<sup>20</sup> kaj baldaŭ edziĝos.

## PROVERBOJ

Ne ĉio brilanta estas diamanto. Dormantan hundon ne veku! Li estas preskaŭ mia frato: nepo de onklo de konato. En abelujon ne blovu! Eliris ridante, revenos plorante. Forveturis azenido, revenis azeno.





## EN LA VILAĜO<sup>21</sup>

Finiĝas la semajno kaj antaŭ ni estas semajnofino<sup>22</sup>. Peter kaj Maria decidis<sup>23</sup> viziti siajn geavojn. Ili vivas en vilaĝo. La vilaĝo ne estas granda. Ĝi havas nur kelkajn stratojn.

La geavoj loĝas en simpla<sup>24</sup> dometo ĉe la fino de la vilaĝo. Antaŭ la domo estas ĝardeneto, plena de diversaj floroj. Sub la fenestroj estas benko. En la korto estas porkejo kun du porkoj. En la stalo<sup>25</sup> estas bovino. Ĉiutage ĝi donas al la geavoj freŝan<sup>26</sup> lakton. Malantaŭ la domo estas kamparo kaj arbaro.

Estas printempa mateno. La suno brilas pli kaj pli varme. La neĝo<sup>27</sup> malaperas<sup>28</sup> de sur la montoj. Sur la kampoj laboras maŝinoj. Maria kaj Peter iras tra la vilaĝo kaj ĝojas, ke ili baldaŭ revidos la geavojn. – Jen<sup>29</sup>, tie ili sidas, antaŭ la dometo!

„Bonan matenon“, krias<sup>30</sup> la infanoj. „Bonan matenon, gekaruloj“, respondas la geavoj. „Ni havas por vi novaĵon: hodiaŭ nokte naskiĝis al nia bovino malgranda bovido!“ La infanoj kuras al la stalo. „Kia ĝojo! Kia ĝojo!“ Ili karesas<sup>31</sup> la bovidon kaj estas feliĉaj. Maria ne komprenas: la bovido naskiĝis nur antaŭ kelkaj horoj kaj jam ĝi staras.

Dum Maria ludas kun la bovido, Petro iras al la rivereto, kiu fluas malantaŭ la domo. Antaŭ unu jaro li tie kaptis<sup>32</sup> fiŝojn<sup>33</sup> kun siaj amikoj el la vilaĝo. Sed nun ĉe la rivereto estas neniu, ĉiuj estas for.

„Maria, ĉu vi volas helpi al ni?“, demandas la avino. „Estas sabato kaj ni havas multe da laboro“. „Jes, ni ambaŭ helpos“, respondas Maria. Ĉiuj eklaboras. La avino kaj Maria faras ordon<sup>34</sup> en la kuirejo. Peter portas akvon al la ĝardeno. Poste ili helpas al la avo purigi la stalon.

Post la tagmanĝo la infanoj iris al la proksima arbaro. Babilante ili kolektis fungojn<sup>35</sup> kaj florojn. Hejmen ili revenis lacaj, sed feliĉaj. Sur la ĉielo<sup>36</sup> jam brilis la steloj<sup>37</sup> kaj la luno<sup>38</sup>. En la kuirejo atendis<sup>39</sup> ilin bona vespermanĝo. Maria kaj Peter ŝatas la vivon en la vilaĝo. Ĝi estas tute alia ol la vivo en la urbo.

**frato de la  
patro/patrino**

onklo

**filo de la filo  
aŭ de la filino**

nepo

**la edzino  
de la filo**

bofilino

**filo de  
la onklo**

kuzo

**en la  
tempo de**

dum

**virino, al kiu  
mortis la edzo**

vidvino

**baldaŭ  
edzino**

fianĉino

**sabato kaj  
dimanĉo**

semajnofino

**pensi kaj diri:  
„tion ni faros“**

decidi

**normala, ne  
komplika**

simpla

**domo de  
bovinoj  
aŭ ĉevaloj**

stalo

**nova, bona**

freŝa



blanka tero  
en vitro

neĝo

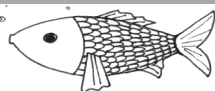
montri sin,  
fariĝi videbla  
aperi

rigardu, tie!  
jen!

forte paroli  
krii

kun amo meti  
la manon  
karesi

rapide preni  
kapti



fiŝo

ĉio pura kaj  
sur sia loko  
ordo



fungo

„plafono“  
super la tero

ĉielo



steloj



luno



## Memoru:

Mi estas leganta kaj la libro estas legata.

من در حال خواندنم و کتاب در حال خوانده شدن است.

Irante li fajfis. = او میرفت و سوت میزد.



## Respondu:

Kie vivas la geavoj de Peter kaj Maria? Kia estas la vilaĝo? Kiujn bestojn havas la geavoj? Kion faris la infanoj ĉe la geavoj? Kio estas skribanto, leganto, manĝanto, ŝatata manĝaĵo? Ĉu la ĉevaloj dormas kuŝante? Kies frato estas via onklo? Kies filino estas via kuzino? Ĉu vi havas bopatrinojn?

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**-ant-** Leganta در حال خواندن sidanta در حال خوردن manganta در حال نشستن

پسوند **-ant-** صفت فاعلی زمان حال را نشان می‌دهد.

Lernanto شاگرد leganto مطالعه‌کننده  
با قرار دادن پسوند **-o** بعد از علامت فاعلی **-ant-** اسم فاعلی زمان حال ساخته می‌شود.

Lernante در حین یادگیری sidante در حین نشستن  
و برای ساختن قید فاعلی زمان حال، پسوند قیدساز **-e** را به پسوند فاعلی **-ant-** اضافه می‌کنیم.

**-at-** Legata در حال خوانده شدن mangata در حال نوشته شدن skribata در حال خوردن شدن

برای ساختن صفت مفعولی زمان حال، پسوند صفت یعنی **-a** را در کنار پسوند مفعولی **-at-** قرار می‌دهیم.

Konato شخص آشنا amato شخص محبوب  
با قرار گرفتن **-o** در کنار پسوند مفعولی **-at-** اسم مفعولی زمان حال ساخته می‌شود.

**-bo-** Bopatro پدر شوهر bofrato برادرزن bofilo داماد  
پیشوند **bo-** روابط سببی/ازدواجی را نشان می‌دهد مثل پدرزن و برادرزن و داماد و امثالهم.

**-ujo** Sukerujo شکران salujo نمکدان abelujo جای عسل  
پسوند **-ujo** برای نشان دادن ظرف و مخزن چیزی است مثل شکران و نمکدان و غیره.

## واژه‌نامه:

- ۱- نشست (صفت فاعلی)، ۲- در حال نشسته (قیدی)، ۳- خوانده شونده (صفت مفعولی)،
- ۴- روان بودن، روان شدن، ۵- شناختن، ۶- پدرزن، پدرشوهر، ۷- رئیس، ۸- ایستگاه، ۹- کشتی،
- سفینه، ۱۰- شکران، شکرپاش، ۱۱- گذاشتن، ۱۲- نمکدان، نمکپاش، ۱۳- زنبورعسل، ۱۴- قوم و خویش، فامیل، ۱۵- عمو، دایی، شوهرخاله، ۱۶- نوه، ۱۷- برادرزن، برادرشوهر، داماد،
- ۱۸- ضمن، درحالیکه، ۱۹- بیوه، ۲۰- نامزد، ۲۱- ۵۵، روستا، ۲۲- آخر هفته، ۲۳- تصمیم گرفتن، ۲۴- ساده، ۲۵- اصطبل، ۲۶- تازه، ۲۷- برف، ۲۸- ناپدید شدن، ۲۹- اینک، ۳۰- فریاد کردن، ۳۱- نوازش کردن، ۳۲- گرفتن، ۳۳- ماهی، ۳۴- نظم، ۳۵- قارچ، ۳۶- آسمان، ۳۷- ستاره، ۳۸- ماه قمر، ۳۹- منتظر بودن.

**-ant-****-int-****-ont-****-at-****-it-****-ot-**

Li trinkos bieron.

Kia li estas?

– Trinkonta<sup>1</sup>.

Kia estas la biero?

– Trinkota<sup>3</sup>.

Li trinkas bieron.

Kia li estas?

– Trinkanta.

Kia estas la biero?

– Trinkata.



Li trinkis bieron.

Kia li estas?

– Trinkinta<sup>2</sup>.

Kia estas la biero?

– Trinkita<sup>4</sup>.

Mi skribos leteron: mi estas skribonta; la letero estas skribota.

Mi skribas leteron: mi estas skribanta; la letero estas skribata.

Mi skribis leteron: mi estas skribinta; la letero estas skribita.



Mi legas libron. Mi estas leganta kaj la libro estas legata.

Mi sidas kaj legas: mi legas sidante. Mi finis la legadon

kaj metis la libron sur la tablon. La legita libro estas nun

metita sur la tablo. La patrino diris al mi: „Metu la legitan

libron en la ŝrankon!“ En la ŝranko estas multaj libroj,

kiujn mi jam legis: ili estas legitaj libroj. Sed tie estas

ankaŭ libroj, kiujn mi ankoraŭ ne legis: ili estas nelegitaj

libroj. Mi baldaŭ legos la librojn: ili estas legotaj.

**PROVERBOJ**

La tempo pasinta neniam revenos. Uzu<sup>5</sup> la tempon estantan, antaŭvidu la estontan kaj memoru la estintan. Ĝi malaperis kiel pasintjara neĝo. Hundo vivanta fartas pli bone ol leono mortinta. La manĝota fiŝo estas ankoraŭ en la rivero. Pri la mortintoj oni ĉiam bone parolas. Al fiŝo kuirita eĉ malvarma akvo ne helpas.

**Kio estas:** estinteco, estanteco, estonteco, pasinteco, malfermita, kaptito, venontjara, kolektanto, okazintaĵo<sup>6</sup>?



trinkonta



trinkanta



trinkinta



trinkota



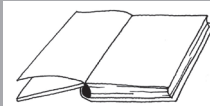
trinkata



trinkita

fari ion per ilo:  
por skribi ni  
uzas plumon

uzi

malfermita  
libro

fariĝi

okazi

tio kio okazis

okazintaĵo

ne nur,  
sed ankaŭ

eĉ

kredo, ke io  
bona okazos  
espero

luma, blanka

hela



nubo



sudo

kontraŭ tio

malgraŭ

inter blanka  
● kaj nigra

griza



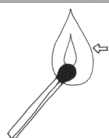
mondo

volas ĉion nur  
por si mem

egoista

feliĉa,  
ridetanta

gaja



flamo

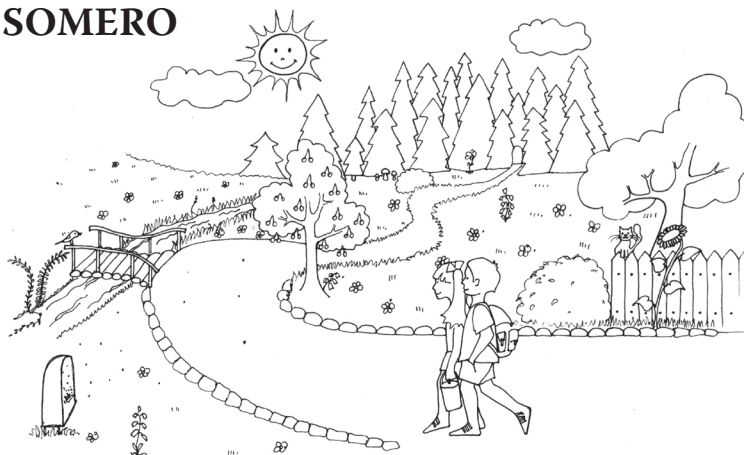
## Kanto de l' espero<sup>7</sup>

M.C. Butler

*Meze de vintro malvarma      Meze de nigra nubaro<sup>9</sup>  
kantas ankoraŭ birdeto;      brilas ankoraŭ la suno;  
kaj en la nokto malhela<sup>8</sup>      blovas la suda<sup>10</sup> venteto  
lumas ankoraŭ steleto.      malgraŭ<sup>11</sup> la griza<sup>12</sup> aŭtuno.*

*Meze de mond<sup>13</sup> egoista<sup>14</sup>  
batas la koro amanta;  
meze de horo malgaja<sup>15</sup>  
ridas espero flamanta<sup>16</sup>.*

## SOMERO



Komenciĝas somero. En la ĝardenoj maturiĝas ĉerizoj<sup>17</sup>. Super la florantaj herbejoj ĝoje kantas birdoj. Laboremaj abeloj, flugante de floro al floro, kolektas dolĉan mielon<sup>18</sup>. El la blua<sup>19</sup> ĉielo ridetas la suno. Nur kelkaj nuboj naĝas unuope super la horizonto. Ĉiuj ĝojas, sed precipe<sup>20</sup> la infanoj: venis somero kaj proksimiĝas ferioj<sup>21</sup>!

Maria kaj Peter forlasas la urbon. Babilante ili iras sur kampara vojo<sup>22</sup>. Kien ili iras? – En proksiman arbaron, por kolekti maturiĝantajn fragojn<sup>23</sup>.

Alveninte en la arbaron ili eksidis apud rivereto por ripozi. Peter rigardas la fluantan akvon. Ĝi estas klara<sup>24</sup> kaj sur la fundo<sup>25</sup> estas briletantaj ŝtonoj<sup>26</sup>. Maria, ekvidinte belajn fragojn, tute forgesis pri la laceco kaj tuj komencis kolekti ilin. Post kelkaj minutoj ili iris plu<sup>27</sup>. Trasaltinte<sup>28</sup> la rivereton

la infanoj malaperis en la arbaro. Kia agrabla ombro<sup>29</sup> kaj freŝa aero estas sub la branĉoj<sup>30</sup> de la arboj! Ili venis sur arbaran herbejon<sup>31</sup>. „Jen, rigardu!“ ekkriis Maria, ekvidinte ruĝajn fragojn. Ŝi kolektas kaj manĝas ilin. Peter metas la fragojn en glason.

Kolektante la fragojn la gefratoj babilas pri la proksimiĝantaj ferioj. Unu monaton ili pasigos<sup>32</sup> ĉe la geavoj en la vilaĝo. Poste la tuta familio vojaĝos<sup>33</sup> al fremda<sup>34</sup> lando<sup>35</sup>, en kiu la infanoj neniam estis: al Bulgario. Peter kaj Maria ankoraŭ ne vidis la maron<sup>36</sup>. Kompreneble ili tre ĝojas.

Babilante la infanoj eĉ ne rimarkis<sup>37</sup>, ke iomete mallumiĝis kaj komencis blovi forta vento. Maria sentas<sup>38</sup>, ke io falis<sup>39</sup> sur ŝian kapon. Pluvas<sup>40</sup>! La infanoj ekkuris kaj kaŝis<sup>41</sup> sin sub granda arbo. Starante sub la arbo ili atendos, ĝis<sup>42</sup> ĉesos pluvi. Poste ili revenos hejmen.



Se mi estus amata, mi estus feliĉa. Ĉio estas finita. Mi deziras, ke la laboro estu farita, kaj ne ke ĝi estu farota. Kiam mi eniris en la ĉambron, la patro estis leganta. Dormante ŝi ridetis. Kurante li falis. Mi tion faros volonte<sup>43</sup>. Mi estas baldaŭ forironta (= mi baldaŭ foriros).



### Memoru:

Estonta tempo, estanta tempo, estinta tempo.

زمان آینده، زمان حال، زمان گذشته.

Pasintjara neĝo. . برف سال گذشته (پارسال).

Proksimiĝantaj ferioj. . تعطیلاتی که نزدیک میشود (تعطیلات نزدیک شونده).



### Respondu:

Kion faris Peter kaj Maria en la arbaro? Kio estis en la rivereto? Kion faros Peter kaj Maria dum la ferioj? Kion vi faros dum la ferioj?

## GRAMATIKO

## دستور زبان

-ant-

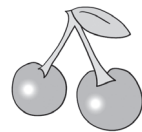
-int-

-ont-

Leganta, leginta, legonta.

در حال خواندن، مطالعه‌کننده در زمان گذشته، مطالعه‌کننده در آینده

اسم و صفت و قید فاعلی می‌تواند در هر سه زمان باشد یعنی گذشته و حال و آینده.



ĉerizoj

sukeraĵo  
de abeloj

mielo

ĉielkolora

blua

ĉefe, antaŭ ĉio

precipe

liberaj tagoj

ferioj

strato en  
kampoj

vojo



frago

pura, hela,  
travidebla

klara

malsupro  
de rivero

fundo



ŝtono

pli kaj pli...

plu

mallumo post  
objekto

ombro



„brako“  
de arbo

branĉo

veturi al alia  
urbo, lando...

vojaĝi

ne nia, fora,  
nekonata

fremda

Bulgario  
estas lando

lando

granda sala  
akvo

maro

ekvidi

rimarki

rapide  
alteriĝi

fali



pluvi

meti ien  
por ke aliaj ne  
trovu ĝin

kaŝi

kun  
bona volo

volonte

-at-

-it-

Skribata, skribita, skribota.

در حال نوشته شدن، نوشته شده، نوشته شونده (در آینده).

اسم و صفت و قید مفعولی نیز می‌تواند در هر سه زمان باشد یعنی گذشته و حال و آینده.

### Kunmetitaj tempoj – زمانهای ترکیبی یا مرکب.

ESTI	ESTU	ESTOS	ESTAS	ESTIS	ESTUS
-ANTA	-INTA	-ONTA	-ATA	-ITA	-OTA



Mi estis manĝonta, kiam vi venis.

وقتی شما آمدید، می‌خواستم غذا بخورم (هنوز غذا نخورده بودم).

Se mi estus sciinta, ke vi venos, mi estus preparinta por vi vespermanĝon.

اگر می‌دانستم که خواهی آمد، برایت عصرانه آماده کرده بودم.

در اسپرانتو می‌توانید همه این زمان‌ها را در شرایط خاصی ترکیب کنید به شکل مثال‌های بالا؛ ولی در زبان فارسی این امر به سادگی قابل انجام/ترجمه نیست.

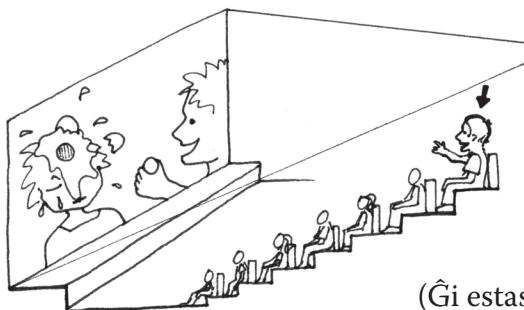
### واژه‌نامه:

۱- آشامنده در آینده، ۲- آشامنده در گذشته، ۳- آشامیده درآینده، ۴- آشامیده در گذشته، ۵- استفاده کردن، ۶- اتفاق (افتادن)، ۷- امید، ۸- تاریک (ضدروشن)، ۹- ابر، ۱۰- جنوبی، ۱۱- علی‌رغم اینکه، ۱۲- خاکستری، ۱۳- جهان، ۱۴- خودخواه، ۱۵- ناشاد، غمگین، ۱۶- شعله‌ور، ۱۷- گیلان (میوه)، ۱۸- عسل، ۱۹- آبی، ۲۰- اصلاً بخصوص، ۲۱- تعطیلات، ۲۲- راه، ۲۳- توت فرنگی، ۲۴- واضح، روشن، شفاف، ۲۵- عمیق، ژرفا، ۲۶- سنگ، ۲۷- دیگر، بیش، ۲۸- درحالی که از رویش می‌پرید، ۲۹- سایه، ۳۰- شاخه، ۳۱- چمنزار، علفزار، ۳۲- گذراندن، ۳۳- سفر کردن، ۳۴- بیگانه، ۳۵- سرزمین، کشور، ۳۶- دریا، ۳۷- متوجه شدن، ۳۸- احساس کردن، ۳۹- افتادن، ۴۰- باران باریدن، ۴۱- پنهان کردن، ۴۲- تا، ۴۳- با کمال میل، داوطلبانه.



**-ind-**

„Tiu libro estas tre bona.  
– Ĝi estas leginda<sup>1</sup>.“  
(Ĝi estas bona por legi.)



Li ridas,  
ĉar la filmo  
estas ridinda.  
(Ĝi estas bona por ridi.)

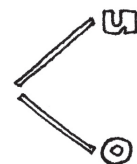


Tiu lando estas bela, estus bone viziti ĝin: ĝi estas vizitinda. Mi devis ridi, vidante tion, ĉar tio estis ridinda. En nia urbo estas multaj vidindaĵoj kaj memorindaĵoj<sup>2</sup>. Mi tion ne povas kredi, ĉar tio estas nekredinda. Tiu knabino estas aminda. Bedaŭrinde<sup>3</sup> mi ne povas iri kun vi.

**-um-**



Ki



Li gustumas<sup>4</sup> la supon.

Ŝi sunumas<sup>5</sup> sin.



Mi malsaniĝis pro malvarmo: mi malvarmumis<sup>6</sup>.  
Ŝi plenumos<sup>7</sup> vian deziron: ŝi faros, kion vi deziras.  
Mi gustumis la kukon: mi prenis peceton<sup>8</sup>, manĝis ĝin kaj diris: „Ĝi estas bongusta!“ Kolumo<sup>9</sup>, manumo<sup>10</sup> kaj butonoj<sup>11</sup>

bona por ...-i

...-inda

malĝoji, ke  
io okazis

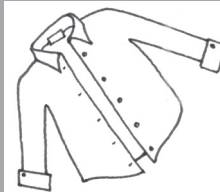
bedaŭri

manĝi iomete  
por scii la  
guston

gustumi

parto de io

peco



ĉemizo



kolumo

fari ion  
plene, tute

plenumi



butono

fermi per  
butonoj

butonumi

hejma nomo  
de Peter

Peĉjo

hejma nomo  
de Maria

Manjo  
en la loko de  
anstataŭ

preskaŭ ne,  
mi ne kredas  
apenaŭ

Esperanto  
estas lingvo

lingvo  
preskaŭ kiel

kvazaŭ  
havi bildon  
de, esti kiel...

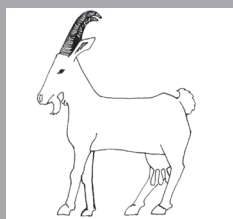
aspekti  
trinkis multe  
da biero  
ebria

forta krio  
kontraŭ iu  
kolero



semi

kolekti fruk-  
tojn  
rikolti



kaprino

estas partoj de ĉemizo<sup>12</sup>. Kiam ni vestas nin, ni butonumas<sup>13</sup> la ĉemizon. Li rapide trarigardis la libron: li foliumis<sup>14</sup> en ĝi.

-nj-

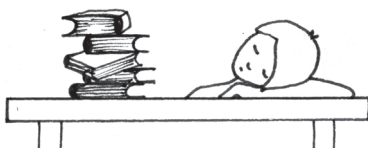
-ĉj-

Hejme la infanoj nomas la patron paĉjo<sup>15</sup> kaj la patrinojn panjo<sup>16</sup>. Mia fratino nomiĝas Maria, sed mi nomas ŝin Manjo. Mia nomo estas Peter, sed miaj familianoj nomas min Peĉjo. Mian onklon mi nomas oĉjo kaj la onklinon onjo.

Anstataŭ

Apenaŭ

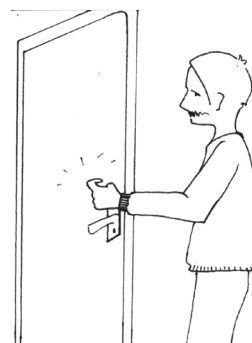
Kvazaŭ



Li devas lerni, sed li dormas:  
anstataŭ<sup>17</sup> lerni li dormas.



Ŝi estas tiel malproksime,  
ke ni apenaŭ<sup>18</sup> vidas ŝin.



La patro frapas<sup>19</sup> al la pordo,  
kvazaŭ<sup>20</sup> li estus fremdulo.



Anstataŭ lerni li ludas kun siaj geamikoj. Anstataŭ sukero oni povas uzi mielon. Anstataŭ helpi li malhelpas. Nia instruisto estas malsana. Anstataŭ li hodiaŭ venis alia instruisto. Li anstataŭis nian instruiston. Li apenaŭ scias legi (li preskaŭ ne scias legi). Apenaŭ ŝi venis, tuj ŝi devis foriri. Mi apenaŭ povos veni (mi ne kredas, ke mi povos veni). Mi lernas la anglan<sup>21</sup> lingvon<sup>22</sup>, sed mi apenaŭ povos skribi angle leteron.

Mi amas vin, kiel se vi estus mia frato: mi amas vin kvazaŭ vi estus mia frato. La ĉielo estis pura, kvazaŭ balaita. Vi aspektas<sup>23</sup>, kvazaŭ vi estus malsana. Li iris, kvazaŭ li estus ebria<sup>24</sup>. Ŝi parolas, kvazaŭ ŝi ĉion sciis. Tiu homo aspektis, kvazaŭ li estus falinta el la luno.



## PROVERBOJ

Senpova kolero<sup>25</sup> – ridinda afero. Multe komencite, malmulte plenumite. Se Peĉjo ne semos<sup>26</sup>, Petro ne rikoltos<sup>27</sup>. Falinta floro ne revenos al la branĉo. Kia panjo, tia Kanjo.

### LA SEP KAPRIDOJ<sup>28</sup>

(Fabelo<sup>29</sup>)

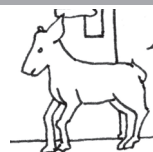
Estis foje arbaro, en la arbaro herbejo kaj sur la herbejo dometo. En la domo loĝis kaprino. Ĝi havis sep infanojn. Foje la patrino devis foriri por aĉeti lakton. Forirante ŝi diris al la kapridoj: „Kiam mi estos for, ne enlasu<sup>30</sup> la lupon<sup>31</sup>! Vi ekkonos lin, ĉar li havas malaltan voĉon kaj nigrajn piedojn.“

La lupo aŭskultis sub la fenestro. Kiam la patrino estis for, li ekkriis: „Malfermu la pordon, karaj kapridoj! Mi estas via patrino.“ Sed la kapridoj respondis: „Vi ne estas nia patrino! Nia patrino havas altan voĉon!“

La lupo foriris al la forĝisto<sup>32</sup>. Tiu forĝis al la lupo pli altan voĉon. La lupo revenis, frapis al la pordo kaj diris per dolĉa voĉo: „Malfermu la pordon, karaj kapridoj! Mi estas via patrino.“ – „Montru al ni viajn piedojn!“, diris la kapridoj. La lupo montris sian piedon tra la fenestro. – „Vi ne estas nia patrino! Nia patrino havas blankajn piedojn, sed viaj piedoj estas nigraj!“

La lupo iris hejmen. Li prenis farunon<sup>33</sup> kaj blankigis siajn piedojn. Poste li revenis, frapis al la pordo kaj diris per dolĉa voĉo: „Malfermu la pordon, karaj kapridoj! Mi estas via patrino.“ – „Montru al ni viajn piedojn!“ La lupo montris la piedojn. Ili estis blankaj. La kapridoj malfermis la pordon. Tiam la lupo saltis en la dometon kun malfermita buŝo kaj manĝis la kapridojn – krom unu, kiu sin kaŝis.

La kaprino revenis hejmen kaj kion ŝi vidas! La pordo malfermita, ĉie malordo kaj la infanoj estas for. Ŝi vokas<sup>34</sup>: „Anjo, Peĉjo, Manjo, Joĉjo...“, sed neniu respondas. Poste ŝi trovis la plej junan kapridon, kiu ĉion rakontis. Kiam ili eliris el la dometo, sur la herbejo ili trovis la dormantan lupon.



kaprido

lasi eniri

enlasi



lupo



forĝisto

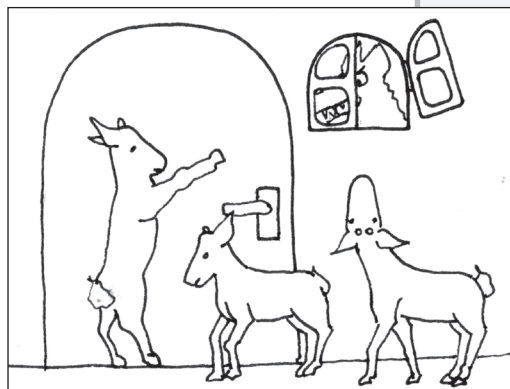
el ĝi oni

faras panon

faruno

krii la nomon

voki





La patrino prenis tranĉilon, distranĉis la ventron kaj la kapridoj elsaltis vivaj kaj sanaj. Ili alportis ŝtonojn kaj plenigis per ili la ventron de la lupo.

Kiam la lupo vekigis, li iris al la rivero. Kiam li volis trinki, li falis en la akvon. La kapridoj dancis kaj kantis. La malbona lupo neniam plu venos al ilia dometo.



### Respondu la demandojn. La respondojn skribu:

Kio estas leginda libro? Kiam vi lastfoje malvarmumis? Kio estas kolumo kaj manumo? Kiel vi nomus viajn patron kaj patrinon, se vi hejme parolus Esperante?



### Rakontu la fabelon „La sep kapridoj“.

## GRAMATIKO

## دستور زبان

**-ind-**

Vidinda, memorinda, ridinda. دیدنی، به خاطر سپردنی، خنده‌دار.

پسوند **-ind-** نشان شایستگی، سزاواری و لیاقت است مثال: دیدنی و بخاطر سپردنی و خنده‌دار و امثالهم.

**-um-**

Gustumi, plenumi, sunumi, kolumo.

مزه کردن (چشیدن)، به انجام رساندن، آفتاب گرفتن، یقه

با پسوند **-um-** از کلمه مبدا کلمه جدیدی می‌سازیم. این پسوند (همانند حرف اضافه‌ی *je*) فاقد معنی ثابت و خاص بوده، و استفاده از آن محدود است و تنها در جایی از آن بهره می‌گیریم که برای بیان معنی موردنظرمان، از هیچ‌یک از پسوندهای دیگر اسپرانتو نتوانیم استفاده کنیم، مانند مثال‌های بالا.

**-nj-**

Panjo, paĉjo, Manjo, Peĉjo. مامان، بابا، ماریا، پیترو.

کلمات تصغیر و تحیب می‌سازیم

**-ĉj-**

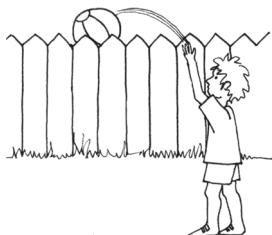
با پسوندهای **-nj-** برای اسامی مونث، و **-ĉj-** برای اسامی مذکر کلمات تصغیر و تحیب می‌سازیم. معمولاً این پسوندها به انتهای سیلاب اول اسم موردنظر اضافه می‌شوند. مثال: مادران/امامانی و پدران/بابا و امثالهم.

### واژه‌نامه:

- ۱- خواندنی، ۲- بخاطر داشتنی، ۳- متاسفانه، ۴- مزه مزه کردن، چشیدن، ۵- آفتاب گرفتن، ۶- سرما خوردن، ۷- انجام دادن، ۸- تکه، ۹- یقه، ۱۰- سر آستین، ۱۱- دگمه، ۱۲- پیرهن، ۱۳- دگمه بستن، ۱۴- ورق زدن، ۱۵- پدرجان، بابا، ۱۶- ماریا جان، ۱۷- بجای، درعوض، ۱۸- به‌زحمت، ۱۹- کوبیدن، ۲۰- گویی که، انگار، ۲۱- انگلیسی، ۲۲- زبان، ۲۳- بنظر رسیدن، ۲۴- مست، ۲۵- خشم، ۲۶- بذرافشانی، کاشتن، ۲۷- درویدن، برداشت، ۲۸- بزغاله، ۲۹- داستان، ۳۰- اجازه ورود، ۳۱- چلنگر، آهنگر، ۳۲- آهنگری، ۳۳- آرد، ۳۴- صدازدن.



## Trans



La knabo ĵetis<sup>1</sup> la pilkon<sup>2</sup>  
**trans**<sup>3</sup> la barilon<sup>4</sup>.



La domo estas **trans** la rivero.  
Ĝi estas sur la **transa** bordo<sup>5</sup>.



Ameriko estas trans la maro. Ŝi loĝas kontraŭ nia domo, trans la strato. Trans la rivero loĝas bela knabino. Transa domo estas tiu sur la kontraŭa flanko de la strato.

## Preter

Preter<sup>6</sup> nia fenestro iras homoj; ili iras ĉirkaŭ la fenestro kaj poste plu. Li iris preter mi sen saluto. Ŝi preterkuris min. Preterkurante ŝi ridetis.

## Ekster

Mi ne loĝas en la urbo, sed ekster<sup>7</sup> la urbo. Fiŝoj ne povas vivi ekster la akvo. En la domo estas varme, sed ekstere neĝas. Somere mi veturos al eksterlando. Ĉu vi korespondas kun eksterlandanoj?

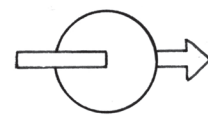
## Laŭ

Maria dancas tiel, kiel ludas la muziko: ŝi dancas laŭ<sup>8</sup> la muziko. Morgaŭ ŝi ekskursos, aŭ ŝi restos hejme: laŭ la vetero. La infanoj iris laŭ la rivero. Laŭ la fruktoj oni arbon ekkonas.



## Ĵus

Antaŭ momento mi venis: mi ĵus<sup>9</sup> venis. En televido oni ĵus parolis pri novaĵoj el la mondo. Ĵus mi aŭdis pri tio.



tra



trans

tero apud  
rivero

bordo



ĵeti



pilko



preter

ne en, ne inter

ekster



laŭ

antaŭ momento

ĵus



diri sian  
nomon

prezenti sin

diri: „vi povas“

permesi

estu tiel bona  
kaj volu

bonvolu

en komenco

frue

surskribo  
(titolo)

titolo de viro  
sinjoro

malhelpi

ĝeni

ne koleri,  
forgesi pri io  
malbona

pardonu

per forta voĉo

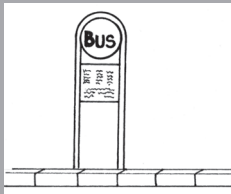
laŭte

respondo al:  
„mi dankas“

nedankinde

domo, kie  
oni montras  
filmojn

kinejo



aŭtobus-haltejo

Infano, kiun ĵus batis<sup>10</sup> la patro:  
„Panjo, via edzo ne plaĉas al mi!“

Kritikisto: „Mi ĵus legis vian romanon“.

Aŭtoro: „Ĉu la lastan?“

Kritikisto: „Mi esperas, ke jes!“

„Ĉu en via urbo naskiĝis multaj grandaj homoj?“

„Laŭ mia memoro nur infanetoj“.



## LA ĈIUTAGA ESPERANTO

### Salutoj

Bonan matenon! Bonan tagon! Bonan vesperon! Bonan nokton!  
Fartu bone! Ĝis revido! Ĝis reaŭdo! Ĉion plej bonan! Agrablajn  
festotagojn<sup>11</sup>!

### Prezento

Permesu<sup>12</sup> al mi, ke mi prezentu<sup>13</sup> min: mi estas ... . Mi ĝojas!  
Mi tre ĝojas, ke mi ekkonis vin! Ĉu vi estas sinjoro<sup>14</sup> (sinjorino,  
fraŭlo, fraŭlino) ... ? Kiu estas tiu sinjoro? Kiel vi nomiĝas? Kiel  
nomiĝas tiu knabo (knabino)? Lia nomo estas ... .

### Vizito

Kie loĝas sinjoro ... ? Ĉu sinjorino ... estas hejme? Jes, bonvolu<sup>15</sup>  
eniri. Bedaŭrinde, li ne estas hejme. Kiam li revenos? Post unu  
horo. Bone, mi venos malpli frue<sup>16</sup> (poste). Mi ĝojas, ke mi vidas  
vin! Bonvolu sidiĝi! Ĉu mi ne ĝenas<sup>17</sup> vin? Ne, male, vi estas tre  
afabla. Estu tiel afabla kaj diru al mi ... . Pardonu<sup>18</sup>, mi petas.  
Ĉu vi komprenas min? Jes, mi bone komprenas vin. Parolu  
malrapide, ĉar mi ne komprenas. Parolu pli laŭte<sup>19</sup>. Kie vi loĝas?  
El kiu lando vi estas? Kie vi laboras? Kio vi estas? Kion vi faras  
ĉi tie? Kia estas via adreso? Via loĝejo estas tre bela. Mi dankas,  
ke vi vizitis min. Ĉu vi povas viziti min hodiaŭ posttagmeze?  
Bone, mi venos je la 15-a horo.

### Sur la strato

Mi petas vin, kie estas ... ? Dankon! Mi dankas, ke vi helpis al  
mi. Vi estas tre afabla. Volonte<sup>20</sup>! Mi petas, diru al mi, kie estas





hotelo (teatro<sup>21</sup>, kinejo, stacidomo, aŭtobus-haltejo, magazeno<sup>22</sup>, kulturdomo).

### **Vojaĝado**

Mi volas iri (vojaĝi, veturi) al ... . Ĉu tiu loko estas libera? Ĉu mi povas malfermi la fenestron? Kiel nomiĝas tiu ĉi stacio (urbo, vilaĝo, kvartalo<sup>23</sup>, strato)? Kiam ni venos al ... ? Kiom da kilometroj estas ĝis ... ? Kiel malproksime estas de ĉi tie al ... ? Kiom kostas la bileto?

### **Demandoj**

Kio estas tio? Por kio ĝi estas? Kion vi deziras? Kial vi tion faris? Ĉu vi parolas Esperante? Ĉu vi komprenas min? Ĉu mi tion diris bone? Kie mi povas aĉeti gazeton? Kie estas restoracio? Kio okazis? Kion vi diris? Kion vi faras? Ĉu tio estas vero? (Ĉu vere?)

### **Tempo**

**Kiam?** – Matene. Frumatene. Antaŭtagmeze. Tagmeze. Posttagmeze. Vespere. Nokte. Noktomeze. Ĉiutage. Hodiaŭ. Kioma horo estas? Je kioma horo? Proksimume<sup>24</sup> je la sesa. Je la oka vespere. Antaŭ nelonge. Estas jam malfrue. Estas tro<sup>25</sup> frue. Kiomjara vi estas? Mi estas ...-jara.

### **Vetero**

Kia vetero estas hodiaŭ? La suno brilas. Pluvas. Ni malsekiĝos. Pluvetas. Estas varme. La pluvo jam ĉesis. Blovas vento. Neĝas. Varmiĝis. Malvarmiĝis. La suno jam leviĝas<sup>26</sup> (malleviĝas = subiras). Sur la ĉielo estas nuboj. Vesperiĝas. Morgaŭ estos malvarme.

### **Surskriboj.**

Eniro. Eliro. Fermu la pordon! Fermita. Atentu<sup>27</sup>! Unua etaĝo<sup>28</sup>. Ter-etaĝo<sup>29</sup>. Haltejo. Necesejo<sup>30</sup>. Lavejo. Por fumantoj<sup>31</sup>. Fumado malpermesita! Tiru<sup>32</sup>! Puŝu<sup>33</sup>! Alveno. Foriro.

### **Aliaj oftaj frazoj**<sup>34</sup>

Ĉu tio plaĉas al vi? Jes, tio estas tre bela. Vi pravas<sup>35</sup>. Vi eraras. Tio ne gravas<sup>36</sup>. Ne zorgu pri tio! Ĉu vi ŝatas modernan (klasikan) muzikon? Ĉu vi deziras bombonon (glaciaĵon<sup>37</sup>, cigaredon<sup>38</sup>)? Ne, mi ne volas. Mi ne ŝatas dolĉaĵojn. Mi ne fumas. Ĉu vi povas prunti al mi plumon? Kien vi iras? Ĉu vi jam estis en ... ? Ankoraŭ ne. Ni veturu per tramo<sup>39</sup> (vagonaro, aŭtobuso,

**domo, apud  
kiu haltas va-  
gonaroj**

stacidomo

**parto de  
la urbo**

kvartalo

**pli-malpli**

proksimume

**pli ol estas  
bone, pli ol  
sufiĉe**

tro

**sen akvo**

seka

**malfali**

leviĝi

**bone rigardi  
kaj aŭskulti**

atenti

**parto de domo  
(1-a, 2-a...)**

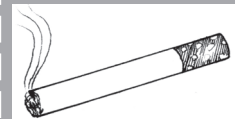
etaĝo



necesejo

**diri veron**

pravi



cigaredo

**uzi cigaredon**

fumi

**eniri en  
vagonon**

envagoniĝi



atentinda  
grava

sidiĝi al la  
tablo

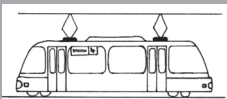
altabliĝi

komence  
de mateno

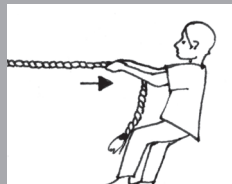
frumatene



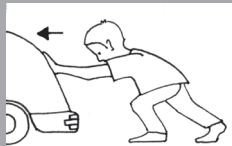
glaciaĵo



tramo



tiri



puŝi



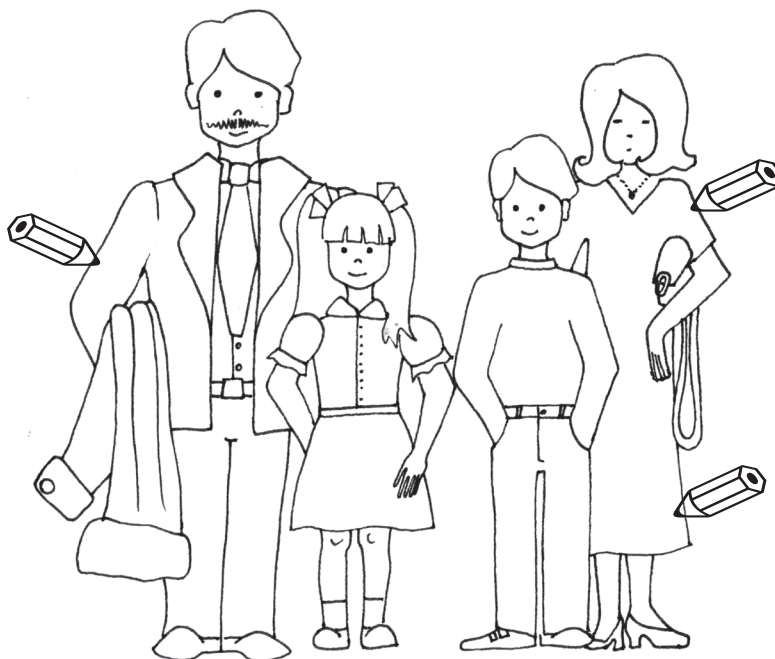
aŭtobuso



bluzo

aŭto, ŝipo). Jam venas la aŭtobuso. Ni eniru! Ni envagoniĝu (altabliĝu, enlitiĝu).

## VESTAĴOJ<sup>40</sup>



### Prenu kolorajn kraĵojn kaj kolorigu la vestaĵojn:

Maria havas verdan bluzon<sup>41</sup>, brunan jupon<sup>42</sup>, blankajn ŝtrumpetojn<sup>43</sup> kaj brunajn ŝuojn<sup>44</sup>.

Peter havas ruĝan puloveron<sup>45</sup>, bluan pantalonon<sup>46</sup> kaj nigrajn ŝuojn.

La patrino portas flavan robon<sup>47</sup> kaj brunajn ŝuojn. Sub la brako ŝi havas brunan mansakon<sup>48</sup>.

La patro havas orangkoloran ĉemizon, bluan kravaton, bluan jakon<sup>49</sup> kaj nigran pantalonon. Sur la jako kaj sur la pantalonon estas poŝoj<sup>50</sup>. Sub la brako li havas grizan mantelon<sup>51</sup>.

### Memoru:

Li preterkuris min. او دوان دوان از کنار من رد شد.

Preterirante ŝi ridetis. او در حالی که از کنار من رد میشد لېخند زد.

La patrino portas ruĝan puloveron. مادر پولیور قرمز پوشیده است.

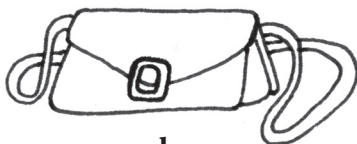


## Respondu kaj la respondojn skribu:

Kiajn vestaĵojn vi havas? Kiajn vestaĵojn portas viaj geamikoj (lernantoj en la klaso)? Kie estas Ameriko? Ĉu ekstere pluvas? Ĉu vi jam estis en eksterlando? Ĉu preter via urbo fluas rivero? Laŭ kio oni ekkonas la arbon? Ĉu vi ĵus vekiĝis? Kiom kostas bileto por aŭtobuso en via urbo? Kion vi havas en la poŝoj?

### واژه‌نامه:

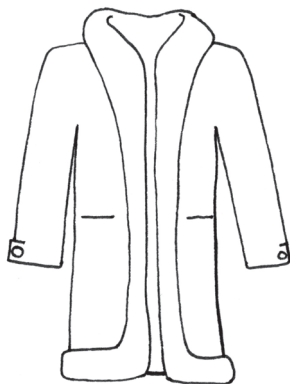
۱- انداختن، ۲- توپ، ۳- وړای، ۴- مانع، ۵- کناره، ۶- کنار، ۷- بیرون، ۸- مطابق، ۹- الآن، ۱۰- زدن، ۱۱- جشن روزتعمیل، ۱۲- اجازه دادن، ۱۳- ارایه دادن، ۱۴- آقا، ۱۵- لطفاً، ۱۶- زود، ۱۷- مزاحم شدن، ۱۸- بخشیدن، ۱۹- باصدای بلند، ۲۰- داوطلبانه، بامیل، ۲۱- تئاتر، ۲۲- مغازه، ۲۳- محله، ۲۴- نزدیک، تقریباً، ۲۵- بسیار زیاد، ۲۶- بلند شدن، ۲۷- توجه کردن، ۲۸- طبقه، ۲۹- همکف، ۳۰- توالی، ۳۱- سیگار کشیدن، ۳۲- بسویی کشیدن، ۳۳- هل دادن، ۳۴- جمله، ۳۵- حق داشتن، ۳۶- مهم نیست، ۳۷- بستنی، ۳۸- سیگار، ۳۹- تراموا، ۴۰- لباس، ۴۱- بلوز، ۴۲- دامن، ۴۳- جوراب، ۴۴- کفش، ۴۵- پولیور، ۴۶- شلوار، ۴۷- لباس بلند، ۴۸- کیف دستی، ۴۹- کت کاپشن، ۵۰- جیب، ۵۱- مانتو بارانی.



**mansako**



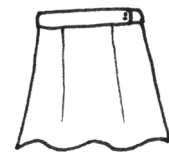
**poŝo**



**mantelo**



**jako**



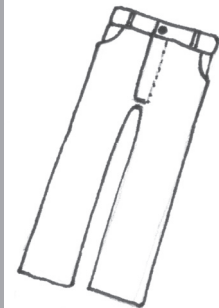
**jupo**



**ŝtrumpeto**



**ŝuo**



**pantalono**



**robo**

**ruĝa, verda,  
bruna, flava...**

**koloro**

## واژه نامه اسپرانتو-فارسی

عدد کنار واژه فارسی نشان می‌دهد که واژه اول بار در کدام درس بکار رفته است.

### A

پایانه نشاندهنده صفت و -a  
ضمیر ملکی و عدد ترتیبی 3  
abelo 19 زنبور عسل  
aceti 18 خریدن  
-ad- 16 پسوند استمرار و تکرار  
adreso 10 آدرس  
aero 16 هوا  
afable 18 لطفاً  
afero 15 امر و قضیه  
agrabla 16 دلچسب مطبوع  
aĝa 9 مسن، سن‌دار، مزمن  
aĝo 9 سن  
ajn 14 هرکه/چه باشد  
-aĵo 17 پسوند اسم ساز  
aĵo 17 چیز  
akvo 3 آب  
al 5 به (حرف اضافه)  
alia 14 دیگری  
aliĝi 11 پیوستن  
alkoholo 17 الکل  
almenaŭ 15 دستکم، حداقل  
alta 9 بلند  
ambau 18 هر دو  
Ameriko 22 آمریکا  
ami 5 عشق ورزیدن  
amiko 5 دوست  
anekdoto 21 حکایت، روایت، قصه، حدیث  
angla 21 انگلیسی  
animalo 16 حیوان  
ankaŭ 2 هم، همچنین  
ankoraŭ 8 هنوز  
ano 9 عضو  
anstataŭ 21 بجای  
-anta 9 پسوند صفت فاعلی  
مضارع  
antaŭ 7 قبل از  
apenaŭ 21 بزحمت  
aperi 19 پیدا شدن  
apetito 12 اشتها  
aprilo 10 آوریل  
apud 3 پهلو  
arbo 3 درخت  
-aro 10 پسوند گروه ساز  
-as 6 پسوند فعل مضارع  
aspekti 21 بنظر رسیدن

پسوند صفت مفعولی -ata  
مضارع 19  
atendi 19 منتظر شدن  
atenti 22 توجه کردن  
aŭ 10 یا  
aŭdi 17 شنیدن  
aŭgusto 10 اوت، آگوست  
aŭskulti 5 گوش دادن  
aŭto 10 خودرو، اتومبیل  
aŭtobuso 22 اتوبوس  
aŭtoro 22 نویسنده مؤلف  
aŭtuno 11 پاییز  
avo 4 پدر بزرگ  
azeno 14 خر

### B

حرف زدن- وراجی 13  
babili 13 جارو کردن  
balai 13 بزودی، عنقریب  
baldaŭ 15 حمام کردن  
bani 12 ضربه زدن  
bati 22 نوزاد  
bebo 17 متاسف بودن  
bedaŭri 21 زیبا  
bela 3 نیمکت  
benko 13 حیوان، جانور  
besto 1 نیاز داشتن  
bezoni 17 دوچرخه  
biciklo 11 آبجو  
biero 8 کارت پستال  
bildkarto 10 عکس، تصویر  
bildo 9 بلیت  
bileto 22 پرنده  
birdo 13 سفید  
blanka 3 وزیدن  
blovi 16 آبی  
blua 20 بلوز  
bluzo 22 پیشوند نشاندهنده قرابت  
-bo- 19 سببی  
boji 14 واق واق سگ  
bombo 17 آبنبات  
bona 3 خوب  
bonvoli 3 خیرخواست- لطف  
داشتن 22  
bordo 22 ساحل کناره  
botelo 8 بطری  
bovino 14 گاو ماده

ساعد (بازو) 16  
brako 16 شاخه 20  
branĉo 20 کلم 15  
brasiko 15 درخشیدن 12  
brili 12 سوختن 14  
bruli 14 قهوه ای 5  
bruna 5 سینه 18  
brusto 21 بلغارستان  
Bulgario 21 دهان 6  
buŝo 6 دستمال سفره 15  
buŝtuko 12 کره 12  
butero 21 دگمه 21  
butono 21

### C

صد 9  
cent 9 سیگار 22  
cigaredo 22 لیموترش 11  
citrono 11

### Ĉ

اتاق 4  
ĉambro 4 کلاه 6  
ĉapo 6 زیرا، چونکه 7  
ĉar 7 جذاب 14  
ĉarma 14 نزد 9  
ĉe 9 اصلی 18  
ĉefa 18 رییس 19  
ĉefo 19 پیراهن 21  
ĉemizo 20 گیلاد 20  
ĉerizo 20 اسب 1  
ĉevalo 1 این 14  
ĉi 14 این/کس/این یک 14  
ĉi tiu 14 هرگونه 12  
ĉia 12 همیشه 12  
ĉiam 12 هر جا 12  
ĉie 12 آسمان 19  
ĉielo 19 همه چیز 11  
ĉio 11 اطراف / پیرامون 15  
ĉirkaŭ 15 هرکس هر کدام 11  
ĉiu 11 پسوند صمیمیت 21  
-ĉj- 21 شکلات 3  
ĉokolado 3 آيا 2  
ĉu 2

### D

حرف اضافه برای مقدار 8  
da 8

رقصیدن 12  
danci 12 تشکر کردن 17  
danki 17 تاریخ 10  
dato 10 از 5  
de 5 دسامبر 10  
decembro 10 تصمیم گرفتن 19  
decidi 19 ده (۱۰) 6  
dek 6 راست 15  
dekstra 15 سؤال کردن 8  
demandi 8 دندان 12  
dento 12 طرح کشیدن 18  
desegni 18 بایست 12  
devi 12 خواستن، آرزوداشتن 14  
deziri 14 الماس 19  
diamanto 19 یکشنبه 7  
dimanĉo 7 مدیر 19  
direktoro 19 گفتن 8  
diri 8 جدا (پیشوند) 18  
dis- 18 مختلف 15  
diversaj 15 خب / پس 18  
do 18 شیرین 17  
dolĉa 17 درد کردن 16  
dolori 16 خانه 3  
domo 3 دادن 8  
doni 8 خوابیدن 8  
dormi 8 پشت 18  
dorso 18 دو 1  
du 1 حین / درحالیکه 19  
dum 19

### E

پسوند قید 7  
-e 7 ممکن/ قابلیت 18  
-ebla 18 ممکنه 18  
eble 18 مست 21  
ebria 21 پسوند نشان خصوصیت 17  
-eco 17 صفت / خصوصیت 17  
eco 17 حتی 20  
eĉ 20 شوهر 17  
edzo 17 پسوند بزرگ کننده معنی 12  
-eg- 12 کلمه 12  
ega 12 بزرگ 12  
egoista 20 خودخواه 20  
egoisto 20 پسوند جا 9  
-ejo 9 پیشوند که نشان شروع فعل 13  
-ek- 13 گردش و تفریح 16  
ekskurso 16 بیرون - خارج 22  
ekster 22



ekstere<sup>22</sup> خارج، بیرون  
 قیدی)  
 el<sup>9</sup> از - ازمیان  
 elektra<sup>6</sup> برقی  
 -ema<sup>18</sup> پسوند نشاندهنده تمایل  
 و گرایش  
 ema<sup>18</sup> مایل  
 en<sup>3</sup> در- اندر  
 erari<sup>9</sup> اشتباه کردن  
 espero<sup>20</sup> امید  
 esti<sup>1</sup> بودن  
 estro<sup>19</sup> رییس  
 -et-<sup>12</sup> پسوند نشان تجویب و  
 تصغیر  
 eta<sup>12</sup> کوچولو  
 etaĝo<sup>22</sup> طبقه - اشکوب

**F**  
 fabelo<sup>21</sup> داستان  
 fabriko<sup>9</sup> کارخانه  
 facila<sup>13</sup> آسان  
 fajfi<sup>13</sup> سوت زدن  
 fajro<sup>14</sup> آتش  
 fali<sup>20</sup> افتادن  
 familio<sup>4</sup> خانواده  
 fari<sup>6</sup> کردن- انجام دادن  
 farti<sup>7</sup> گذراندن ایام  
 faruno<sup>21</sup> آرد  
 februaro<sup>10</sup> فوریه  
 feliĉa<sup>14</sup> خوشبخت  
 fenestro<sup>4</sup> پنجره  
 ferio<sup>20</sup> تعطیلات  
 fermi<sup>8</sup> بستن  
 festo<sup>22</sup> جشن  
 fianĉo<sup>19</sup> نامزد  
 filmo<sup>14</sup> فیلم  
 filo<sup>9</sup> فرزند پسر  
 fingro<sup>6</sup> انگشت  
 fino<sup>10</sup> پایان  
 fiŝo<sup>19</sup> ماهی  
 flamo<sup>20</sup> شعله  
 flanko<sup>18</sup> جنب- طرف  
 flava<sup>11</sup> زرد  
 floro<sup>1</sup> گل  
 flugi<sup>13</sup> پرواز کردن  
 flui<sup>19</sup> جریان داشتن - روان  
 بودن  
 foje<sup>16</sup> باری- مرتبه  
 folio<sup>11</sup> برگ  
 for<sup>17</sup> دور  
 forgesi<sup>18</sup> فراموش کردن

forĝi<sup>21</sup> آهنگری- چلنگری  
 forko<sup>13</sup> چنگال  
 forno<sup>14</sup> اجاق  
 forta<sup>14</sup> قوی  
 fotelo<sup>14</sup> صندلی- چارپایه  
 frago<sup>20</sup> توت فرنگی  
 frapi<sup>21</sup> کوبیدن- درزدن  
 frato<sup>8</sup> برادر  
 fraŭlo<sup>17</sup> عذب  
 frazo<sup>22</sup> جمله  
 fremda<sup>20</sup> بیگانه  
 freŝa<sup>19</sup> تروتازه  
 fromaĝo<sup>12</sup> پنیر  
 frua<sup>22</sup> زود  
 frukto<sup>1</sup> میوه  
 frunto<sup>18</sup> پیشانی  
 fumi<sup>22</sup> توتون و سیگار کشیدن  
 fundo<sup>20</sup> قعر- ژرفا- عمق  
 fungo<sup>19</sup> قارچ

**G**  
 gaja<sup>20</sup> شاد  
 gasto<sup>15</sup> مهمان  
 gazeto<sup>14</sup> مجله  
 ge-<sup>8</sup> پیشوند نشاندهنده هر دو  
 جنس مؤنث و مذکر در یک  
 جفت  
 geografio<sup>14</sup> جغرافی  
 glaciaĵo<sup>22</sup> بستنی  
 glaso<sup>3</sup> گیلان- لیوان  
 gramatiko<sup>1</sup> دستور زبان  
 granda<sup>3</sup> بزرگ  
 grava<sup>22</sup> مهم  
 griza<sup>20</sup> خاکستری  
 gusto<sup>13</sup> مزه، طعم

**Ĝ**  
 ĝardeno<sup>3</sup> باغ  
 ĝeni<sup>22</sup> مزاحم شدن  
 ĝi<sup>3</sup> آن- او برای اشیا  
 ĝis<sup>10</sup> تا  
 ĝoji<sup>16</sup> خوشحال بودن

**H**  
 halti<sup>6</sup> توقف  
 haro<sup>6</sup> مو  
 havi<sup>5</sup> داشتن  
 hejmo<sup>10</sup> منزل  
 hela<sup>20</sup> روشن شفاف  
 helpi<sup>14</sup> کمک کردن

herbo<sup>16</sup> چمن  
 hieraŭ<sup>7</sup> دیروز  
 historio<sup>14</sup> تاریخ  
 hodiaŭ<sup>7</sup> امروز  
 homo<sup>1</sup> انسان  
 horizonto<sup>20</sup> افق  
 horloĝo<sup>12</sup> ساعت مچی و  
 دیواری  
 horo<sup>5</sup> ساعت وقت  
 hotelo<sup>19</sup> هتل  
 hundo<sup>2</sup> سگ

**I**  
 -i<sup>8</sup> پسوند مصدر  
 ia<sup>12</sup> گونه ای  
 iam<sup>12</sup> وقتی، زمانی  
 -ido<sup>14</sup> زاده  
 ido<sup>14</sup> فرزند  
 ie<sup>12</sup> جایی  
 -igi<sup>11</sup> پسوند فعل متعدی- کردن  
 -iĝi<sup>11</sup> پسوند فعل لازم- شدن  
 ili<sup>3</sup> آنها  
 -ilo<sup>13</sup> پسوند آلت و ابزار  
 ilo<sup>13</sup> ابزار و وسیله  
 -inda<sup>21</sup> پسوند شایستگی و  
 لیاقت  
 infano<sup>8</sup> بچه  
 -ino<sup>4</sup> پسوند تأنیث  
 instrui<sup>9</sup> یاد دادن  
 -inta<sup>20</sup> پسوند صفت فاعلی  
 گذشته  
 inter<sup>9</sup> بین  
 interesa<sup>14</sup> جالب  
 intersanĝi<sup>10</sup> تبادل  
 io<sup>11</sup> چیزی  
 -io<sup>21</sup> پسوند سرزمین  
 iom<sup>13</sup> قدری  
 iri<sup>5</sup> رفتن  
 -is<sup>7</sup> پسوند فعل ماضی  
 -isto<sup>9</sup> پسوند حرفه و پیشه  
 -ita<sup>20</sup> پسوند صفت مفعولی  
 گذشته  
 iu<sup>11</sup> کسی

**J**  
 -j<sup>4</sup> پسوند جمع  
 jako<sup>22</sup> کت کاپشن  
 jam<sup>12</sup> حالا دیگر  
 januaro<sup>10</sup> ژانویه  
 jaro<sup>8</sup> سال  
 je<sup>10</sup> حرف اضافه نامعین

jen<sup>19</sup> اینک  
 jes<sup>2</sup> آره  
 julio<sup>10</sup> ژوئیه  
 juna<sup>4</sup> جوان  
 junio<sup>10</sup> ژوئن  
 jupo<sup>22</sup> دامن

**Ĵ**  
 jaŭdo<sup>7</sup> پنجشنبه  
 ĵeti<sup>22</sup> انداختن  
 ĵus<sup>22</sup> تازه - همین الآن

**K**  
 kafo<sup>11</sup> قهوه  
 kaj<sup>1</sup> و (موصول)  
 kalendaro<sup>10</sup> تقویم  
 kampo<sup>15</sup> مزرعه  
 kanti<sup>18</sup> آواز خواندن  
 kapo<sup>6</sup> سر  
 kaprino<sup>21</sup> بز  
 kapti<sup>19</sup> گرفتن  
 kara<sup>10</sup> عزیز  
 karesi<sup>19</sup> نوازش کردن  
 kaŝi<sup>20</sup> پنهان کردن  
 kato<sup>1</sup> گربه  
 ke<sup>13</sup> که  
 kelkaj<sup>13</sup> چند  
 kia<sup>3</sup> چگونه  
 kial<sup>8</sup> چرا  
 kiam<sup>9</sup> کی- چه وقت  
 kie<sup>2</sup> کجا  
 kiel<sup>7</sup> چه طور  
 kies<sup>13</sup> مال کی  
 kilogramo<sup>8</sup> کیلوگرم  
 kilometro<sup>22</sup> کیلومتر  
 kinejo<sup>22</sup> سینما  
 kio<sup>1</sup> چه  
 kiom<sup>6</sup> چقدر  
 kiso<sup>3,5</sup> بوسه  
 kiu<sup>3,5</sup> کی- چه کسی  
 klara<sup>20</sup> روشن صاف شفاف  
 klaso<sup>9</sup> کلاس  
 knabo<sup>4</sup> پسر  
 kokino<sup>14</sup> مرغ  
 kolekti<sup>16</sup> جمع آوری  
 kolero<sup>21</sup> خشم  
 kolo<sup>6</sup> گردن  
 koloro<sup>11</sup> رنگ  
 kombi<sup>13</sup> شانه زدن  
 komenco<sup>10</sup> آغاز  
 komplika<sup>19</sup> پیچیده



**kompletigi** 11 تکمیل کردن  
**kompreni** 15 فهمیدن  
**koni** 13 شناختن  
**kontraŭ** 15 ضد  
**korbo** 18 سبد  
**korespondi** 10 مکاتبه  
**koro** 18 قلب دل  
**korpo** 6 بدن  
**korto** 13 حیاط  
**kosti** 18 ارزیدن  
**krajono** 2 مداد  
**kravato** 15 کراوات  
**kredi** 18 باورداشتن  
**kreski** 17 رشد کردن  
**kreto** 13 گنج  
**krii** 19 فریادزدن  
**kritiki** 22 انتقاد کردن  
**krom** 17 علاوه بر  
**krono** 18 تاج  
**kruro** 18 ساق پا  
**kudri** 13 دوختن  
**kui** 12 آشپزی کردن - پختن  
**kuko** 15 کلوچه - بیسکویت - شیرینی

**kulero** 13 قاشق  
**kun** 6 با  
**kuri** 7 دویدن  
**kuŝi** 12 قرارگرفتن - درازکشیدن  
**kuzo** 19 پسرعمو و دایی و عمه و خاله  
**kvalito** 17 کیفیت  
**kvankam** 18 با اینکه  
**kvar** 6 چهار  
**kvartalo** 22 محله  
**kvazaŭ** 21 انگار  
**kvin** 6 پنج

**L**  
**la** 2 حرف تعریف  
**labori** 6 کارکردن  
**laca** 11 خسته  
**lakto** 8 شیر خوراکی  
**lambo** 3 لامپ - چراغ  
**lando** 20 سرزمین - کشور  
**lango** 18 زبان در دهان  
**lasi** 14 گذاشتن - نهادن - ول کردن  
**laŭ** 22 مطابق  
**laŭta** 22 صدای بلند  
**lavi** 10 شستن  
**leciono** 1 درس

**legi** 1 خواندن  
**legomo** 15 سبزیجات  
**leono** 17 شیر حیوان  
**lerni** 9 یادگرفتن  
**letero** 5 نامه  
**levi** 22 بلندکردن  
**li** 2 او مرد  
**libera** 10 آزاد  
**libro** 1 کتاب  
**lingvo** 21 زبان لفظ  
**lito** 4 بستر  
**litro** 8 لیتر  
**loĝi** 4 سکونت  
**loko** 12 جا مکان  
**longa** 10 دراز  
**ludi** 8 بازی کردن  
**lumi** 14 نورافشاندن  
**lundo** 7 دوشنبه  
**luno** 19 ماه قمر  
**lupo** 21 گرگ

**M**  
**magazeno** 18 مغازه  
**majo** 10 ماه می  
**mal-** 3 پیشوند ضد  
**malgraŭ** 20 علیرغم  
**mangi** 7 خوردن  
**manki** 13 کم بودن  
**mano** 6 دست  
**mansako** 3 ساک دستی - کیف دستی  
**mantelo** 22 مانتو - روپوش - پالتو  
**mardo** 7 سه شنبه  
**marmelado** 12 مارمالاد  
**maro** 20 دریا  
**marto** 10 مارس  
**maŝino** 10 ماشین  
**matematiko** 14 ریاضیات  
**mateno** 10 صبح  
**matura** 11 رسیده - بالغ  
**mem** 17 خود  
**membro** 18 عضو  
**memori** 18 بخاطر آوردن  
**mentono** 18 چانه  
**merkredo** 7 چهارشنبه  
**meti** 19 نهادن - گذاشتن - قراردادن  
**mezo** 15 میان  
**mezuri** 16 اندازه گرفتن  
**mi** 1 من

**mielo** 20 عسل  
**mil** 16 هزار  
**minuto** 7 دقیقه  
**moderna** 22 مدرن  
**momento** 22 لحظه  
**monato** 10 ماه تقویمی  
**mondo** 20 جهان  
**mono** 15 پول  
**monto** 12 کوه  
**montri** 13 نشان دادن  
**morgaŭ** 7 فردا  
**morto** 12 مرگ  
**multaj** 8 بسیاری  
**muro** 13 دیوار  
**muso** 12 موش  
**muziko** 17 موسیقی

**N**  
**-n** 5,10,14 پایانه مفعولی  
**naĝi** 11 شناکردن  
**naskiĝi** 10 زاده شدن  
**natur** 16 طبیعت  
**naŭ** 6 نه عدد  
**nazo** 6 بینی  
**ne** 1 نه حرف نفی  
**neĝo** 19 برف  
**nek** 17 نه موکد  
**nenia** 12 هیچگونه  
**neniam** 12 هیچگاه  
**nenie** 12 هیچ جا  
**nenio** 11 هیچ چیز  
**neniu** 11 هیچکس  
**nepo** 19 نوه  
**ni** 3 ما  
**nigra** 3 سیاه  
**-nj-** 21 پسوند صمیمیت مؤنث  
**nokto** 10 شب  
**nomo** 10 نام  
**nova** 13 تازه  
**novembro** 10 نوامبر  
**nubo** 20 ابر  
**nun** 5 اکنون  
**nur** 12 فقط

**O**  
**-o** 3 پسوند اسم  
**objekto** 1 چیز شی  
**-obla** 16 پسوند چند برابرکردن - ضرب در حالت صفتی  
**-oble** 16 چند برابر / قید

**ofte** 14 اغلب  
**ok** 6 هشت  
**okazi** 20 اتفاق افتادن  
**oktobro** 10 اکتبر  
**okulo** 6 چشم  
**ol** 9 از در تفضیل  
**ombro** 20 سایه  
**oni** 13 ضمیر نامعین / ضمیر مجهول کننده  
**onklo** 13 عمو - دایی - شوهرخاله  
**-ono** 16 پسوند کسر ساز  
**-onta** 19 پسوند صفت فاعلی  
**-op-** 16 حرف اضافه تویزیعی  
**ordo** 19 نظم  
**orelo** 6 گوش  
**-os** 7 پسوند فعل آینده  
**-ota** 20 پسوند صفت مفعولی  
**ovo** 14 تخم مرغ

**P**  
**pafi** 13 شلیک کردن  
**pagi** 18 پرداخت کردن  
**paĝo** 1 صفحه  
**pakaĵo** 11 بسته  
**pano** 8 نان  
**pantalono** 22 شلوار  
**papero** 3 کاغذ  
**pardoni** 22 بخشیدن - بخشانیدن  
**parenc** 9 قوم و خویش  
**par** 16 جفت  
**paroli** 5 سخن گفتن  
**parto** 18 بخش  
**pasi** 17 گذشتن - عبور کردن  
**patro** 4 پدر  
**peco** 21 تکه  
**pensi** 13 اندیشیدن  
**per** 6 با - بوسیله  
**permesi** 22 اجازه دادن  
**persono** 15 شخص  
**peti** 8 خواهش کردن  
**piedo** 6 پا  
**pilko** 22 توپ  
**piro** 15 گلابی  
**plaĉi** 22 چسبیدن - مطبوع افتادن  
**plafono** 13 سقف



planko<sup>2</sup> کف  
 planto<sup>16</sup> گیاه  
 plej<sup>9</sup> ترین - علامت صفت عالی  
 plena<sup>11</sup> پر - مملو  
 pli<sup>9</sup> تر - علامت صفت تفضیلی  
 plori<sup>12</sup> گریستن  
 plu<sup>20</sup> دیگر - بیش  
 plumo<sup>2</sup> پر - قلم  
 pluvo<sup>20</sup> باران  
 po<sup>16</sup> حرف اضافه توزیع و ترتیب  
 pomo<sup>1</sup> سیب  
 por<sup>15</sup> برای - بخاطر  
 por ke<sup>15</sup> برای اینکه  
 pordo<sup>4</sup> درب  
 porko<sup>14</sup> خوک  
 porti<sup>15</sup> بردن - حمل  
 post<sup>7</sup> بعد  
 poŝo<sup>22</sup> جیب  
 poŝtmarko<sup>10</sup> تمبر پست  
 povi<sup>8</sup> توانستن  
 pravi<sup>22</sup> حق داشتن  
 precipe<sup>20</sup> اصلا - بخصوص  
 preĝejo<sup>16</sup> عبادتگاه - کلیسا  
 preni<sup>11</sup> برداشتن  
 prepari<sup>12</sup> آماده کردن  
 preskaŭ<sup>17</sup> تقریباً  
 preta<sup>15</sup> حاضر - آماده  
 preter<sup>22</sup> کنار  
 prezenti<sup>22</sup> ارائه کردن  
 pri<sup>7</sup> درباره  
 printempo<sup>11</sup> بهار  
 pro<sup>17</sup> به سبب  
 problemo<sup>14</sup> مسئله  
 proksima<sup>14</sup> نزدیک  
 promeni<sup>7</sup> گردش - قدم زدن  
 propri<sup>17</sup> شخصی  
 proverbo<sup>12</sup> ضرب المثل  
 pruno<sup>15</sup> آلو  
 prunti<sup>18</sup> قرض گرفتن  
 pulovero<sup>22</sup> پولیور  
 pura<sup>11</sup> پاک  
 puŝi<sup>22</sup> فشردن - هل دادن

## R

radioaparato<sup>17</sup> رادیو  
 rakonti<sup>14</sup> حکایت کردن  
 rapide<sup>7</sup> سریع  
 re-<sup>18</sup> پیشوند تکرار  
 reĝo<sup>16</sup> شاه  
 renkonti<sup>18</sup> ملاقات

respondi<sup>8</sup> پاسخ دادن  
 respubliko<sup>21</sup> جمهوری  
 resti<sup>11</sup> ماندن  
 restoracio<sup>7</sup> رستوران  
 ricevi<sup>10</sup> دریافت کردن  
 riĉa<sup>15</sup> ثروتمند - غنی  
 ridi<sup>12</sup> خندیدن  
 rigardi<sup>6</sup> نگاه کردن  
 rikolti<sup>21</sup> برداشت محصول  
 rimarki<sup>20</sup> دریافتن - توجه کردن  
 ripozi<sup>0</sup> استراحت کردن  
 rivero<sup>16</sup> رود  
 robo<sup>22</sup> لباس بلند  
 romano<sup>14</sup> رمان  
 rozo<sup>1</sup> رز - گل سرخ  
 ruĝa<sup>5</sup> سرخ

## S

sabato<sup>7</sup> شنبه  
 saĝa<sup>17</sup> عاقل  
 sako<sup>18</sup> ساک - کیسه - کیف  
 salti<sup>20</sup> جهیدن  
 saluto<sup>7</sup> سلام  
 saluton<sup>7</sup> سلام بر شما  
 same<sup>15</sup> همان  
 sana<sup>13</sup> سالم  
 sata<sup>8</sup> سیر - ضد گرسنه  
 scii<sup>11</sup> دانستن  
 se<sup>15</sup> اگر  
 sed<sup>2</sup> اما - ولی  
 seĝo<sup>20</sup> صندلی  
 seka<sup>22</sup> خشک  
 sekundo<sup>16</sup> ثانیه  
 sekvi<sup>11</sup> پی گرفتن - دنبال کردن  
 semajno<sup>7</sup> هفته  
 semi<sup>21</sup> بذرافشانی  
 sen<sup>6</sup> بدون  
 sendi<sup>10</sup> فرستادن  
 senti<sup>20</sup> حس کردن  
 sep<sup>6</sup> هفت  
 septembro<sup>10</sup> سپتامبر  
 serĉi<sup>18</sup> جستجو  
 ses<sup>6</sup> شش  
 sezono<sup>11</sup> فصل  
 si<sup>10</sup> خو - خویش - ضمیر انعکاسی  
 sia<sup>10</sup> مال خود  
 sidi<sup>2</sup> نشستن  
 silenti<sup>13</sup> سکوت کردن  
 simpla<sup>19</sup> ساده

sinjoro<sup>22</sup> آقا  
 skii<sup>11</sup> اسکی کردن  
 skribi<sup>5</sup> نوشتن  
 slovaka<sup>10</sup> اسلواکیایی  
 Slovakio<sup>21</sup> اسلواکی  
 sola<sup>17</sup> تنها  
 soldato<sup>13</sup> سرباز  
 somero<sup>11</sup> تابستان  
 sonori<sup>13</sup> زنگ زدن  
 spiri<sup>17</sup> نفس کشیدن  
 stacio<sup>19</sup> ایستگاه  
 stalo<sup>19</sup> اصطبل  
 stari<sup>2</sup> ایستادن  
 stelo<sup>19</sup> ستاره  
 strato<sup>13</sup> خیابان  
 studento<sup>17</sup> دانشجو  
 stulta<sup>17</sup> احمق  
 sub<sup>3</sup> زیر  
 suĉi<sup>17</sup> مکیدن  
 sudo<sup>20</sup> جنوب  
 sufice<sup>18</sup> پس - کافی  
 sukero<sup>17</sup> شکر  
 suno<sup>12</sup> خورشید  
 super<sup>3</sup> روی - بالای  
 superjaro<sup>11</sup> سال کیبسه  
 supo<sup>15</sup> سوپ - خورش  
 sur<sup>2</sup> روی - بر

## Ŝ

ŝafo<sup>14</sup> گوسفند  
 ŝati<sup>8</sup> دوست داشتن  
 ŝi<sup>2</sup> او مونث  
 ŝipo<sup>19</sup> کشتی  
 ŝlosi<sup>13</sup> قفل کردن  
 ŝpari<sup>18</sup> پس انداز کردن - صرفه جویی  
 ŝranko<sup>4</sup> گنجه - کمد  
 ŝtato<sup>19</sup> دولت  
 ŝtono<sup>20</sup> سنگ  
 ŝtrumpo<sup>22</sup> جوراب  
 ŝuo<sup>22</sup> کفش

## T

tablo<sup>1</sup> میز  
 tablotuko<sup>15</sup> دستمال سفره  
 tabulo<sup>2</sup> تخته - تخته سیاه  
 tago<sup>7</sup> روز  
 tamen<sup>18</sup> باین وجود  
 taso<sup>12</sup> فنجان  
 teatro<sup>22</sup> تئاتر

telero<sup>12</sup> بشقاب  
 televido<sup>14</sup> تلویزیون  
 tempo<sup>12</sup> وقت  
 tero<sup>16</sup> زمین  
 terpomo<sup>15</sup> سیب زمینی  
 tia<sup>12</sup> آنگونه  
 tial<sup>14</sup> بدان علت  
 tiam<sup>12</sup> آنوقت  
 tie<sup>5</sup> آنجا  
 tiel<sup>14</sup> بدان ترتیب  
 tigro<sup>14</sup> ببر  
 timi<sup>18</sup> ترسیدن  
 tio<sup>1</sup> آن چیز  
 tiom<sup>13</sup> آنقدر  
 tiri<sup>14</sup> کشیدن بسوی خود  
 tiu<sup>5</sup> آنکس - آن یک  
 tondi<sup>13</sup> قیچی کردن  
 tra<sup>15</sup> وراي  
 traktoro<sup>9</sup> تراکتور  
 tramo<sup>22</sup> تراموا  
 tranĉi<sup>13</sup> بریدن  
 trans<sup>22</sup> ماورای - فوق  
 tre<sup>11</sup> بسیار  
 tri<sup>1</sup> سه  
 trinki<sup>7</sup> آشامیدن  
 tro<sup>22</sup> بسیار زیاد  
 trovi<sup>18</sup> یافتن  
 trunko<sup>18</sup> تنه - بدنه  
 tunelo<sup>15</sup> تونل  
 turo<sup>16</sup> برج  
 tuta<sup>9</sup> همه - کل

## U

-u<sup>8</sup> پسوند فعل امر  
 -ujo<sup>19</sup> پسوند معنی مکان - کشور - جای  
 -ulo<sup>17</sup> پسوند معنی شخص  
 -um-<sup>21</sup> پسوند کلمه ساز  
 unu<sup>1</sup> یک  
 urbo<sup>4</sup> شهر  
 -us<sup>15</sup> پسوند فعل شرط  
 uzi<sup>20</sup> استفاده کردن

## V

vagono<sup>10</sup> واگن  
 vango<sup>18</sup> گونه  
 varma<sup>11</sup> گرم  
 glandan-<sup>5</sup> طرف  
 vazo<sup>5</sup> گلدان  
 vekti<sup>12</sup> بیدار کردن  
 vendi<sup>18</sup> فروختن  
 vendredo<sup>7</sup> جمعه

**veni** <sup>13</sup> آمدن  
**vento** <sup>16</sup> باد  
**ventro** <sup>18</sup> شکم  
**verda** <sup>11</sup> سبز  
**vero** <sup>13</sup> راستی - حقیقت  
**vespero** <sup>10</sup> عصر - غروب  
**vesto** <sup>12</sup> لباس  
**vetero** <sup>14</sup> آب و هوا  
**veturi** <sup>10</sup> حرکت با وسائط نقلیه  
**vi** <sup>1</sup> شما  
**viando** <sup>15</sup> گوشت  
**vico** <sup>16</sup> نوبت - صف  
**vidi** <sup>10</sup> دیدن  
**vidvo** <sup>19</sup> بیوه مرد  
**vilaĝo** <sup>19</sup> روستا  
**vino** <sup>16</sup> شراب  
**vintro** <sup>11</sup> زمستان  
**viro** <sup>4</sup> مرد  
**vitro** <sup>18</sup> شیشه  
**vivi** <sup>11</sup> زندگی  
**vizaĝo** <sup>18</sup> چهره  
**viziti** <sup>17</sup> ملاقات کردن  
**voĉo** <sup>13</sup> صدا - رای  
**vojaĝi** <sup>20</sup> سفر کردن  
**vojo** <sup>20</sup> راه  
**voki** <sup>21</sup> صدا زدن  
**voli** <sup>8</sup> خواستن

## Z

**zoologia** <sup>17</sup> باغ وحش  
**zorgi** <sup>17</sup> غمخواری - مراقبت

واژه نامه فارسی- اسپرانتو

عدد کنار واژه اسپرانتو نشان می‌دهد که واژه اول بار در کدام درس بکار رفته است.

levi 22 بلندشدن  
 jeŝ 2 به  
 bluzo 22 بلوز  
 bileto 22 بلیت  
 ĉesi 20 بند آمدن  
 aspekti 21 بنظررسیدن  
 al 5 به  
 printempo 11 بهار  
 esti 1 بودن  
 kiso 12 بوسه  
 memori 2 بیاد داشتن  
 vekti 12 بیدارکردن  
 ekster 22 بیرون  
 fremda 20 بیگانه  
 inter 9 بین  
 nazo 6 بینی

پ

pa 6 پا  
 respondi 2 پاسخ دادن  
 pura 11 پاک  
 fino 10 پایان  
 aŭtuno 11 پاییز  
 kuiri 12 پختن  
 patro 4 پدر  
 avo 4 پدربزرگ  
 aperi 19 پدیدار شدن  
 plumo 2 پر- قلم  
 plena 11 پر مملو  
 pagi 18 پرداختن  
 demandi 19 پرسیدن  
 birdo 13 پرنده  
 flugi 13 پرواز  
 ŝpari 18 پس انداز- قناعت  
 do 18 پس- خب  
 knabo 4 پسر  
 kuzo 19 پسرعمو  
 dorso 18 پشت  
 kvin 6 پنج  
 fenestro 4 پنجره  
 jaŭdo 7 پنجشنبه  
 kaŝi 20 پنهان کردن  
 fromaĝo 12 پنیر  
 apud 3 پهلو  
 mono 15 پول  
 pulovero 22 پولیور

brako 16 بازو  
 ludi 8 بازی کردن  
 ĝardeno 3 باغ  
 zoologia 17 باغ وحش  
 ĝardeno (zoo) 17 باغ وحش  
 super 3 بالای  
 matura 11 بالغ- رسیده  
 kredi 18 باورداشتن  
 devi 12 بایستن  
 tigro 14 ببر  
 anstataŭ 21 بجای  
 infano 8 بچه  
 por (iu) 15 بخاطر برای  
 parto 18 بخش  
 pardoni 22 بخشیدن، عفو کردن  
 tial 14 بدان علت  
 korpo 6 بدن  
 sen 6 بدون  
 oble 16 برابر ضربدر  
 frato 8 برادر  
 nepo 19 برادرزاده-خواهرزاده  
 turo 16 برج  
 renkonti 18 برخوردکردن-ملاقات کردن  
 rikolti 21 برداشت محصول  
 preni 11 برداشتن- گرفتن  
 porti 15 بردن  
 neĝo 19 برف  
 elektra 16 برقی  
 folio 11 برگ  
 tranĉi 13 بریدن  
 kaprino 21 بز  
 apenaŭ 21 به زحمت، به سختی  
 granda 3 بزرگ  
 baldaŭ 15 بزودی  
 fermi 8 بستن  
 glaciaĵo 22 بستنی  
 pakajo 22 بسته  
 tre 11 بسیار  
 tro 22 بسیار زیاد  
 multe (da) 8 بسیاری از  
 telero 12 بشقاب  
 botelo 8 بطری  
 post 12 بعد  
 pro (io) 17 بعط  
 ia 12 بگونه ای  
 laŭta 22 بلند  
 alta 9 بلند

se 15 اگر  
 alkoholo 17 الکل  
 diamanto 19 الماس  
 pruno 5 آلو  
 sed 2 اما-ولی  
 veni 13 آمدن  
 hodiaŭ 7 امروز  
 Ameriko 22 آمریکا  
 espero 20 امید  
 ĝi 3 آن  
 tio 1 آن چیز  
 atendi 19 انتظارکشیدن  
 kritiki 22 انتقاد  
 tie 5 آنجا  
 fari 6 انجام دادن  
 tiel 14 آنچنان  
 ĵeti 22 انداختن  
 mezuri 16 اندازه گرفتن  
 pensi 13 اندیشیدن  
 homo 1 انسان  
 tiom 13 آنقدر  
 tiu 5 آن یک  
 tiam 12 آنگاه  
 fingro 6 انگشت  
 tia 12 آنگونه  
 ili 3 آنها  
 forĝi 21 آهنگری  
 ŝi 2 او زن  
 li 2 او مرد  
 kanti 18 آواز خواندن  
 aŭgusto 10 اوت  
 aprilo 10 آوریل  
 ĉu 2 آیا  
 stari 2 ایستادن  
 stacio 19 ایستگاه  
 ĉi tie 14 اینجا  
 jen 19 اینک

ب

kun 7 با  
 tamen 18 با این وجود معذالک  
 kvankam 18 بااینکه  
 vento 16 باد  
 pluvo 20 باران  
 foje 16 باری- یک دفعه  
 viziti 17 بازدید

akvo 3 آب  
 vetero 14 آب وهوا  
 biero 4 آبجو  
 nubo 20 ابر  
 bombono 17 آبنبات  
 blua 4 آبی  
 ĉambro 4 اتاق  
 fajro 14 آتش  
 okazi 20 اتفاق افتادن  
 aŭtobuso 22 اتوبوس  
 auto 10 اتومبیل  
 permesi 22 اجازه  
 forno 14 اجاق  
 adreso 10 آدرس  
 prezenti 22 ارایه دادن  
 faruno 21 آرد  
 kosti 18 ارزیدن  
 de 5 از  
 ol 9 از  
 el 2 از- از میان  
 libera 10 آزاد  
 preter 22 ازکنار  
 tra 15 از میان  
 trans 22 ازورای- ماورای  
 facila 13 آسان  
 ĉevalo 1 اسب  
 ripozi 10 استراحت  
 uzi 20 استفاده کردن  
 skii 11 اسکی  
 slovaka 10 اسلواکیایی  
 ĉielo 19 آسمان  
 trinki 7 آشامیدن  
 erari 9 اشتباه  
 apetito 12 اشتها  
 stalo 19 اصطبل  
 ĉefa 18 اصلی  
 ĉirkaŭ 15 اطراف  
 komenco 10 آغاز  
 ofte 14 اغلب  
 fali 20 افتادن  
 horizonto 20 افق  
 sinjoro 22 آقا  
 loĝi 4 اقامت  
 oktobro 10 اکتبر  
 nun 5 اکنون

**en** در  
**longa** 10 دراز  
**kuŝi** 12 درازکشیدن  
**pordo** 4 درب  
**pri** 14 درباره  
**dum** 17 درحین  
**arbo** 3 درخت  
**brili** 12 درخشیدن  
**dolori** 16 دردکردن  
**leciono** 1 درس  
**maro** 20 دریا  
**rimarki** 20 دریافتن  
**decembro** 10 دسامبر  
**mano** 6 دست  
**dekstra** 18 دست راست  
**almenaŭ** 15 دستکم  
**tablotuko** 15 دستمال سفره  
**gramatiko** 1 دستور  
**minuto** 7 دقیقه  
**butono** 21 دکمه  
**agrable** 16 دلچسب مطبوع  
**dento** 12 دندان  
**mondo** 20 دنیا  
**buŝo** 6 دهان  
**biciklo** 11 دوچرخه  
**kudri** 13 دوختن  
**for** 17 دور  
**amiko** 5 دوست  
**ŝati** 8 دوست داشتن  
**ami** 5 دوست داشتن  
**lundo** 14 دوشنبه  
**ŝtato** 19 دولت  
**kuri** 7 دویدن  
**vidi** 10 دیدن  
**hierau** 7 دیروز  
**plu** 20 دیگر  
**alia** 14 دیگری  
**muro** 13 دیوار

**radioaparato** 17 رادیو  
**vero** 13 راستی حقیقت  
**vojo** 20 راه  
**rozo** 1 رز گل سرخ  
**restoracio** 7 رستوران  
**kreski** 17 رشدکردن  
**iri** 5 رفتن  
**danci** 12 رقصیدن  
**romano** 14 رمان  
**koloro** 11 رنگ

**jam** حالا دیگر  
**eĉ** 20 حتی  
**po** 16 حرف اضافه توزیع یک به یک  
**oni** حرف میزنند- میگویند  
**parolas**  
**veturi** 10 حرکت کردن باوسایط نقلیه  
**senti** 20 حس کردن  
**pravi** 22 حق داشتن  
**anekdoto** 16 حکایت  
**bani** 12 حمام کردن  
**korto** 13 حیاط  
**besto** 1 حیوان  
**animalo** 16 حیوان

**griza** 20 خاکستری  
**domo** 3 خانه  
**familio** 4 خانواده  
**azeno** 14 خر  
**aĉeti** 18 خریدن  
**laca** 11 خسته  
**seka** 22 خشک  
**kolero** 21 خشم  
**precipe** 20 خصوصا اصلا  
**ridi** 12 خندیدن  
**dormi** 8 خوابیدن  
**voli** 8 خواستن  
**deziri** 14 خواستن  
**deziri** 14 خواستن  
**(legi** 5 ( خواندن  
**bona** 3 خوب  
**mem** 17 خود  
**li lavas sin** 10 خود را میشوید  
**egoista** 20 خودخواه  
**mangĵi** 7 خوردن  
**suno** 12 خورشید  
**ĝoji** 16 خوش بودن  
**feliĉa** 14 خوشبخت  
**porko** 14 خوک  
**strato** 13 خیابان

**doni** 8 دادن  
**fabelo** 21 داستان  
**havi** 5 داشتن  
**jupo** 22 دامن  
**scii** 11 دانستن  
**studento** 17 دانشجو

**riĉa** 15 ثروتمند

**loko** 12 جا  
**balai** 13 جاروکردن  
**interesa** 14 جالب  
**glaso** 3 جام  
**ie** 12 جایی  
**ĉarma** 14 جذاب  
**flui** 19 جریان داشتن  
**serĉi** 18 جستجو  
**festo** 22 جشن  
**geografio** 14 جغرافی  
**paro** 16 جفت  
**kolekti** 16 جمع آوری  
**vendredo** 7 جمعه  
**frazo** 22 جمله  
**flanko** 18 جنب کنار  
**sudo** 20 جنوب  
**salti** 20 جهیدن  
**juna** 4 جوان  
**ŝtrumpo** 22 جوراب  
**poŝo** 22 جیب

**mentono** 18 چانه  
**kial** 8 چرا  
**plaĉi** 21 چسبیدن دلچسب بودن  
**okulo** 6 چشم  
**kiel** 7 چطور  
**kia** 3 چگونه  
**herbo** 16 چمن- علف  
**kelkaj** 13 چند  
**obla** 16- چند برابر  
**forko** 13 چنگال  
**kiom** 6 چه مقدار  
**kvar** 4 چهار  
**merkredo** 7 چهارشنبه  
**vizaĝo** 18 چهره  
**ajo** 17 چیز  
**objekto** 1 چیز شی  
**io** 11 چیزی  
**ion** 14 چیزی را

**preta** 15 حاضر  
**prepari** 12 حاضرکردن

**seki** 11 پی گرفتن  
**komplika** 19 پیچیده  
**ĉemizo** 21 پیرهن  
**frunto** 18 پیشانی  
**dis-** 18 پیشوند جدایی  
**aliĝi** 11 پیوستن

**gis** 10 تا  
**somero** 11 تابستان  
**krono** 18 تاج  
**dato** 10 تاریخ  
**historio** 14 تاریخ  
**freŝa** 19 تازه  
**intersanĝi** 10 تبادل  
**lito** 4 تختخواب بستر  
**ovo** 14 تخم مرغ  
**traktoro** 9 تراکتور  
**tramo** 22 تراموا  
**timi** 18 ترسیدن  
**pli** 9 تر- علامت صفت تفضیلی  
**plej** 9 ترین  
**danki** 7 تشکر  
**decidi** 19 تصمیم گرفتن  
**rakonti** 14 تعریف کردن- حکایت کردن  
**ferioj** 20 تعطیلات  
**peti** 8 تقاضا کردن  
**preskaŭ** 17 تقریبا  
**kalendaro** 10 تقویم  
**kompletigi** 11 تکمیل  
**peco** 21 تکه  
**televideo** 14 تلویزیون  
**tuta** 9 تمام  
**poŝtmarko** 10 پتمبر  
**rapide** 6 تند- سریع  
**trunko** 18 تنه- تن  
**sola** 17 تنها  
**povi** 8 توانستن  
**pilko** 22 توپ  
**frago** 20 توت فرنگی  
**atento** 22 توجه  
**halti** 16 توقف کردن  
**tunelo** 15 تونل  
**teatro** 22 تئاتر

**sekundo** 16 ثانیه



forgesi<sup>8</sup> فراموش کردن  
 morgaŭ<sup>7</sup> فردا  
 filo<sup>9</sup> فرزند پسر  
 sendi<sup>10</sup> فرستادن ارسال  
 vendi<sup>18</sup> فروختن  
 krii<sup>19</sup> فریاد  
 sezono<sup>11</sup> فصل  
 nur<sup>12</sup> فقط  
 kompreni<sup>15</sup> فهمیدن  
 februaro<sup>10</sup> فوریه  
 filmo<sup>14</sup> فیلم

### ق

inda<sup>21</sup> قابل - شایسته  
 fungo<sup>19</sup> قارچ  
 kulero<sup>13</sup> قاشق  
 antaŭ<sup>7</sup> قبل پیش جلو  
 prunti<sup>18</sup> قرض کردن  
 ruĝa<sup>5</sup> قرمز  
 afero<sup>15</sup> قضیه-امر  
 ŝlosi<sup>13</sup> قفل کردن  
 koro<sup>18</sup> قلب  
 bruna<sup>5</sup> قهوه ای  
 kafo<sup>11</sup> قهوه  
 parenco<sup>19</sup> قوم و خویش، فامیل  
 forta<sup>14</sup> قوی  
 tondi<sup>13</sup> قیچی کردن

### ک

kapitano<sup>17</sup> کاپیتان  
 bildkarto<sup>10</sup> کارت پستال  
 fabriko<sup>9</sup> کارخانه  
 labori<sup>6</sup> کارکردن  
 semi<sup>21</sup> کاشتن بذر  
 papero<sup>3</sup> کاغذ  
 sufiĉe<sup>18</sup> کافی  
 jako<sup>22</sup> کت کاپشن  
 libro<sup>1</sup> کتاب  
 kie<sup>2</sup> کجا  
 kravato<sup>15</sup> کراوات  
 butero<sup>12</sup> کره  
 iu<sup>11</sup> کسی  
 kiu<sup>8</sup> کسیکه چه کسی  
 ŝipo<sup>19</sup> کشتی  
 tiri<sup>6</sup> کشیدن بسوی خود  
 fumi<sup>22</sup> کشیدن دود  
 planko<sup>2</sup> کف  
 ŝuo<sup>22</sup> کفش

leono<sup>17</sup> شیر  
 lakto<sup>8</sup> شیر خوردنی  
 dolĉa<sup>17</sup> شیرین  
 vitro<sup>18</sup> شیشه

### ص

mateno<sup>10</sup> صبح  
 cent<sup>9</sup> صد  
 voĉo<sup>13</sup> صدا- رای  
 voki<sup>21</sup> صدازدن  
 eco<sup>17</sup> صفت  
 paĝo<sup>1</sup> صفحه  
 seĝo<sup>2</sup> صندلی  
 fotelo<sup>14</sup> صندلی چارپایه  
 kontraŭ<sup>15</sup> ضد

### ض

proverbo<sup>12</sup> ضرب المثل

### ط

laŭ<sup>22</sup> طبق  
 etaĝo<sup>22</sup> طبقه  
 naturo<sup>16</sup> طبیعت  
 desegni<sup>18</sup> طراحی

### ع

saga<sup>17</sup> عاقل  
 preĝejo<sup>16</sup> عبادتگاه  
 dek<sup>6</sup> عدد ده  
 du<sup>1</sup> عدد دو  
 naŭ<sup>6</sup> عدد نه  
 fraŭlo<sup>17</sup> عذب  
 kara<sup>10</sup> عزیز  
 mielo<sup>20</sup> عسل  
 vespero<sup>10</sup> عصر  
 ano, membro<sup>9</sup> عضو  
 membro<sup>20</sup> عضو  
 bildo<sup>9</sup> عکس تصویر  
 krom<sup>17</sup> علاوه بر  
 malgraŭ<sup>20</sup> علیرغم  
 onklo<sup>19</sup> عمو، دایی، شوهرخاله، شوهرعمه

### ف

paroli<sup>5</sup> سخن گفتن  
 kapo<sup>6</sup> سر  
 soldato<sup>13</sup> سرباز  
 lando<sup>16</sup> سرزمین  
 vojaĝi<sup>20</sup> سفر  
 blanka<sup>3</sup> سفید  
 plafono<sup>13</sup> سقف  
 silenti<sup>13</sup> سکوت  
 hundo<sup>2</sup> سگ  
 saluto<sup>7</sup> سلام  
 ŝtono<sup>20</sup> سنگ  
 tri<sup>1</sup> سه

mardo<sup>7</sup> سه شنبه  
 supo<sup>15</sup> سوپ خورش  
 fajfi<sup>13</sup> سوت زدن  
 bruli<sup>14</sup> سوختن  
 nigra<sup>3</sup> سیاه  
 pomo<sup>1</sup> سیب  
 terpomo<sup>15</sup> سیب زمینی  
 sata<sup>15</sup> سیر  
 cigaredo<sup>22</sup> سیگار  
 kinejo<sup>22</sup> سینما  
 brusto<sup>18</sup> سینه

### ش

branĉo<sup>20</sup> شاخه  
 gaja<sup>20</sup> شاد  
 kombi<sup>13</sup> شانه زدن  
 reĝo<sup>16</sup> شاه  
 eble<sup>18</sup> شاید ممکنه  
 nokto<sup>10</sup> شب  
 persono<sup>15</sup> شخص  
 propra<sup>17</sup> شخصی- مال خود  
 vino<sup>16</sup> شراب  
 lavi<sup>10</sup> شستن  
 ses<sup>6</sup> شش  
 flamo<sup>20</sup> شعله  
 klara<sup>20</sup> شفاف واضح روشن

sukero<sup>17</sup> شکر  
 ĉokolado<sup>3</sup> شکلات  
 ventro<sup>18</sup> شکم  
 pantalono<sup>22</sup> شلوار  
 pafi<sup>13</sup> شلیک کردن  
 vi<sup>1</sup> شما  
 koni<sup>13</sup> شناختن  
 naĝi<sup>11</sup> شناکردن  
 sabato<sup>7</sup> شنبه  
 aŭdi<sup>17</sup> شنیدن  
 urbo<sup>4</sup> شهر  
 edzo<sup>17</sup> شوهر

rivero<sup>16</sup> رود  
 tago<sup>7</sup> روز  
 vilaĝo<sup>19</sup> روستا  
 hela<sup>20</sup> روشن  
 sur<sup>2</sup> روی  
 matematiko<sup>14</sup> ریاضی  
 ĉefo<sup>19</sup> رئیس  
 estro<sup>9</sup> رئیس

### ز

zade<sup>14</sup> زاده  
 naskiĝi<sup>10</sup> زاده شدن  
 lango<sup>18</sup> زبان گوشت  
 lingvo<sup>21</sup> زبان لغت  
 flava<sup>11</sup> زرد  
 vintro<sup>11</sup> زمستان  
 tero<sup>16</sup> زمین  
 virino<sup>4</sup> زن  
 abelo<sup>19</sup> زنبور عسل  
 زندگي کردن- زیست  
 vivi<sup>11</sup>  
 zong زدن  
 sonori<sup>13</sup>  
 frua<sup>22</sup> زود  
 ega<sup>12</sup> زیاد  
 bela<sup>3</sup> زیبا  
 sub<sup>3</sup> زیر  
 ĉar<sup>7</sup> زیرا

### ژ

ĵanuario<sup>10</sup> ژانویه  
 fundo<sup>20</sup> ژرفا  
 junio<sup>10</sup> ژوئن  
 julio<sup>10</sup> ژوئیه

### س

simpila<sup>19</sup> ساده  
 ساعت مچی و دیواری  
 horloĝo<sup>12</sup>  
 ساعت وقت  
 horo<sup>5</sup>  
 ساق پا  
 kruro<sup>18</sup>  
 سال  
 jaro<sup>8</sup>  
 سال کیبسه  
 superjaro<sup>11</sup>  
 سالم  
 sana<sup>13</sup>  
 سایه  
 ombro<sup>20</sup>  
 سبد  
 korbo  
 سبز  
 verda  
 سبزیجات  
 legomo<sup>15</sup>  
 سپتامبر  
 septembro<sup>10</sup>  
 ستاره  
 stelo<sup>19</sup>





klaso<sup>9</sup> کلاس  
 ĉapo<sup>6</sup> کلاه  
 brasiko<sup>15</sup> کلم  
 kuko<sup>15</sup> کلوچه بیسکویت  
 manki<sup>13</sup> کم بودن  
 kampo<sup>15</sup> کمپ مزرعه  
 helpi<sup>14</sup> کمک کردن  
 bordo<sup>22</sup> کناره  
 ke<sup>13</sup> که  
 por ke, ke<sup>15</sup> که  
 frapi<sup>21</sup> کوبیدن  
 eta<sup>12</sup> کوچولو  
 monto<sup>12</sup> کوه  
 kiu<sup>3</sup> کی چه کسی  
 kiam<sup>10</sup> کی چه وقت  
 sako<sup>18</sup> کیسه ساک کیف  
 kvalito<sup>17</sup> کیفیت  
 kilogramo<sup>8</sup> کیلوگرم  
 kilometro<sup>22</sup> کیلومتر

### گ

iam<sup>12</sup> گاهی  
 bovino<sup>14</sup> گاو  
 kreto<sup>13</sup> گج  
 meti<sup>19</sup> گذاشتن  
 farti<sup>7</sup> گذراندن  
 pasi<sup>17</sup> گذشتن  
 kato<sup>1</sup> گربه  
 ekskurso<sup>16</sup> گردش و تفریح  
 kolo<sup>6</sup> گردن  
 گردیدن چرخیدن قدم زدن  
 promeni<sup>7</sup>  
 ricevi<sup>10</sup> گرفتن  
 kapti<sup>19</sup> گرفتن  
 lupo<sup>21</sup> گرگ  
 varma<sup>11</sup> گرم  
 plori<sup>12</sup> گریستن  
 diri<sup>8</sup> گفتن  
 floro<sup>1</sup> گل  
 piro<sup>15</sup> گلابی  
 vazo<sup>5</sup> گلدان - ظرف  
 ŝranko<sup>4</sup> گنجه  
 ŝafo<sup>14</sup> گوسفند  
 orelo<sup>7</sup> گوش  
 aŭskulti<sup>5</sup> گوش کردن  
 viando<sup>15</sup> گوشت  
 vango<sup>18</sup> گونه صورت  
 kvazaŭ<sup>21</sup> گویی که - انگار  
 planto<sup>16</sup> گیاه  
 ĉerizo<sup>20</sup> گیلاس

### ل

lampo<sup>3</sup> لامپ  
 vesto<sup>12</sup> لباس  
 لباس بلند مثل خرقه و مانتو و  
 robo<sup>8</sup> ماکسی  
 momento<sup>22</sup> لحظه  
 لطف کردن - خیرخواستن  
 bonvoli<sup>8</sup>  
 afable<sup>18</sup> لطفاً  
 litro<sup>8</sup> لیتر  
 citrono<sup>11</sup> لیموترش

### م

ni<sup>3</sup> ما  
 marto<sup>10</sup> مارس  
 marmelado<sup>12</sup> مارمالاد  
 maŝino<sup>10</sup> ماشین  
 kies<sup>13</sup> مال کی  
 mantelo<sup>22</sup> مانتو بارانی  
 monato<sup>10</sup> ماه تقویمی  
 luno<sup>19</sup> ماه قمر  
 majo<sup>10</sup> ماه مه  
 fiŝo<sup>19</sup> ماهی  
 ema<sup>8</sup> مایل  
 bedaŭri<sup>21</sup> متأسف بودن  
 Hungario<sup>10</sup> مجارستان  
 gazeto<sup>14</sup> مجله  
 kvartalo<sup>22</sup> محله  
 diversa<sup>15</sup> مختلف  
 krajono<sup>2</sup> مداد  
 direktoro<sup>19</sup> مدیر  
 zorgi<sup>17</sup> مراقبت نگرانی  
 viro<sup>4</sup> مرد  
 vidvo<sup>19</sup> مرد بیوه  
 kokino<sup>14</sup> مرغ  
 morto<sup>2</sup> مرگ  
 ĝeni<sup>22</sup> مزاحم شدن  
 gusto<sup>13</sup> مزه  
 ebria<sup>21</sup> مست  
 aĝa<sup>9</sup> مسن  
 problemo<sup>14</sup> مسئله  
 normala<sup>19</sup> معمولی  
 magazeno<sup>18</sup> مغازه انبار  
 iom<sup>13</sup> مقداری - قدری  
 korespondi<sup>10</sup> مکاتبه  
 suĉi<sup>17</sup> مکیدن  
 mi<sup>1</sup> من  
 hejmo<sup>10</sup> منزل

grava<sup>22</sup> مهم  
 gasto<sup>15</sup> مهمان  
 haro<sup>6</sup> مو  
 muziko<sup>17</sup> موسیقی  
 muso<sup>12</sup> موش  
 mezo<sup>15</sup> میان  
 mi estus<sup>15</sup> میبودم  
 tablo<sup>1</sup> میز  
 frukto<sup>1</sup> میوه

### ن

stulta, ahmc, نادان  
 malsaĝa<sup>17</sup>  
 nomo<sup>10</sup> نام  
 fianĉo<sup>19</sup> نامزد  
 letero<sup>5</sup> نامه  
 pano<sup>8</sup> نان  
 ĉe<sup>9</sup> نزد  
 proksima<sup>14</sup> نزدیک  
 montri<sup>13</sup> نشان دادن  
 sidi<sup>2</sup> نشستن  
 ordo<sup>19</sup> نظم  
 spiri<sup>17</sup> نفس کشیدن  
 rigardi<sup>6</sup> نگاه کردن  
 nek<sup>17</sup> نه  
 ne<sup>1</sup> نه  
 nova<sup>13</sup> نو جدید  
 karesi<sup>19</sup> نوازش  
 novembro<sup>10</sup> نوامبر  
 vico<sup>16</sup> نوبت - صف  
 نوردادن  
 lumi<sup>14</sup>  
 نوژاد  
 bebo, suĉinfano<sup>17</sup>  
 نوشتن  
 skribi<sup>5</sup>  
 نویسنده  
 aŭtoro  
 نیاز داشتن  
 bezoni<sup>17</sup>  
 نیمکت  
 benko<sup>13</sup>

### و

و (حرف ربط) و kaj<sup>1</sup>  
 واق واق boji<sup>14</sup>  
 واگن vagono<sup>12</sup>  
 وانپادن lasi<sup>14</sup>  
 وراچی - گپ و گفتگو babili<sup>13</sup>  
 وزیدن blovi<sup>16</sup>  
 وسیله ilo<sup>13</sup>  
 وقت tempo<sup>12</sup>

### ه

hotelo<sup>19</sup> هتل  
 ĉio<sup>11</sup> هرچیز  
 ambaŭ<sup>18</sup> هر دو  
 ĉiu<sup>11</sup> هرکس  
 kiu ajn<sup>14</sup> هرکه باشد  
 ĉia<sup>12</sup> هرگونه  
 mil<sup>16</sup> هزار  
 ok<sup>6</sup> هشت  
 sep<sup>6</sup> هفت  
 semajno هفته  
 هل دادن - فشار دادن puŝi<sup>22</sup>  
 همچنین - هم ankaŭ<sup>2</sup>  
 همه جا - هرجا ĉie<sup>12</sup>  
 همیشه ĉiam  
 همین الآن ĵus<sup>22</sup>  
 هنوز ankoraŭ<sup>8</sup>  
 هوا aero<sup>6</sup>  
 هیچ جا nenie<sup>12</sup>  
 هیچ چیز nenio<sup>11</sup>  
 هیچ وقت neniam<sup>12</sup>  
 هیچکس neniu<sup>11</sup>  
 هیچگونه nenia<sup>12</sup>

### ی

یا aŭ<sup>10</sup>  
 یاددادن instrui<sup>9</sup>  
 یادگرفتن lerni  
 یافت trovi<sup>18</sup>  
 یک unu<sup>1</sup>  
 یکسان - همان same<sup>15</sup>  
 یکشنبه dimanĉo<sup>7</sup>



## اگر می‌خواهید راجع به اسپرانتو بیشتر بدانید به سایت‌های زیر رجوع نمایید:

Irana Esperanto-Asocio: <a href="http://www.espero.ir/">http://www.espero.ir/</a>	انجمن اسپرانتوی ایران
Universala Esperanto-Asocio: <a href="http://www.uea.org">www.uea.org</a> .	انجمن جهانی اسپرانتو
Informoj pri Esperanto en 63 lingvoj: <a href="http://www.esperanto.net">www.esperanto.net</a> .	اطلاعاتی راجع به اسپرانتو به 63 زبان
Kursoj de Esperanto: <a href="http://www.lernu.net">www.lernu.net</a> ; <a href="http://www.cursodeesperanto.com.br">www.cursodeesperanto.com.br</a> .	دوره‌های آموزشی اسپرانتو
Esperantista junularo: <a href="http://www.tejo.org">www.tejo.org</a> .	سازمان جوانان اسپرانتیست
Retpa oĝoj por instruistoj kaj lernemuloj: <a href="http://www.edukado.net">www.edukado.net</a> ; <a href="http://ikso.net/ilei">http://ikso.net/ilei</a> .	سایت‌هایی برای معلمان و آموزش تخصصی
Libera enciklopedio en Esperanto: <a href="http://eo.wikipedia.org/">http://eo.wikipedia.org/</a>	دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا به اسپرانتو
Elektronika literaturo en Esperanto: <a href="http://esperantujo.org/eLibrejo/vwh.net/Esperanto/Literaturo/literaturo.html">http://esperantujo.org/eLibrejo/vwh.net/Esperanto/Literaturo/literaturo.html</a>	ادبیات اسپرانتو
Vendejo de esperanta oĝoj: <a href="http://www.uea.org/katalogo">www.uea.org/katalogo</a> ; <a href="http://retbutiko.esperanto.be/">http://retbutiko.esperanto.be/</a> .	فروشگاه‌های چیزهای مربوط به اسپرانتو
Muziko en Esperanto: <a href="http://www.musicexpress.com.br/">www.musicexpress.com.br/</a> ; <a href="http://www.vinilkosmo.com/">http://www.vinilkosmo.com/</a>	موسیقی اسپرانتو
Datenbazo pri Esperanto-kulturo kaj arto: <a href="http://artista.ikso.net/">http://artista.ikso.net/</a>	فرهنگ و هنر اسپرانتو
Informoj pri Esperanto: <a href="http://informado.net/">http://informado.net/</a> ; <a href="http://ikso.net/ric">http://ikso.net/ric</a> ; <a href="http://www.esperanto.net">www.esperanto.net</a> ; <a href="http://dmoz.org/World/Esperanto/">http://dmoz.org/World/Esperanto/</a> ; <a href="http://www.startu.net">www.startu.net</a>	اطلاعات راجع به اسپرانتو
Google en Esperanto: <a href="http://www.google.com/intl/eo/">www.google.com/intl/eo/</a>	گوگل به اسپرانتو
Pasporta Servo: <a href="http://www.tejo.org/ps/">www.tejo.org/ps/</a>	توافقی مهمان یکدیگر شوید در کشورهای مختلف
Vortaroj: <a href="http://www.la-vortaro.net">www.la-vortaro.net</a> <a href="http://www.purl.org/net/voko/revo">www.purl.org/net/voko/revo</a> ; <a href="http://www.uni-leipzig.de/esperanto/voko/revo/">www.uni-leipzig.de/esperanto/voko/revo/</a> .	فرهنگ لغات
Vetero tutmonda en Esperanto: <a href="http://esperanto.wunderground.com/global/S1.html">http://esperanto.wunderground.com/global/S1.html</a> .	آب و هوا به اسپرانتو
Kalendaro de Esperantaj aran oĝoj: <a href="http://www.eventoj.hu/kalendar.htm">www.eventoj.hu/kalendar.htm</a> .	تقویم برنامه‌های اسپرانتیستها
Radio Polonia en Esperanto: <a href="http://www.pola-retradio.org">www.pola-retradio.org</a> .	رادیو لهستان
Radioelsendoj en Esperanto: <a href="http://www.tejo.org/uea/Radioj_En_Esperanto">www.tejo.org/uea/Radioj_En_Esperanto</a> ; <a href="http://www.radioarkivo.org">www.radioarkivo.org</a> .	فرستنده‌های رادیویی
DVD pri Esperanto: <a href="http://www.esperantodvd.net">www.esperantodvd.net</a> .	دی‌وی‌دی درباره اسپرانتو
Bibliotekoj kaj muzeoj: <a href="http://www.esperanto.net/veb/">www.esperanto.net/veb/</a> ; <a href="http://www.onb.ac.at/sammlungen/planspra-chen/eo">www.onb.ac.at/sammlungen/planspra-chen/eo</a> ; <a href="http://www.biblbut.org">www.biblbut.org</a> ; <a href="http://www.ic-herzberg.de">www.ic-herzberg.de</a> ; <a href="http://www.jei.or.jp">www.jei.or.jp</a> ; <a href="http://www.uea.org/kiu/biblioteko.html">www.uea.org/kiu/biblioteko.html</a> ; <a href="http://www.uea.org/dokumentoj">www.uea.org/dokumentoj</a> ; <a href="http://www.aliaflanko.de/urbo/samarkand/muzeo.html">www.aliaflanko.de/urbo/samarkand/muzeo.html</a> .	کتابخانه‌ها و موزه‌ها
Esperantistaj kulturcentroj: <a href="http://www.ne.jp/asahi/e-domo/e-domo/2004.htm">www.ne.jp/asahi/e-domo/e-domo/2004.htm</a> ; <a href="http://www.kvinpetalo.org">www.kvinpetalo.org</a> ; <a href="http://www.ic-herzberg.de">www.ic-herzberg.de</a> .	فرهنگسراها اسپرانتو
Koresponda Servo Mondskala: <a href="http://www.multimania.com/kosomo">www.multimania.com/kosomo</a> .	خدمات مکاتبه
Eduka projekto Interkulturo: <a href="http://www.interkulturo.net">www.interkulturo.net</a> .	بینا فرهنگ
Retaj gazetoj: <a href="http://www.liberafolio.org">www.liberafolio.org</a> ; <a href="http://www.abonu.com">www.abonu.com</a> ; <a href="http://esperanto.china.org.cn/world/index.htm">http://esperanto.china.org.cn/world/index.htm</a> .	مجلات اینترنتی
Internacia Esperanto-Instituto: <a href="http://www.iei.nl/">http://www.iei.nl/</a>	انستیتو بین‌المللی اسپرانتو



## Enhavo - مندرجات

مقدمه .....	5
<b>1. Unua leciono:</b> Estas, kaj, ne, kio, tio. ....	7
<b>2. Dua leciono:</b> ĉu, jes, ne, sed, ankaŭ, la, kie, sur, li, ŝi. .... Konversacio.	14
<b>3. Tria leciono:</b> Kia, mal-, en, apud, sub, super, kiu, mi, vi, li, ŝi, ĝi, . .... ni, vi, ili. Konversacio.	19
<b>4. Kvara leciono:</b> Mia, via, lia, ŝia, nia, ilia, -ino, -j. .... La familio.	24
<b>5. Kvina leciono:</b> Al, de, nun, tiu, tie, havas ... -n. .... En la ĉambro.	28
<b>6. Sesa leciono:</b> 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, kiom, kun, sen, per. .... La homa korpo. Anekdoto.	32
<b>7. Sepa leciono:</b> -as, -is, -os, semajno, antaŭ, post, kiel, ...-e, ĉar. .... Konversacio.	35
<b>8. Oka leciono:</b> -i, -u, da, ge-, kial, ĉar. .... Malgranda knabo.	39
<b>9. Naŭa leciono:</b> -ejo, -isto, -anto, ĉe, inter, el, pli, plej, .... malpli, malplej. Numeraloj. Nia familio.	45
<b>10. Dek-a leciono:</b> Kalendaro, kiam, kiom, kioma, je, dato, .... -aro, ĝis, si, sia. Peter skribas leteron.	51
<b>11. Dek-unua leciono:</b> Io, ĉio, nenio, iu, ĉiu, neniu, -ig-, -iĝ. .... La sezonoj. La jaro. La semajno.	56
<b>12. Dek-dua leciono:</b> Tia, ia, ĉia, nenia, ie, ĉie, nenie, iam, .... ĉiam, neniam, -eg-, -et-. Mateno. Proverboj.	61
<b>13. Dek-tria leciono:</b> -ilo, ek-, kies, ke, oni, tiom, iom. .... En la klaso.	65
<b>14. Dek-kvara leciono:</b> -ido, kien? -...-n, pri, tial, tiel, ajn, ĉi. .... Vespero. Proverboj.	69
<b>15. Dek-kvina leciono:</b> Por, por ke ... -u, ke ... -u, tra, ĉirkaŭ, .... kontraŭ, se ... -us. Tagmanĝo.	73
<b>16. Dek-sesa leciono:</b> -ono, po, -opo, -ad-, -obl-, -foje. .... Horloĝo. Ekskurso al la naturo. Anekdoto.	77
<b>17. Dek-sepa leciono:</b> Rigardi-vidi, aŭskulti-aŭdi, paroli-diri, . ....	81





-aĵo, pro, -eco, -ulo, for. La vivo de la homo. Proverboj. En zoologia ĝardeno (Zoo).	
<b>18. Dek-oka leciono:</b> Kvankam, tamen, -em-, -ebl-, re-, dis- .....	85
En la magazeno. La homa korpo.	
<b>19. Dek-naŭa leciono:</b> -ant-, -at-, bo-, -estro, -ujo. La parencoj. Proverboj. En la vilaĝo. ....	89
<b>20. Dudeka leciono:</b> -int-, -ont-, -it-, -ot- .....	93
Proverboj. Kanto de l' espero. Somero.	
<b>21. Dudek-unua leciono:</b> -ind-, -um-, -nj-, -ĉj-, anstataŭ, apenaŭ, .....	97
kvazaŭ. Proverboj. La sep kapridoj.	
<b>22. Dudek-dua leciono:</b> Trans, preter, ekster, laŭ, ĵus. ....	101
La ĉiutaga Esperanto. Vestajoj.	
واژه نامه اسپرانتو-فارسی .....	106
واژه نامه فارسی- اسپرانتو .....	111
اگر می‌خواهید راجع به اسپرانتو بیشتر بدانید .....	115
مندرجات .....	116
شرح حروف اضافه .....	117

استانو مارچک (Stano Marček)

## اسپرانتو با روش مستقیم

صفحه آرایی و گرافیک: نویسنده

Unua eldono en 2019

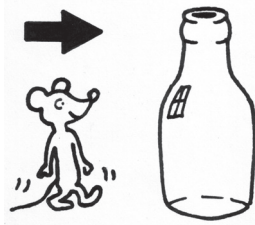
چاپ اول 2019

ترجمه فارسی: سعید بلوچی

ISBN 80-969561-6-7

شرح حروف اضافه

Al



Antaŭ



Apud



ĉe



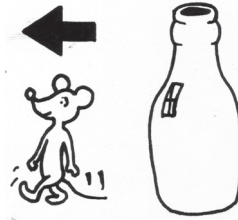
ĉirkaŭ



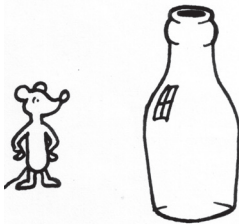
Da



De



Ekster



El



En



ĝis



Inter



Je



Kontraŭ



Kun

